

اصالتِ مهدویت در اسلام

انزادید کا آهل تسنن

پرفیسر سعید حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

نویسنده:

مهدی فقیه ایمانی

ناشر چاپی:

مهدی فقیه ایمانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	مهدی منتظر و نخستین مطرح کننده آن در اسلام
۹	ردیه های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت
۱۰	برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر از عالی ترین درجه اصالت اسلامی
۱۲	حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة
۱۸	اسامی راویان حدیث من مات و لم يعرف... و احادیث مشابه
۱۸	بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر
۱۹	صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر در منابع اهل تسنن
۱۹	معترفین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر
۲۱	معترفین به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر
۲۲	مهدی از فرزندان فاطمه دختر پیامبر است
۲۳	مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام حسین بن علی است نه حسنی و از فرزندان امام حسن بن علی
۲۵	معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی از نسل فاطمه زهرا و امام حسین بن علی در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری
۳۰	اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن
۳۱	تعداد صد و پنجاه و دو اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما و دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت مهدی
۴۱	مدعیان دروغین مهدویت و کسانی که بدروغ نسبت مهدویت بدانها داده شده
۴۵	کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب کند و دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده
۴۶	فتوای چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنی درباره منکرین مهدی منتظر
۴۷	پاورقی
۴۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

مشخصات کتاب

سرشناسه: فقیه ایمانی مهدی عنوان و نام پدیدآور: اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن تالیف مهدی فقیه ایمانی
 مشخصات نشر: مهدی فقیه ایمانی ۱۳۷۶.
 مشخصات ظاهری: ص ۱۶۸
 شابک: ۳۰۰۰ریال؛ ۳۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع:
 مهدویت موضوع: احادیث اهل سنت موضوع: محمد بن حسن عجب، امام دوازدهم ۲۵۵ق - .
 رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/ف۷الف ۶
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۷۸۵۲

مقدمه

قال النبى صلى الله عليه وآله: من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمدٍ پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که خروج - و قیام جهانی - مهدی را انکار نماید، پس محققاً بدانچه - از طرف خدا - بر محمد نازل شده کفر ورزیده‌هال رسول الله صلى الله عليه وآله: من کذب بالمهدي فقد كفر رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که مهدی را دروغ پندارد و تکذیب کند، پس بدون شک گرایش به کفر جسته

مهدی منتظر و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

بسمه تعالیاً مروری بر مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی، و تفسیری شیعه و سنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی مشخصات خانوادگی و پدران و اجدادش را آنچنان دقیقاً اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان «مهدی منتظر» خنثی و منتفی نمود، همانا شخص پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله بود. آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی، بر اساس وحی الهی، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز با ایراد یک سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام «حضرت مهدی واقعی» باشند. هم فریب مهدی های دروغین و ساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند، و هم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند. براین اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول روایتی، تفسیری، کلامی و تاریخی هریک از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و خلافت بعد از خود، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع آخرین خلیفه «برحق بعد از خود و یگانه مصلح جهانی» یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکی و از آن پس دوران های غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش، تکیه نمود. بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع بیشمار حدیثی و تاریخی و

عقیدتی که بخشی از هریک مختص به ذکر احادیث «مهدی منتظر» است، تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم‌های مختلف و سبک‌های گوناگون، هریک بیانگر ده‌ها و صدها روایت از رسول خدا (ص) در باره شئون حیاتی، خانوادگی، شکل و شمایل، و مقام امامتی «امام مهدی منتظر می‌باشد، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود [۱].

براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او. در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری، (۵ سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجة بن الحسن) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می‌کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و مقاله در حد کتاب و رساله به زبان‌های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم علما و دانشمندان شیعه و سنی تالیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه‌های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده، و بالاخره نه هیچ‌گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابت برجای گذارده، و نه سرنخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت (در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری ع) و نه زمینه‌ای برای خلط مبحث (مستشرقین غربی، یا شرقی‌های غرب زده) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات و یاوه‌گویی. اما متأسفانه می‌بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه یک مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی، که یک مسلمان برخوردار از عنوان پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده‌شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول - با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی و تاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه‌های فراوان و پر محتوای ترکیه - از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه (بر مبنای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت‌ترین دشمنان اسلام) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه‌گی اسلامی و برخوردار از عالیت‌ترین درجه اعتبار، در درجه هرچه ضعیف‌تر کمی و کیفی تلقی نموده و از این رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام‌گیری از یهود و نصاری و انمود می‌کند. یا ناشی از فشارها و محدودیت‌های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را - یعنی امر مهدی منتظر را - در رابطه با آن رخدادها اختراع و مطرح کردند. آری قرن‌ها قبل از به نمایش درآمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال: دونالد سن داویت، مؤلف «عقیده‌الشیعه»، بزبان انگلیسی، (که ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید) و جهت آگاهی بر دروغ‌بافی‌های او چه بهتر مراجعه شود به‌الغدیر علامه امینی ج ۳ ص ۳۲۰ - ۳۲۳، و لهوسن، مؤلف «الخوارج و الشیعه»، فان فلوتن، (۱۸۶۶ - ۱۹۰۳ م) مستشرق هلندی و مؤلف «السیاده العربیه و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه»، گولدزیهر یهودی، (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱ م) مستشرق فرانسوی مؤلف «العقیده و الشریعه فی الاسلام»، - کارل بروکلمان، (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶ م) مستشرق آلمانی و مؤلف «تاریخ الشعوب الاسلامیه»، - لوئیس ماسینیون، (۱۸۸۳ - ۱۹۶۲ م) مستشرق فرانسوی و مؤلف آثاری از قبیل کتب فوق، که با بیگانگی همه جانبه از اسلام هریک موضوع مصلح جهانی اسلام - یعنی مهدی منتظر عج و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرتش را همانند دیگر حقایق اسلامی) مورد تخطئه و تکذیب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتند و نیز قبل از سر از آب درآوردن یک عده مسلمان نمای غرب زده و بی اعتنای به مبانی دینی و سنت پیامبر (ص) و بدور از عالم حدیث شناسی امثال: شیخ محمد عبده مصری، (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳) مؤلف «شرح نهج البلاغه»! - رشید رضا مصری (۱۲۹۵ - ۱۳۵۴) مؤلف «مجله المنار» و «السنة و الشیعه»، - فرید وجدی مصری، (۱۲۹۲ - ۱۳۷۳) مؤلف «دائرة المعارف

القرن العشرين» - احمد امین مصری، (۱۲۹۵-۱۳۷۳) نویسنده المهدی و المهدویة و «ضحی الاسلام» و «فجر الاسلام» - سعد محمد حسن مصری، شاگرد احمد امین، نگارنده «المهدیة فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم» - ابوزهره مصری، از زمره علمای جامع ازهر مصر، مؤلف «الامام زید» و «الامام الصادق» - دکتر احمد محمد علی، مؤلف «دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین» - علی حسین السائح لیبائی، مؤلف مقاله تراثنا و موازین النقد» مندرج در مجله کلیة الدعوة الاسلامیه لیبی شماره ۱۰، سنه ۱۹۹۳ صفحه ۱۸۵ و ۲۰۵ - محمد عبدالکریم عتوم، مؤلف رساله دکترای فلسفه به نام «النظریة السیاسیة المعاصرة للشیعة الامامیة الاثنی عشریة» - دکتر سلمان بدور، صاحب «مقدمه» بر رساله عتوم - شیخ عبدالله بن زید آل محمود، رئیس شئون دینی و محاکم شرعی قطر، مؤلف «لامهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر» - و شیخ جبهان در «تبدید الظلام» و جز اینها شیخ... و ابو... ابن خلدون مغربی (در گذشته ۸۰۸)، احادیث پیرامون مهدی منتظر را در تاریخش (ص ۵۵۵)، فاقد اعتبار کمی و کیفی وانمود کرد و گفته های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت و قیام جهانی مهدی منتظر، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و انکار حقایق اسلامی گردید، در صورتیکه ابن خلدون یک مورخ نا آشنای با عالم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوئیهای پیامبر اکرم (ص) را پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او در ۱۹ روایت وانمود و تخطئه کند. همچنانکه حدود سه قرن و نیم پیش از پیدایش ابن خلدون، ابن حزم اندلسی ظاهری (در گذشته ۴۵۶هـ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخواست، آن چنانکه عده ای از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته های او دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند. و ابن حزم را کتابی است به نام «الفصل فی الملل و الاهواء و النحل» که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت مهدی منتظر داده است. جالب توجه اینکه رد نویسان بر این کتاب ها و مقالات و شبهه افکنی ها، باز کننده گان مشت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر و اثبات صحت و برخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هر چه بیشتر عالم حدیث شناسی بیکار نشستند، بلکه بهترین و محققانه ترین ردیه ها را بر آنها نوشته و انتشار دادند و از این رهگذر مشت خرابکاری و بیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز و بساط دروغبافی و انکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عجب را برچیدند، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه و مشاغل وقت گیر تنها به تعدادی از آنها برخورد نمودم و لازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم و آنها بدین قرار است:

ردیه های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، شافعی، ازهری، مغربی، (در گذشته ۱۳۸۰) چاپ مطبوعه ترقی دمشق ۲، ۱۳۴۷ - ابراز الوهم من کلام ابن حزم، احمد بن صدیق غماری مؤلف قبل، چاپ ۱۳۴۷ مطبوعه ترقی دمشق، ۳- الاحتجاج بالاثار علی من انکر المهدی المنتظر، شیخ حمود بن عبدالله تویجری، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، در رد بر شیخ ابن محمود قاضی قطر در دو جلد، چاپ جلد اول ۱۳۹۴ و جلد دوم ۱۳۹۶ در ریاض، ۴- الی مشیخة الازهر، شیخ عبدالله سبیتی عراقی در رد بر «المهدویة فی الاسلام» سعد محمد حسن، چ ۱۳۷۵ هـ دارالحدیث بغداد، ۵- تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر، شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع (۱۳۸۵) پیرامون اثبات احادیث حضرت مهدی، و در رد گفته های ابن خلدون، ۶- الجزم، لفصل ابن حزم، در رد ابن حزم است که بخشی از کتاب «الفصل فی الملل و الاهوا و النحل» او در تخطئه و تکذیب احادیث مهدی منتظر میباشد، و شیخ کاظم حلی (متولد حوالی ۱۳۰۰) آن را در دو جلد ضخیم تنظیم و چاپ نمود. [الذریعه ۵/۱۰۴]، ۷- الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی، عبدالمحسن العباد، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت تدریسی آن، چاپ مجله دانشگاه شماره ۴۵ ص ۲۹۷ - ۳۲۸ و شماره ۴۶ ص ۳۶۱ - ۳۸۳، این مقاله یا رساله که بیانگر

محققانه ترین بحث حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد بر کتاب «لامهدی ينتظر بعد الرسول» شیخ ابن محمود قطری است و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده، هرچند در امر ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می باشد که اعتراف به هر دو موضوع نموده اند، و این جانب را در این زمینه با او خاطره ای است که در کتاب «شناخت امام» آورده ام و در اینجا مجال ذکرش نیست، ۸- مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه، محمد امین زین الدین چاپ مطبوعه دارالنشر نجف اشرف ۱۳۷۱ هـ ۱۹۵۱ م، ۹- المهدی واحمد امین، محمد علی زهیری نجفی، چاپ اول ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م نجف اشرف، این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است، ۱۰- نقد الحدیث بین الاجتهاد و التقليد سید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی، چاپ دوم قم، ۱۴۱۷ هـ ۱۱- الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون، ابوالعباس بن عبدالؤمن، مغربی، ۱۲- هدی الغافلین الی الدین المبین، سید مهدی صالح کشوان قزوینی، این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت مهدی خلاصه شده و بسال ۱۳۳۵ از تالیف آن فراغت جست، [کتابنامه حضرت مهدی (ع) آقای مهدی پور ۲/۷۷۸] اکنون می گوئیم: فرموده های پیامبر اکرم (ص) در رابطه با موضوع نخستین مطرح کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می گردد: بخش اول: ایراد حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر مسلمان بدون شناخت «امام زمان» زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود، و بطور کلی و قاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد. بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری را (با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و رخدادهای مربوطه به دوران امامتش) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود. بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور... که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرنخ گرفتن عقیده به او از یهود و نصاری خلاصه شده، فهرستوار می پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدهانفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می باشد.

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر از عالی ترین درجه اصالت اسلامی

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر یک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده اند، که ما در این مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، و می گوئیم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا(ص)، و اینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی ترین درجه اعتبار حدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آنچنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود. اضافه برین بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرحش بنظر میرسد، همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند و زمینه ای برای ایراد باطیل مطرح شده وسیله پرفسور... نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و

ساختگی می‌باشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود. اکنون نخست می‌پردازیم بذکر فهرست اسامی صحابه ناقل احادیث مهدی موعود منتظر و از آن پس به فهرست اسامی معترفین به تواتر آن احادیث و صحت و قابل استناد بودن آنها: تذکر: نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب «مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما» - که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان «مهدی!» است [۲] - سنی حنفی می‌باشد و معمولاً با شیعه غیر مربوط بلکه طبعاً از تشیع دور و از پیروی امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رویگردان و آن را باطل می‌داند ما هم در نگارش و تنظیم این مقاله کاری به کار شیعه و استفاده از منابع مربوط به آن نداشته، بلکه سراسر مقاله و صد در صد نقلیات حدیثی و تاریخی و اعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه و معتبر اهل تسنن است، با ارائه آدرس دقیق، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا یک مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم و بدور از دروغ و دروغبافی منابع اهل تسنن و نیز به احادیث متواتر و قطعی الصدور نبوی و مطرح شده در آن کتابها تن در دهد و سر تسلیم فرود آورد و از نوشته های خود (مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود و نصاری و نیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج) که غربال شده باطیل مستشرقین یهودی و مسیحی است عذرخواهی کند، و در راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ و آسیب وارده بر آن را ترمیم نماید، و یا جرأت بخرج دهد و صاف و صریح بگوید: هرچند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند. و گرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهنده مزخرفات آنها و جیره خوار بیگانگان دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم، اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و پی بردن به غرض ورزی و خیانت های دینی یا اشتباه کاری های این گونه نویسندگان، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم، تا سیه روی شود هر که دروغ غش باشد، و ما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم. آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله «مهدی» اولین سرنخی که ارائه داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل و بی اساس وانمود کند، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی در حال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می‌برند و بر این اساس وانمود می‌کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می‌باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است. در حالیکه با بررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می‌رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق دینی و مذهبی جهان فراوان و در حد غیر قابل انکار است، ولی بهیچ عنوانی اشتراک عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و بیراهه روی مسلمانان نخواهد بود. از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی با بت پرستان مشترکند، اما در چگونگی و کم و کیف صفات سلویه و ایجابیه الهی با هم اختلاف دارند. یهود و نصاری برای خدا قائل به فرزندند، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند. قران مجید درباره یهود و نصاری فرماید: (قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله) (توبه، آیه ۳۰) یهود گویند عزیر پسر خداست و نصاری گویند مسیح پسر خداست. نیز قران فرماید: (قالت اليهود و النصارى نحن ابناء الله و...) (مائده، آیه ۱۸) یهود و نصاری گفته اند ما پسران خداوند هستیم... نیز قران مجید فرماید: (و قالت اليهود یدالله مغلوله غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا) (مائده، آیه ۶۴) یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند. و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی - که نشانگر ضعف خدا و محدودیت قدرت و اختیار اوست - ندارند. پس بطور خلاصه اگر اشتراک مسلمانان - مخصوصاً شیعه - با یهود و نصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودن عقیده به مهدویت است، نیز اشتراک مسلمانان با

یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت و ریشه داری عقاید توحیدی است، نستعید بالله. آری اگر اشتراک در بعضی عقائد حقه دینی با فرقه های باطل و بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقه باشد، پس در صورتیکه افرادی شیاد، فریبکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوی نبوت کردند و حتی هزاران نفر مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت. به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست، و به قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائانه یا جاهلانه - از عناوین و شئون دینی و مقام نبوت، خلافت، امامت، آیات قرآنی، احادیث نبوی و احکام مسلمه اسلام - تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده های مختلف و باز نستعید بالله. در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید و شاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف، داعی به شک در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن [۳]. نیز ناصرالدین آلبنی همین موضوع را با دیگر عبارت ردّو ایراد نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد [۴]. در پایان این مقال می گوئیم: ولسفا به حال یک مسلمان استاد متخصص «تاریخ مذاهب اسلامی» که با عقائد اسلامی این چنین برخورد عامیانه یا مغرضانه و جسورانه نماید و دین و قلم خود را به باد مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

یا مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامتگانه مصلح جهانی امام مهدی منتظر (علیه السلام) یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر حق و واجد شرایط همه جانبه - علمی و عملی و اخلاق و تقوایی - از جمله امام مهدی منتظر، محمد بن الحسن العسکری بخصوص، حدیث شریف: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» [۵]. و احادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی تفاوتی یا سماجت و عصیّت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با بت پرستان و مشرکین خواهد شد. و اکنون می پردازیم به ذکر متن های مختلف این حدیث و از آن پس به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل تسنن. بخش اول: ۱- من لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة. ۲- من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة. ۳- من مات لیلة و لیس فی عنقه بیعة امام مات میتة جاهلیة. ۴- من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة. ۵- من مات ولا بیعة علیه مات میتة جاهلیة. ۶- من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة. ۷- من مات و لم يعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیاً و ان شاء نصرانیاً. ۸- من مات ولم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة. ۹- من مات و لیس علیه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة. ۱۰- من مات و لیس علیه امام، فمیتة میتة جاهلیة. ۱۱- من مات و لیس علیه امام مات میتة جاهلیة. ۱۲- من مات و لیس (لیست) علیه طاعة مات میتة جاهلیة. ۱۳- من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة. ۱۴- من مات و لیس لامام جماعة علیه طاعة مات میتة جاهلیة. ۱۵- من مات و لیس له امام فمیتة میتة جاهلیة. بخش دوم: ۱- لیس احد یفارق الجماعة شبراً فیموت، الا مات میتة جاهلیة. ۲- من خالف المسلمین قید شبر ثم مات، مات میتة جاهلیة. ۳- من خرج عن الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة. ۴- من خرج من الجماعة قید شبر، فقد خلع ربقة الاسلام من رأسه. ۵- من خرج من السلطان شبراً، مات میتة جاهلیة. ۶- من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فمیتة جاهلیة. ۷- من خرج من الطاعة و فارق الجماعة... فلیس منی و لست منه. ۸- من خلعه بعد عهدها، لقی الله ولاحجة له. ۹- من خلع یداً من طاعة، لقی الله یوم القيامة للاحجة له. ۱۰- من خلع یدا من طاعة

مات میتة جاهلیة. ۱۱ - من فارق الجماعة او خلع یدا من طاعة، مات میتة جاهلیة. ۱۲ - من فارق الجماعة شبراً فمات، فمیتة جاهلیة. ۱۳ - من قتل تحت رأیه عمیه تدعوا عصبیه او ینصر عصبیه فقتله (قتله) جاهلیة. ۱۴ - من مات تحت رأیه عصبیه، فقتلته قتله جاهلیة. ۱۵ - من مات علی غیر طاعة مات لا حجة له. ۱۶ - من مات و هو مفارق للجماعة، مات میتة جاهلیة. ۱۷ - من نزع یداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة. ۱۸ - من نزع یداً من طاعة، جاء يوم القيامة لاحجة له. اما متون تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل و راوی و ناقل هر یک از مجموع احادیث، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است، تنها به ذکر ناقلان از این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم. در پایان اینمقال کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است [۶].

واینک میپردازیم به ذکر قسمتی از اسناد حدیث و راویان و ناقلان از اهل تسنن. ۱ - «مسند» ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته (۲۰۴) از عبد الله بن عمر بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة، و من نزع یداً من طاعة جاء يوم القيامة لاحجة له» نیز رجوع شود به کنز العمال. ۲ - «مصنف» یا «جامع کبیر در حدیث» حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته (۲۱۱) چاپ مجلس علمی پاکستان، ج ۱۱ ص ۳۳۰ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فمات مات میتة جاهلیة». ۳ - «سنن» سعید بن منصور خراسانی در گذشته (۲۲۷) از عامر بن ربیع صحابی بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» [۷] به نقل کنز العمال. ۴ - «مسند» حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری در گذشته (۲۳۰) ۲/۸۵۰ شماره ۲۳۷۵ چاپ کویت، از عبد الله بن عامر از پدرش عامر بن ربیع، بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة، و من خلعهها بعد عقدها ایاها لقی الله ولا حجة له». ۵ - «طبقات الکبری» محمد بن سعد کاتب واقفی در گذشته (۲۳۰) ج ۵ ص ۱۰۷ چاپ لیدن و ص ۱۴۴ چاپ بیروت، ذیل شرح حال عبد الله بن مطیع بلفظ: «من مات و لایبعه علیه مات میتة جاهلیة» به روایت از عبد الله بن عمر. نیز مراجعه شود به کنز العمال ۱/ ۱۰۳ شماره ۴۶۳.۶ - «مصنف» حافظ ابن ابی شیبه، ابوبکر عبد الله بن محمد، در گذشته (۲۳۴) ج ۱۵ ص ۲۴ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فمات مات میتة جاهلیة». و ص ۳۸ شماره ۱۹۰۴۷ از عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: «من مات و لا طاعة علیه مات میتة جاهلیة، و من خلعهها بعد عقده ایاها فلا حجة له» و نیز بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة، مات میتة جاهلیة» و ص ۵۲ شماره ۱۹۰۹۰ بلفظ: «من ترک الطاعة و فارق الجماعة فمات، فمیتة جاهلیة، و من خرج تحت رأیه عمیه یغضب لعصبیه او ینصر عصبیه او یدعوا الی عصبه، فقتلته فقتلته جاهلیة». نیز مراجعه شود به کنز العمال (۶/۶۵ شماره ۱۴۸۶۱). ۷ - «المعیار و الموازنة» علامه متکلم ابوجعفر اسکافی در گذشته (۲۴۰) ص ۲۴ بلفظ: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» از عبد الله بن عامر. ۸ - «نقض العثمانیة» نیز از اسکافی ص ۱۱ - ۱۲ و به نقل ابن ابی الحدید ۱۳ / ۲۴۲ بلفظ فوق. ۹ - «مسند» احمد بن حنبل در گذشته (۲۴۱) ج ۲ ص ۸۳ و ۱۵۴ بلفظ: «من مات و هو مفارق للجماعة مات میتة جاهلیة» و ص ۱۱۱ بلفظ: «من مات و قد نزع یده من بیعه کانت میتة ضلال» از ابن عمر، و ص ۲۹۶ بلفظ: «من خرج من طاعة و فارق الجماعة مات میتة جاهلیة» از ابوهریره. و ج ۳ ص ۴۴۶ بخش مسند عامر بن ربیع بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» به روایت از نامبرده و ج ۴ ص ۹۶ بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة» از معاویه بن ابی سفیان. ۱۰ - «الاموال» حمید بن زنجویه در گذشته (۲۵۱) ج ۱ ص ۸۱ شماره ۴۰ چاپ ریاض از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فمیتة جاهلیة» و ص ۸۲ شماره ۴۲ بلفظ: «من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة، و ان خلعهها بعد عقدها فی عنقه لقی الله و لیست له حجة» از عبد الله بن عامر بن ربیع از پدرش و شماره ۴۳ از ابن عمر (در حالیکه روی سخنش به ابن مطیع - والی مدینه از طرف عبد الله بن زبیر بهنگام قتل عام مردم آن بدست بسر بن ارتاط از جانب یزید - بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود): «من مات علی غیر طاعة مات لاحجة له و من مات قد نزع یداً من بیعه کان علی الضلال» و ناگفته پیداست که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات میخواست از این حدیث به نفع یزید (که مردم مدینه و از جمله بعضی از صحابه رسول الله (ص) او را از خلافت خلع کرده بودند) سوء استفاده کند، فحشره الله مع یزید بن معاویه و جده و ابیه. ۱۱ -

- «سنن» امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی در گذشته (۲۵۵) ج ۲ ص ۲۴۱ بلفظ: «لیس من احد یفارق الجماعة شبرا فیموت، الامات میتة جاهلیة» از ابن عباس. ۱۲- «صحیح» محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته (۲۵۶) ج ۲ ص ۱۳ و در چاپ دیگر مصر ج ۹ ص ۵۹ باب فتن از ابن عباس بلفظ: «من خرج من السلطان شبرا مات میتة جاهلیة» و بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فمات (الامات خ) میتة جاهلیة». ۱۳- نیز «تاریخ الکبری» بخاری ۶ / ۴۴۵ شماره ۲۹۴۳ از عامر بن ربیع از پدرش بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» و در ج ۴ ص ۵۴ شماره ۱۹۳۸ بلفظ: «من فارق الجماعة قید شبر فقد فارق الاسلام». ۱۴- «صحیح» مسلم در گذشته (۲۶۱) ج ۶ ص ۲۱-۲۲ شماره ۱۴۸۹ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از عبد الله بن عمر و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة» و نیز «من فارق الجماعة شبرا فمات فمیتة جاهلیة». و در ج ۸ ص ۱۰۷ بلفظ: «من لم يعرف امام زمانه فمات میتة جاهلیة» (ملحقات الاحقاق ۱۳ / ۱۵(۸۵) - «العلل الواردة فی الاحادیث» ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی دارقطنی شافعی (۳۰۵ / ۳۰۶) ج ۷ ص ۶۳ بلفظ: «من مات لغير امام مات میتة جاهلیة» به سه سند از معاویه و دو سند از ابوهریره. ۱۶- «زوائد» احمد بن عمر بزار در گذشته (۳۲۰) ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۲ ص ۱۴۳ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام فمیتة جاهلیة، و من مات تحت رایة عصبیة، فقتلته قتلة جاهلیة». ۱۷- «الکنی والاسماء» حافظ دولابی در گذشته (۳۲۰) ج ۲ ص ۳ چاپ دائرة المعارف حیدرآباد دکن بلفظ: «من مات و لیس علیه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة، و من خرج من الجماعة فقد خلع ربة الاسلام من عنقه» از ابن عمر. ۱۸- «عقد الفرید» ابو عمر، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی در گذشته (۳۲۷) ج ۱ ص ۹ سطر ۱۲ بلفظ: «من فارق الجماعة او خلع یدامن طاعة، مات میتة جاهلیة». ۱۹- «صحیح ابن حبان»، ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی، بستی شافعی در گذشته (۳۵۴) به شرح «احسان بترتیب صحیح ابن حبان» شماره ۴۴ بلفظ: «من مات ولیس له امام مات میتة جاهلیة». ۲۰- «کتاب المجروحین» نیز از ابوحاتم ج ۱ ص ۲۸۰ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمین قید شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، و من مات و لیس علیه امام فمیتة جاهلیة، و من مات تحت رایة عمیة یدعوا الی عصبیة او ینصر فقتله جاهلیة» به روایت از ابن عباس ۲۱- «معجم الکبیر» حافظ ابوالقاسم طبرانی در گذشته (۳۶۰) ج ۱۰ ص ۳۵۰ حدیث ۱۰۶۸۷ (شماره مسلسل) بلفظ: «من فارق جماعة المسلمین قید شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات ولیس علیه امام فمیتة جاهلیة و من مات تحت رایة عمیة یدعوا الی عصبیة او ینصر عصبیة فقتله جاهلیة» به روایت از ابن عباس. و ج ۱۹ ص ۳۸۸ شماره ۹۱۰ چاپ بغداد بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» به روایت معاویه، و به لفظ «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» از عامر بن ربیع (نیز رجوع شود به کنز العمال ج ۶ ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱). ۲۲- «معجم اوسط» نیز از طبرانی ج ۱ ص ۱۷۵ شماره ۲۲۷ بلفظ: «من مات و لایبعه علیه مات میتة جاهلیة» و بادیگر الفاظ مختلف ذیل کتاب «مجمع الزوائد» بیاید. ۲۳- «الکامل فی ضعف الرجال» ابواحمد عبد الله بن محمد، معروف به ابن عدی جرجانی در گذشته (۳۶۵) ج ۵ ص ۱۸۶۹ بلفظ: «من مات ولیس علیه طاعة، مات میتة جاهلیة» به روایت عامر بن ربیع. ۲۴- «مستدرک الصحیحین» حاکم نیشابوری در گذشته (۴۰۵) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ از ابن عمر بلفظ: «من مات ولیس علیه امام جماعة فان موته موتة جاهلیة». ۲۵- «المغنی» قاضی القضاة معتزلی، عبد الجبار بن احمد همدانی اسدآبادی در گذشته (۴۱۵) جزء متمم عشرين ج ۱ ص ۱۱۶ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة». ۲۶- «ندیم الفرید» علامه محقق ابوعلی، احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه - که اصلش ازری و مقیم ودر گذشته اصفهان بسال (۴۲۱) بوده است بلفظ: «من مات لیلئ ولیس فی عنقه بیعة امام فقد مات میتة جاهلیة». [۸]. ۲۷- «حلیة الاولیاء» حافظ ابونعیم اصفهانی در گذشته (۴۳۰) ج ۳ ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات بغير امام فقد مات میتة جاهلیة و من نزع یده من طاعة (یدا من طاعة الله) جاء یوم القیامة لاحجة له» به روایت از طیالسی. و اضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلم بوده، مسلم در حدیث خود آنرا از زید روایت نموده و گفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند. سپس هشت نفر از تابعین را نام برده که این حدیث را روایت نموده اند. ۲۸- «المنتقی فی الاخبار» مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی در گذشته (۴۳۷) به شرحی که در «نیل الاوطار فی شرح منتقی الاخبار» تحت شماره

۶۶ بیاید ۲۹ - «سنن بیهقی» در گذشته (۴۵۸) ج ۸ ص ۱۵۶ - ۱۵۷ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعه، مات میتة جاهلیة» او بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» و نقل از بخاری و مسلم. ۳۰ - «شعب الایمان» نیز از بیهقی، به شرح مختصر آن که تحت شماره ۴۵ بیاید. ۳۱ - «المتفق و المفقود» ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی در گذشته (۴۶۳) بلفظ: «من نزع یداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة، و من خلعهها بعد عهدھا لقی الله و لا - حجة له» از ابن عمر (کنز العمال ۶/۶۶ شماره ۱۴۸۶۵) ۳۲ - «جمع بین صحیحین - بخاری و مسلم» محمد بن فتوح حمیدی در گذشته (۴۸۸) بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج ۲ ص ۳۰۶ بواسطه کنز العمال ۱/۱۸۶) چاپ حیدر آباد) آنرا نقل نموده، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده (۳۳ - «شرح المبسوط فی الفقه» شمس الدین سرخسی (در گذشته ۴۹۰). ۳۴ - «شرح السیر الکبیر شیانی» نیز از سرخسی ج ۱ ص ۱۱۳ چاپ حیدرآباد ۶ - ۱۳۳۵. نیز ج ۱ ص ۱۶۷ چاپ ۱۹۷۱ م قاهره بلفظ: «من اتاه من امیره ما یکرهه فلیصبر، فان من خالف المسلمین قید شبر، ثم مات، مات میتة جاهلیة» ۳۵ - «ربیع الابرار» محمود بن عمر زمخشری در گذشته (۵۳۸) ج ۴ ص ۲۲۱ باب الملك و السلطان بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه لامام المسلمین بیعة فمیتة میتة جاهلیة» ۳۶ - «ملل و نحل» محمد بن عبد الکریم شهرستانی شافعی در گذشته (۵۴۸) ج ۱ چاپ قاهره ص ۱۷۲ ذیل «الاسماعیلیه» بلفظ: «ان من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» و نیز: «من مات و لم یکن فی عنقه بیعة امام، مات میتة جاهلیة» ۳۷ - «مصباح المصیی فی خلافة المستضی» ابوالفرج، عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی در گذشته (۵۹۷) ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۷ چاپ اوقاف عراق بسال ۱۳۹۷ شامل احادیث کلیات خلافت از جمله حدیث: «من فارق الجماعة شبراً فمات، فمیتة جاهلیة» ۳۸ - «جامع الاصول» ابن اثیر جزری در گذشته (۶۰۶) ج ۴ ص ۴۵۶ بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة» از ابن عباس از طریق بخاری و مسلمو بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة، و من قتل تحت رایة عمیه یغضب لعصیة او یدعوا الی عصیة فقتل، فقتلته جاهلیة» به روایت از ابوهریره، از طریق مسلم و نسائی. ۳۹ - «مسائل الخمسون» محمد بن فخر رازی در گذشته (۶۰۶) مسئله ۴۷ ص ۳۸۴ چاپ - ضمیمه مجموعه رسائل - مصر مطبوعه علمی کردستان سال ۱۳۲۸ بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا» (کتاب «پیرامون معرفت امام» از علامه فقیه صافی گلپایگانی ص ۸) ۴۰ - «المغنی فی شرح الخرقی» ابن قدامه، عبدالله بن احمد مقدسی جماعلی دمشقی حنبلی در گذشته (۶۲۰) ج ۱۰ ص ۴۶ چاپ بیروت، تحت عنوان «قتال اهل البغی» به روایت انس و بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، فمیتة جاهلیة» ۴۱ - «فتح العزیز علی کتاب الوجیز» ابوالقاسم، عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی در گذشته (۶۲۳) به تفصیلی که در تلخیص الحبیر شماره ۵۶ بیاید. ۴۲ - «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته (۶۵۶) ج ۹ ص ۱۵۵ بلفظ: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» باضافه جمله «واصحاب ما همه قائل به صحت ودرستی این قضیه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت. وج ۱۳ ص ۲۴۲ بلفظ: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» به نقل عبدالله بن عمر، و اضافه میکند: وی شبانه به در خانه حجاج (ابن یوسف ثقفی) رفت تا بر خلافت عبدالملک مروان باوی که از طرف او حاکم عراق بود، بیعت کند، به این دلیل که پیامبر فرموده: «من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة» ولی روش تحقیر آمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: (جهت بیعت) دست خود را به پای من متصل کن. و اینچنین بجای مراسم بیعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود. ۴۳ - «شرح صحیح مسلم» حافظ نووی در گذشته (۶۷۶) ج ۱۲ ص ۲۴۰۴۴ - «ریاض الصالحین» نیز از نووی ج ۱ ص ۴۳۷ شماره ۶۶۲ و در چاپ دمشق ص ۲۸۴ - ۲۸۵ شماره ۶۶۳ بلفظ: «من خلع یداً من طاعة لقی الله یوم القیامة و لا حجة له، و من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» رواه مسلم. و فی روایه له: «من مات و هو مفارق للجماعة فانه یموت میتة جاهلیة» و به شماره ۶۷۰ بدین عبارت آمده: «من کره من امیره شیئاً فلیصبر، فانه من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة» متفق علیه. ۴۵ - «مختصر شعب الایمان -

بیهقی - از ابوجعفر عمر قزوینی در گذشته (۶۹۹) ص ۱۰۶ چاپ مصر بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلیة» به روایت از ابوهریره و نقل از مسلم. ۴۶ - «الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان» امیر علاء الدین، علی بن بلبان فارسی حنفی در گذشته (۷۳۹) ج ۷ ص ۴۹ چاپ بیروت، بلفظ: «من مات و لیس له امام مات ميتة جاهلیة» از طریق ابویعلی به روایت از معاویه. ۴۷ - «تلخیص المستدرک» حافظ ذهبی در گذشته (۷۴۸) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ نقل و اقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده. ۴۸ - «تفسیر» ابن کثیر دمشقی در گذشته (۷۷۴) ج ۱ ص ۵۱۷ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات ميتة جاهلیة». ۴۹ - نیز «تاریخ ابن کثیر» ج ۷ ص ۲۳۲ بدین شرح که چون مردم - بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند عبد الله بن عمر فرزندان و اهلیت خود را جمع نمود و پس از تشهد گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد (یزید بن معاویه) بیعت کردیم و شنیدیم رسول خدا میگفت: «من نزع یداً من طاعة، فانه یأتی یوم القيامة لاجهة له، و من مات مفارق الجماعة فانه یموت موتة جاهلیة» پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید و مبادا در این باره اسراف و تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد. ۵۰ - «شرح المقاصد» سعدالدین تفتازانی (۷۹۲) ج ۲ ص ۲۷۵ بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات ميتة جاهلیة» و اضافه کرده است این حدیث همانند: (اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم) میباشد. ۵۱ - «شرح - عقائد نسفی» - نیز از محقق تفتازانی چاپ ۱۳۰۲، لکن چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط گردیده فاقد این حدیث میباشد. (الغدیر ۱۰ / ۳۶۰) ۵۲ - «مجمع الزوائد» نور الدین هیثمی در گذشته (۸۰۷) ج ۵ ص ۲۱۸ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلیة» به روایت از معاویه و بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات ميتة جاهلیة» و ص ۲۱۹ بلفظ: «و من خرج من الجماعة قید شبر متعمدا فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات و لیس لامام جماعة علیه طاعة مات ميتة جاهلیة» از معاذ بن جبل به روایت طبرانی و بلفظ: «... من أصبح لیس لأمیر جماعة علیه طاعة بعثه الله یوم القيامة من ميتة جاهلیة» از ابودرداء از طریق طبرانی. و ص ۲۲۳ بلفظ: «من مات و لیس علیه طاعة مات ميتة جاهلیة» به نقل از عامر بن ربیع و طریق احمد بن حنبل، ابویعلی، بزار و طبرانیو ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، فمیتته جاهلیة» به روایت از ابن عباس و طریق بزار و طبرانی در معجم اوسط. و ص ۲۲۵ بلفظ: «من مات و لیس علیه امام، مات ميتة جاهلیة» به روایت از معاویه بن ابی سفیان از طریق طبرانی در معجم اوسط. ۵۳ - «کشف الاستار عن زوائد البزار علی الکتب الستة» نیز از هیثمی ج ۲ ص ۲۵۲ حدیث ۱۶۳۵ چاپ مؤسسه رسالت، بلفظ: «من فارق الجماعة قیاس (او قید) شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، و من مات و لیس علیه امام فمیتته ميتة جاهلیة، و من مات تحت رأیة عصبیة او ینصر عصبیة فقتلته قتلة جاهلیة». ۵۴ - «فتح الباری شرح صحیح بخاری» احمد بن محمد بن حجر عسقلانی در گذشته (۸۵۲) ج ۱۶ ص ۱۱۲ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات ميتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر. ۵۵ - «مطالب العالیة» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۲ ص ۲۲۸ تحت شماره ۲۰۸۸ بلفظ: «من مات و لا طاعة علیه مات ميتة جاهلیة» ۵۶ - «تلخیص الحیبر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۴ ص ۴۱ بلفظ: «من خرج عن الجماعة قید شبر فقد خلع ربة الاسلام...» به روایت از ابن عمر. و ص ۴۲ بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمیتته جاهلیة» به روایت از ابوهریره (فهارس کتاب فوق ص ۲۸۹، چه دارالمعرفه بیروت) ۵۷ - «جمع الجوامع» یا «جامع الاحادیث» عبدالرحمن سیوطی در گذشته (۹۱۱) بشرح مندرج در کنز العمال. ۵۸ - «تیسیر الاصول» ابن دبیب شیبانی در گذشته (۹۴۴) ج ۳ ص ۳۹ به روایت از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات ميتة جاهلیة» از طریق دو صحیح بخاری و مسلم. ۵۹ - «کنز العمال» حسام الدین متقی هندی در گذشته (۹۷۵) ج ۱ ص ۱۰۳ شماره ۴۶۳ چاپ حلب بلفظ: «من مات و لا بیعة علیه مات ميتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر به نقل از مسند احمد و ابن سعد. و شماره ۴۶۴ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلیة» به روایت معاویه و از طریق احمد حنبل و طبرانی. و ص ۲۰۷ شماره ۱۰۳۵ بلفظ: «من خرج من الجماعة قید شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه حتی یراجعه، و من مات و لیس علیه امام جماعة فان موته موتة جاهلیة» از ابن عمر و از طریق مستدرک حاکم. و شماره ۱۰۳۷ بلفظ: «من فارق المسلمین قید شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، و من مات

لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة، ومن مات تحت رایة عُمیة یدعوا الی عصیة او ینصر عصیة فقتله جاهلیة» از طریق طبرانی (در معجم کبیر) به روایت ابن عباسوص ۲۰۸ شماره ۱۰۳۸ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين شبرا، أخرج من عنقه ربقة الاسلام... و من مات من غیر امام جماعة مات میتة جاهلیة» به روایت ابن عمر از طریق حاکم در مستدرک. و ص ۳۷۹ شماره ۱۶۴۹ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربقة الاسلام من عنقه» از علی به روایت از بیهقیوج ۶ ص ۵۲ شماره ۱۴۸۰۹ بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة...» به روایت از ابوهریره از طریق احمد، نسائی و مسلم. و شماره ۱۴۸۱۰ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر از طریق مسلم. و ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ بلفظ: «و من مات و لیس علی طاعة، مات میتة جاهلیة» به روایت از عامر بن ربیع از طریق ابن ابی شیبہ (در مصنف) و احمد حنبل (در مسند) و طبرانی (در معجم کبیر) و سعید بن منصور (در سنن) و شماره ۱۴۸۶۳ بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة، و من نزع یدا من طاعة جاء یوم القيامة لاجدة له». به روایت از عبدالله بن عمر و نقل از «معجم کبیر» طبرانی و «حلیه الاولیاء» ابونعیم. و ص ۶۶ شماره ۱۴۸۶۵ بلفظ: «من نزع یدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة، و من خلعه بعد عهدا لقی الله و لا حجة له» به روایت ابن عمر از طریق خطیب بغدادی در «المتفق والمفترق». ۶۰ - «جواهر المصنیه» ملاعلی قاری حنفی در گذشته (۱۰۱۴) در خاتمه کتاب ج ۲ ص ۵۰۹ بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» و در ص ۴۵۷ گوید: و فرموده او (پیامبر) ص در صحیح مسلم «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» معنایش این است که: هر کس شناسد آن کس را (که اقتدا به او و رهنمون شدن بدو - در زمانی که دست اندر کار امامت و رهبری است - واجب باشد) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود. ۶۱ - «مجمع الفوائد» محمد بن سلیمان مغربی در گذشته (۱۰۹۴ در شام) ج ۲ ص ۲۵۹ چاپ بیروت شماره ۶۰۴۸، بلفظ: «من مات بغیر امام، مات میتة جاهلیة» و در روایت دیگر تحت شماره ۶۰۴۹ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از معاویه بن ابی سفیان. ۶۲ - «بریقة المحمودیه» شیخ ابوسعید خادمی حنفی در گذشته (۱۱۶۸) ج ۱ ص ۱۱۶ چاپ مصطفی حلبی قاهره، بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة» (ملحقات احقاق الحق ج ۱۹ پاورقی ص ۶۳(۶۵۱) - «ازالة الخفاء فی مناقب الخلفاء» شاه ولی الله دهلوی در گذشته (۱۱۷۶) ج ۱ ص ۳ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» آنرا ذکر نموده و برای اثبات وجوب کفائی نصب خلیفه بر مسلمین تا روز قیامت، بدان استدلال کرده است. ۶۴ - «ازالة الغین» علامه فقیه مولی حیدر علی بن محمد فیض آبادی هندی در گذشته (۱۲۰۵) در بحث از بی اعتباری بعضی از احادیث بخاری، چاپ دهلی ۱۲۹۵ بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (المدخل حدیث غدیر از عبات ص ۶۱(۶۵) - «فواتح الرحموت» - شرح «مسلم الثبوت» شیخ محب الله بهاری هندی حنفی در گذشته (۱۱۱۹) - از عبد العلی محمد بن نظام الدین محمد انصاری هندی در گذشته (۱۲۲۵) ج ۲ ص ۲۲۳ - ۲۲۴ چاپ لکهنو ۱۸۷۸م بلفظ: «لم یفارق الجماعة احد و مات الا- مات میتة جاهلیة» به روایت از بخاری و نیز در چاپ بولاق در حاشیه مستصفی غزالی ج ۲ ص ۲۲۴.۶۶ - «نیل الاوطار» بشرح «المنتقى فی الاخبار» - قاضی محمد بن علی شوکانی یمنی در گذشته (۱۲۵۵) ج ۷ ص ۳۵۶ چاپ بیروت ۱۹۷۳ بلفظ: «من رای من أمیره شیئا یکرهه فلیصبر، فانه من فارق الجماعة شبرا فمات، فمیتته جاهلیة» از ابن عباس. و بلفظ: «من کره من أمیره شیئا فلیصبر علیه، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبرا فمات علیه الا مات میتة جاهلیة» از ابن عباس. و بلفظ: «و من خلع یدا من طاعة لقی الله و لا حجة له، و من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از ابن عمر به نقل از مسلم. و ص ۳۵۷ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فکانما خلع ربقة الاسلام من عنقه» به روایت از حرث بن حرث اشعری و نقل از ترمذی و ابن خزیمه و ابن حبان و روایت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانی در اوسط. ۶۷ - «ینایع الموده» علامه شیخ سلیمان بلخی قندوزی در گذشته (۱۲۹۴) باب ۳۹ ص ۱۳۷ چاپ حیدریه نجف و ص ۱۱۷ چاپ اسلامبول بلفظ: «و فی المناقب بالسند عن عیسی بن السری قال: قلت لجعفر بن محمد الصادق (ع) حدثنی عما ثبت علیه دعائم الاسلام، اذا أخذت بها زکا عملی و لم یضرنی جهل ما جهلت. قال: شهادة أن لا اله الا الله وأن محمدا رسول الله، والاقرار بما جاء به من عند الله، وحق فی الأموال من

الزكاة والاقرار بالولاية التي أمر الله بها ولاية آل محمد (ص)، قال رسول الله (ص): «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية». قال الله عزوجل: أطيعوا الله وأطيعوا الرسول و أولى الأمر منكم. فكان علي صلوات الله عليه ثم صار من بعده حسن ثم حسين ثم من بعده علي بن الحسين ثم من بعده محمد بن علي و هكذا يكون الأمر، ان الأرض لاتصلح الا بالامام، و من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية». ۶۸- «صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان» در دفاع از عقائد وهابی حجاز، تأليف محمد بن بشير سهسوانى هندی وهابی در گذشته (۱۳۲۶) چاپ مصر ص ۱۴۹ بلفظ: «ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت الامات ميتة جاهلية» از ابن عباسو بلفظ: «من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات، مات ميتة جاهلية» از ابوهريره به نقل از مسلم. و ص ۳۰۷ تا ۳۱۵ با الفاظ مختلف و اسناد متعدد و ذکر مصادر، حديث موضوع بحث را نقل و بدان استدلال کرده است و در پايان باب مكمل مئة (صدم) ص ۶۲۵ به نقل از شيخ بهاء الدين عاملی در «اربعين» بعنوان حديث متفق عليه بين عامه و خاصه، و بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» و نیز به نقل از ملل و نحل شهرستانی. ۶۹- «تاريخ آل محمد» علامه قاضی بهلول بهجت افندی، از اهالی قفقاز (آذربایجان شوروی) و ساکن زنگنه زور ترکیه در گذشته (۱۳۵۰) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و در آخر آن بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية» و بعنوان متفق عليه علمای خاصه و عامه این حديث را ذکر کرده است. ۷۰- «الامام جعفر الصادق» علامه محقق مستشار عبد الحليم جندی مصری معاصر، چاپ مجلس اعلى شئون اسلامى جمهورى مصر قاهره ۱۳۹۷ در پاورقی ص ۱۷۴ بلفظ: «من مات و ليس له امام، فميتته جاهلية» بطور ارسال مسلم

اسامی راویان حدیث من مات و لم يعرف... و احادیث مشابه

توضیح این مطلب لازم است که مجموع راویان احادیث بخش اول (یعنی حدیث «من مات و لم يعرف...») عبارت از هفت نفر از صحابه پیامبر اکرم (ص) و راویان مورد قبول اهل تسنن بوده اند که بنوشته ذهبی در «الکاشف» صاحبان صحاح سته همه از یک یک این هفت نفر بطور فراوان نقل روایت کرده اند و عملاً صدق گفتار وصحت روایات آنها را تایید و اعلام نموده اند و اسامی آنها بدین قرار است: ۱- زید بن ارقم در گذشته (۶۸) الکاشف ۱ / ۳۳۶ شماره ۱۷۳۸۲ - عامر بن ربیع عتزی در گذشته (کمی قبل از عثمان) الکاشف ۲ / ۵۴ شماره ۲۵۴۹۳ - عبد الله بن عباس در گذشته (۶۸) الکاشف ۲ / ۱۰۰ شماره ۲۸۲۹۴ - عبد الله بن عمر بن خطاب در گذشته (۷۴) الکاشف ۲ / ۱۱۲ شماره ۲۹۰۱۵ - عویمر بن مالک معروف به ابوالدرداء در گذشته (۳۲) الکاشف ۲ / ۳۵۸ شماره ۴۳۸۸۶ - معاذ بن جبل در گذشته (۱۸) الکاشف ۳ / ۱۵۳ شماره ۵۵۱۱۷ - معاویه بن ابی سفیان در گذشته (۶۰) الکاشف ۳ / ۱۵۷ شماره ۵۶۱۷ و اما راویان احادیث بخش ۲ (که مُصدّر به «من خرج» و «من فارق» و «من خلع» و امثال این کلمات است) عبارتند از نامبردگان فوق به اضافه: ۱- ابوهریره دوسی در گذشته (۵۷ / ۵۹) ۲- انس بن مالک در گذشته (۹۳) که بنوشته ذهبی در «الکاشف» - ۳ / ۳۸۵ تحت شماره ۴۳۳ بخش کنی و ۱ / ۱۴۰ بشماره ۴۸۳ - این دو نیز در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنها نقل حدیث شده است. اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر در منابع اهل تسنن

۱ - امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سنن ابی داود ۴/۵۱۲ - أبو امامه باهلی، سعد بن عجلانالیان گنجی ص ۹۵۳ - أبوایوب أنصاری معجم صغیر طبرانی ۱/۱۳۷۴ - أبو سعید خدری سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۰۷ حدیث شماره ۴۳۸۵۵ - أبو سلمی راعی (چوپان شترهای) رسول خدا (ص) مقتل الحسین خوارزمی ص ۹۵ و بنقل ینابیع الموده ۳/۱۶۰، فرائد السمطین ۲/۳۱۹ حدیث شماره ۵۷۱ و عموم کتب شامل احادیث مهدی ۶ - أبو الطفیل عامر بن وائل همسند أحمد بن حنبل ۱/۹۹۷ - أبو لیلیمناب خوارزمی، فصل پنجم ص ۲۴۸-۲۳ - أبو وائل عقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص ۲۳ و ۳۸۹ - أبوهریر صحیح بخاری ۲/۱۷۸ و عموم کتب شامل احادیث مهدی ۱۰ - انس بن مالک سنن ابن ماجه ۲/۵۱۹۱۱ - تمیم داریرائس ثعلبی ص ۱۸۶ و بنقل عقد الدرر ص ۲۱۹۱۲ - ثوبان مولی (غلام آزاد شده) رسول الله (ص) سنن ابن ماجه ۲/۵۱۹۱۳ - جابر بن سمره البرهان متقی هندی، ذیل تنبیهات، تنبیه اول ۱۴ - جابر بن عبدالله أنصاری مسند أحمد حنبل ۳/۳۸۴۱۵ - جابر بن عبدالله صدیاستیعاب قرطبی ۲/۱۱۱ چاپ ذیل إصابه ابن حجر و معجم کبیر طبرانی ۲۲/۹۳۷۱۶ - امام حسن بن علی بنابیع الموده قندوزی ص ۵۸۹۱۷ - امام حسین بن علی البرهان متقی هندی باب دوم حدیث ۱۷ و ۱۸۱۸ - سلمان فارسیمقتل الحسین خوارزمی ۱/۱۴۶۱۹ - طلحه بن عبیدالله البرهان متقی هندی و المهدی المنتظر ابن صدیق ص ۱۲۲۰ - عباس بن عبدالمطلب المهدی المنتظر ابن صدیق ص ۱۲۲۱ - عبدالرحمن بن عوفالیان گنجی شافعی ص ۹۶۲۲ - عبدالله بن حرث (حارث) بن جزء زبیدی سنن ابن ماجه ۲/۵۱۹ و در چاپ دیگر ۲/۲۷۰۲۳ - عبدالله بن عباسفصول المهمه ابن صباغ مالکی ص ۲۷۸۲۴ - عبدالله بن عمر بن خطابفصول المهمه ص ۲۷۷ و البرهان باب ۱ حدیث ۲ و باب ۶ حدیث ۶۲۵ - عبدالله بن عمرو بن عاصالیان گنجی ص ۹۲۲۶ - عبدالله بن مسعودفصول المهمه ابن صباغ ص ۲۷۹۲۷ - عثمان بن أبی العاصمسند أحمد حنبل ۴/۲۱۶-۲۱۷۲۸ - عثمان بن عفانالمهدی المنتظر صدیق مغربی ص ۱۲، و در مقاله فتوائی - اداره مجمع فقهی سعودی در مکه - مندرج در آخر الیان گنجی ص ۷۷ چاپ بیروت ۲۹ - علقمه بن عبداللهسنن ابن ماجه [بنقل المهدی فی السنه شیرازی ص ۴۲] و فصول المهمه ابن صباغ مالکی ۳۰ - علی الهلالیمجمع الزوائد هیثمی ۹/۱۶۵۳۱ - عمار بن یاسر البرهان باب اول حدیث ۱۰ و باب ۴ فصل ۲ حدیث شماره ۷ و ۲۴۳۲ - عمر بن خطاب البرهان باب اول حدیث ۳۸۳۳ - عمران بن حصینمسند أحمد بن حنبل ۴/۴۳۷۳۴ - عمرو بن عاص البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۳۳۵ - عمرو بن مره جهنیابراز الوهم المکنون أبو الفیض غماری و عرف الوردی ص ۱۳۹ و ۳۹۰ و المهدی المنتظر ابن صدیق ادریسی ص ۱۳۳۶ - عوف بن مالک معجم کبیر طبرانی ۳۷ - قتاده بن نعمان البرهان باب اول حدیث ۱۷ و باب ششم حدیث ۱۰ و ۱۱۳۸ - قره بن ایاس المزینینابیع الموده ص ۲۲۰۳۹ - کعب الأحبارعقد الدرر جمال الدین دمشقی ص ۱۸۰ و ۲۳۳-۲۳۴ بنقل از فتن نعیم بن حماد ۴۰ - کعب بن علقمه البرهان باب هفتم حدیث ۸-۱۳-۲۱۴۱ - معاذ بن جبلابراز الوهم المکنون أحمد بن محمد بن محمد بن صدیق ص ۸۴۲ - فاطمه الزهراء بنت رسول الله (ص) فرائد السمطین حموی ص ۴۳ - أم المؤمنین أم سلمهسنن ابی داود ۴/۱۵۱۴۴ - أم المؤمنین عایشهکتاب الفتن نعیم بن حماد بنقل عقد الدرر ص ۱۶-۱۷ و البرهان باب دوم حدیث ۲۱۴۵ - أم حبیب البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۰

معتبرین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر

۱ - أبو الحسن، محمد بن حسین آبری سجستانی (در گذشته ۳۶۳ هـ) از اعلام محدثین مورد قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل تسنن، در کتاب «مناقب الشافعی» - ذیل نام محمد بن خالد جندی، راوی حدیث جعلی «لا مهدی إلا عیسی بن مریم» - بشرح مندرج در مصادر ذیل [۹] اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی نموده است. ۲ - حافظ محمد یوسف گنجی شافعی (۶۵۸ هـ) در «اللیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)» آخر باب یازدهم. ۳ - شمس الدین محمد بن أحمد قرطبی (۶۷۱ هـ) در «التذکره فی

أحوال الموتی و أمور الآخرة» ص ۷۰۱.۴ - حافظ جمال الدین مزّی (۷۴۲) در «تهذیب الکمال» ۱۴۶/۱۴۹ شماره ۵۱۸۱.۵ - ابن قیم جوزیه حنبلی (۷۵۱) در «منار المنیف» ص ۱۴۲.۶ - ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در «تهذیب التهذیب» ۹/۱۲۵ ذیل شرح حال محمد بن خالد جنیدی و احتجاج بکلام ابری در رد جنیدی، نیز - بنقل «ابراز الوهم المکنون» ص ۴۲۳ - در «فتح الباری (شرح صحیح مسلم)» ۷ - شمس الدین سخاوی (۹۰۲) در «فتح المغیث» بنقل از آبری [نظم المتناثر] کتانی ص ۲۲۶ «إبراز الوهم المکنون» غماری ص ۴۳۶ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص ۲۳۲. ۸ - جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱) در «مصباح الزجاجة» [بنقل بلیسی در «العطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص ۴۵]. و در «فوائد المتکاثرة فی الأحادیث المتواترة» و مختصر آن «الازهار المتناثرة» [بنقل «إبراز الوهم المکنون» ص ۴۳۴ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۴۳۴] و در «عرف الوردی» مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج ۱ ذیل ص ۳۹۶. ۹ - ابن حجر هیثمی (۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷. ۱۰ - شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (۱۰۳۳) در «فرائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر» [بنقل «لوائح الأنوار البهیة» سفارینی ج ۲ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۲۳ و «الإذاعة» محمد صدیق قنوجی ص ۱۴۷. ۱۱ - أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی (۱۰۹۲) در «منهج المقاصد - شرح «مراصد المعتمد» شیخ محمد عربی فاسی - بنقل از سخاوی «الامام المهدی المنتظر» عبدالله بن محمد صدیق حسنی ادیسی ص ۱۰. ۱۲ - محمد بن عبد الرسول بررنجی (۱۱۰۳) در «الإشاعة لأشراط الساعة» ص ۸۷. ۱۳ - محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی (۱۱۲۲) در «شرح المواهب اللدنیة» [بنقل «إبراز الوهم المکنون» صدیق مغربی ص ۴۳۴ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص ۲۳۰. ۱۴ - شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی (۱۱۸۲) در شرح کتاب «الرسالة» عبدالله بن عبدالرحمن شیروانی [کتانی در «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» ص ۲۲۶ و احتجاج به کلام جسوس و «الامام المهدی المنتظر» ابن صدیق غماری ص ۹. ۱۵ - أبوالعلاء ادیسی بن محمد ادیسی حسینی عراقی فاسی (۱۱۸۳) در کتابی که در باره امام المهدی نوشته [بنقل «نظم المتناثر» ص ۲۲۶] و «الامام المهدی المنتظر» ابن صدیق غماری ص ۸. ۱۶ - شیخ محمد بن أحمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) در «لوائح الأنوار البهیة» مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۲۰. ۱۷ - شیخ محمد بن علی صبان (۱۲۰۶) در «إسعاف الراغبین» ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲. ۱۸ - قاضی محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰) در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی مهدی المنتظر و الدجال و المسیح» [کتانی در «نظم المتناثر» ص ۲۲۵-۲۲۸] محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة لما كان و ما يكون بین یدی الساعة» ص ۱۶۰؛ شیخ محمد خضر حسین مصری در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ دمشق و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۲۱۲؛ أحمد أمين مصری در «المهدی و المهدویة» ص ۱۱۰ چاپ مصر؛ شیخ عبدالمحسن عباد حجازی در مقاله «عقیده اهل السنّة و الاثر» چاپ مدینه و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۴۰۳؛ شیخ تویجری در «الاحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر» ص ۴۲. «تحفة الاحوذی» مبارکپوری ص ۴۸۴ باب «ما جاء فی المهدی» در شرح حدیث ۲۳۳۱. ۱۹ - مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۲۹۱) در «نور الأبصار» ص ۱۸۹. ۲۰ - سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع المودة» باب ۸۵ ص ۵۶۳. ۲۱ - أحمد بن زینی دحلان مفتی شافعیه (۱۳۰۴) در «فتوحات الاسلامیه» ۲/۲۱۱ بنقل از «اشاعة» بررنجی. ۲۲ - سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷) در «الاذاعة لما كان و ما يكون بین یدی الساعة» ص ۱۱۲. ۲۳ - محمد بلیسی بن محمد بن أحمد حسینی شافعی مصری (۱۳۰۸) در «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص ۴۴ بنقل از «شرح ورد السحر» شیخس أبو عبدالسلام شبراوی و ص ۴۵ بنقل از «مناقب الشافعی» أبو الحسن آبری در گذشته ۳۶۳ و از «مصباح الزجاجة» سیوطی. ۲۴ - أبو عبدالله محمد بن جعفر کتانی مالکی (۱۳۴۵) در «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» ص ۲۲۵-۲۲۸ شماره ۲۸۹. - توضیحاً اسامی هشت نفر از معترفین به تواتر احادیث ویژه مهدی منتظر را با مصدر نقل ذکر کرده بدین شرح: سخاوی، آبری، عراقی، شیخ جسوس، زرقانی، مؤلف «مغانی الوفاء بمعانی الاکتفاء»، سفارینی، شوکانی. ۲۵ - مبارکپوری (۱۳۵۳) در «تحفة الاحوذی» ص ۴۸۴ باب «ما جاء فی المهدی» در راستای شرح حدیث ۲۳۳۱. ۲۶ - شیخ محمد خضر حسین مصری (۱۳۷۷) در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ ضمن «مجلة

التمدن الاسلامی» دمشق ۱۳۷۰ هـ - ۱۹۵۰ م ص ۸۲۹، و بنقل از شوکانی بطوریکه تلقی به قبول نموده و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۲۱۲ می‌باشد. ۲۷ - ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری حسینی ازهری شافعی مغربی (۱۳۸۰) در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، أو المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی» ص ۴۳۳-۴۳۶ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۲۲۷-۲۸۲.۲۸ - شیخ ناصرالدین آلبنی (معاصر) در مقاله «حول المهدی» نشریه «مجله التمدن الاسلامی» دمشق سال ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۷۱ هـ ص ۶۴۲-۶۴۶ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۳۹۱.۲۹ - شیخ صفاءالدین آل شیخ الحلقه عراقیدر «مجله التریب الاسلامیه» شماره ۷ ص ۳۰ سال ۱۴ [«المهدی المنتظر بین التصور و التصدیق» شیخ محمد حسن آل یس ص ۲۹، نیز «المهدی المنتظر» ص ۲۹]. ۳۰ - شیخ عبدالمحسن بن حمد عبادعضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه، در مقاله «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» نشریه «مجله جامعه الاسلامیه» مدینه سال اول شماره ۳ ذی‌قعدة ۱۳۸۸ بخش چهارم مقاله ص ۶۴۳ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ص ۴۰۲-۴۰۴. و در دیگر مقاله مفصل بعنوان «الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الواردة فی المهدی» در ردّ بر رساله «لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر» ابن محمود قاضی قطر، نشریه فوق شماره ۱ سال ۱۲، ۱۴/۱۴۰۰ هـ و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۴۴۲.۳۱ - ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسیدر «المهدی المنتظر» چاپ عالم الکتب بیروت ص ۹۵.۳۲ - شیخ حمود بن عبدالله تویجری (معاصر) از استادان دانشگاه اسلامی مدینه، در کتاب «الاحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر» در ردّ بر کتاب «لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر» قاضی قطر ص ۱۲۱.۳۳ - شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (معاصر) از رجال علمی دربار حکومت سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوی و دعوت و ارشاد، در ذیل تأییدنامه مقاله «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» شیخ عبدالمحسن عباد سابق الذکر، و نیز در کلام تقریضی او بر کتاب «الاحتجاج بالاثر...» تویجری مذکور ص ۳.۳۴ - در پایان قابل توجه است که دکتر عبدالحلیم نجار ضمن مقدمه اش - بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» سعد محمد حسن مصری، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن نقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدی منتظر و انکار او خلاصه می شود - مؤکداً خاطر نشان میکند که بنظر علماء حدیث، موضوع مهدی بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

معتبرین به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر

و اما معترفین از طبقه حدیث آوران و حدیث شناسان اهل تسنن به صحت و قابل استناد بودن احادیث وارده پیرامون شئون مختلف مهدی منتظر، پس در حدود بیست و پنج نفرند که هر یک با تعبیرات گوناگون، نقلیات روایتی مورد بحث را صحیح و قابل قبول اعلام کرده اند و اسامی و آدرس کلامی آنها بدین قرار است: ۱ - حافظ ترمذی (متوفی ۲۹۷) در «سنن» خود - که یکی از صحاح سته حدیث اهل تسنن می باشد - ج ۴ ص ۵۰۵ و ۵۰۶ - حافظ ابوجعفر عقیلی (۳۲۲) در کتاب «الضعفا الکبیر» ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج ۳ ص ۲۵۳، شماره ۱۲۵۷۳ - ابومحمد حسن بن علی خلف بربهاری شیخ حنبلیان (۳۲۹) در کتاب «شرح السنة» بنقل شیخ حمود تویجری در «الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر» ص ۲۸۴ - حاکم نیشابوری (۴۰۵) در «مستدرک» ج ۴ صفحات ۴۵۰، ۴۴۲، ۴۲۹، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸۵ - امام المحدثین بیهقی (۴۵۸) در «الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد» ص ۱۲۷ و نیز بنقل ابن قیم در «منار المنیف» ص ۱۳۰ شماره ۲۲۵۶ - حافظ بغوی (۵۱۰ یا ۵۱۶) در «مصاییح السنة» ص ۴۸۸ شماره ۴۱۹۹، ۴۹۲ و ۴۹۳۷ - مورخ شهیر و محدث معروف ابن اثیر (۶۰۶) در کتاب «النهایه فی غریب الحدیث و الاثر» ج ۱ ص ۲۹۰ ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۳۸۶ و ج ۴ ص ۳۳ و ج ۵ ص ۲۵۴۸ - ابن منظور افریقی (۷۱۱) در «لسان العرب» ص ۵۹ ذیل کلمه «هدی» ۹ - ابن تیمیه یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (۷۲۸) در «منهاج السنه» ج ۴ ص ۲۱۱۰ - بزرگ حدیث شناس اهل تسنن، حافظ ذهبی، (۷۴۸) در «تلخیص المستدرک» ج ۴ ص ۵۵۳۱۱ - ابن کثیر شامی (۷۷۴) در «النهایه فی

الفتنوا الملاحم» ج ۱ ص ۵۵۱۲ - فاضل تفتازانی (۷۹۳) در «شرح المقاصد ص ۳۱۲ در شرح عقاید نسفی ص ۱۶۹۱۳ - نور الدین هیشمی (۸۰۷) در «مجمع الزوائد» ج ۷ ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷۱۴ - شیخ محمد جزری دمشقی شافعی (۸۳۳) در «السمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب» ص ۱۶۳، ۱۶۸۱۵ - الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری (۸۴۰) در «مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه» ج ۳ ص ۲۶۳ شماره ۱۴۴۲۱۶ - علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵) در «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» که در رد سید محمد بن سید محمد خان جونپوری مدعی مهدویت، نوشته و از متن فتوهای چهار نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هم (که بیانگر صحت احادیث مربوطه و وجوب ایمان بدانها بر هر مسلمانی است) استفاده نموده. مراجعه شود به کتاب فوق ص ۱۷۷ و ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳۱۷ - سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زبیدی (۱۲۰۵) در «تاج العروس» ج ۱۰ ص ۴۰۸، ۴۰۹، ذیل کلمه «هدی» ۱۸ - شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی مصری، (۱۳۰۸) در منظومه «قطر الشهدی فی اوصاف المهدی» که شرحش بنام «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» بطور مکرر بنظر رسید ص ۶۸۱۹ - ابوالبرکات آلوسی حنفی (۱۳۱۷) در «غالیة المواعظ» ص ۷۶ - ۷۷۲۰ - ابوالطیب، محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹) در «عون المعبود شرح سنن ابی داود» ج ۱۱ ص ۳۶۱۲۱ - شیخ منصور علی ناصف (بعد ۱۳۷۱) در «التاج الجامع للأصول» باب هفتم - ج ۵ ص ۳۴۱ آخر باب نهم ۲۲؟؟؟؟ - شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع، (۱۳۸۵) در «تحذیق النظر باخبار الامام المنتظر» ۲۳ - شیخ محمد قواد عبدالباقی (۱۳۸۸) در تعلیقه اش بر حدیث مندرج در سنن ابی داود، بنقل شیخ عبدالمحسن عباد در مقاله «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» مندرج در «الامام المهدی عند اهل السنة» ج ۲۲۴ - ابوالاعلی مودودی، معاصر، در «البیانات» ص ۱۱۶۲۵ - نویسنده محقق سعید ایوب معاصر در «عقیده المسیح الدجال فی الادیان» ص ۳۶۱ چاپ سوم قم، مطبعه مهر ۱۴۱۳

مهدی از فرزندان فاطمه دختر پیامبر است

از جمله پیشگوئیهای صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پیرامون امام مهدی منتظر در رابطه با مشخصات نسبی و ویژگیهای فامیلی آن حضرت، موضوع بودن آن موعود جهانی است از فرزندان فاطمه، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حدیثی و اعلام تاریخی اهل تسنن، احادیث بیانگر این امر و فرازهای تاریخی مربوط بدان را نقل و ثبت کرده اند و محلی برای شک و شبهه در این باره باقی نگذارده اند و عباراتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره ایراد فرموده، بنقل ام سلمه بدین قرار است: «المهدی حق و هو من ولد فاطمة» «المهدی من ولد فاطمة» «المهدی من عترتی من ولد فاطمة» و به نقل حسین بن علی بن ابی طالب بدینگونه باشد که با روی سخن به فاطمه فرمود: «المهدی من ولدک» «أبشری یا فاطمة، فإِنَّ المهدی منک» «أبشری یا فاطمة، المهدی منک» و به نقل ابویوب أنصاری چنین آمده: «... و منّا خیر الأوصیاء و هو بعلک... و منّا المهدی و هو من ولدک» «... و منّا المهدی...» و همچنان که ملاحظه می شود این عبارات خلاصه می شود در اعلام بودن حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و براین اساس فاطمی نبودن مدعیان مهدویت خود یکی از دلایل محکم، و سرنخی است بر دروغگوئی آنان. همچنانکه دیگر مشخصات مهدی راستین نیز دلیل و نشانه است بر دروغگوئی مهدیهای فاطمی و بی اساس بودن دعوی مهدویت آنها. و اما ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه، و مصادر نقل آن، پس بدین شرح است: ۱ - إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: أحمد بن محمد بن صدیق مغربی، ص ۱۴۶ حدیث ۷۷.۲ - الإذاعة لما کان و ما یکون بین یدی الساعة: سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری، ص ۱۱۶.۳ - الأربعین حدیثا فی المهدی: حافظ أبونعیم اصفهانی، مندرج در «العرف الوردی» سیوطی و «حدیقة الشیعة» مقدّس أردبیلی و «کشف الغمّة» اربلی و «بحار الأنوار» علامه مجلسی، ۴ - أرجح المطالب: شیخ عبیدالله حنفی، ص ۳۸۱ و ۳۸۴ و ۳۸۵ با اسناد مختلف، ۵ - أسعاف الرّاعین: ابن صبّان مالکی، چاپ حاشیه «نور

الأبصار» شبلنجی، ص ۱۳۷.۶ - الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسینی برزنجی، ص ۸۸.۷ - أشعة اللمعات: شیخ عبدالحق دهلوی، ۴/۳۳۷.۸ - انسان العیون (مشهور به سیره حلبی): ۱/۱۹۳.۹ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان: متقی هندی، باب ۲ حدیث ۲ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳.۱۰ - البیان فی أخبار صاحب الزمان: گنجی شافعی، ص ۳۱۰ چ نجف. ۱۱ - التاج الجامع للأصول: شیخ منصور علی ناصف، ج ۵ ص ۳۴۳، اوایل باب هفتم کتاب الفتن. ۱۲ - تاریخ الرقة: أبوعلی قشیری حرانی، ص ۷۰ و ۷۱.۱۳ - تاریخ الكبير: بخاری، ج ۲ بخش ۱ ص ۳۱۶.۱۴ - تذكرة الحفاظ: شمس الدین ذهبی، ۱/۴۶۳.۱۵ - تذكرة: قرطبی، ص ۶۱۶.۱۶ - تعلیقه: شیخ طاهر نعسانی بر «تاریخ الرقة»: قشیری، ص ۷۰.۱۷ - تلخیص مستدرک حاکم: ذهبی، ۴/۵۵۷.۱۸ - تمییز الطیب من الخبیث: ابن ربیع شیبانی، ص ۲۲۰.۱۹ - تیسیر الوصول: ابن ربیع شیبانی، ۲/۲۳۷.۲۰ - جالیة الکدر: عبدالهادی ایباری، ۲۰۸.۲۱ - جامع صغیر: سیوطی شافعی، ۲/۵۷۹.۲۲ - جمع الجوامع: سیوطی، ۲/۱۰۴.۲۳ - جواهر العقودین: نورالدین سمهوری، بنقل «ینایع الموده» قندوری، اول باب ۷۳.۲۴ - در المثنوی: سیوطی، ۶/۵۸ - بنقل از أبوداود، ابن ماجه، طبرانی تا حاکم از ام سلمه. ۲۵ - الدر المنظم: محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲) مندرج در باب ۶۸ «ینایع الموده» ص ۴۹۲ چاپ نجف و ص ۴۳۲ چاپ استانبول ۲۶ - ذخائر العقبی: محب الطبری، ص ۴۴ و ۱۶۶ بنقل «أربعین حدیثاً فی المهدی» أبوالعلاء همدانی. ۲۷ - راموز الأحادیث: أحمد ضیاءالدین حنفی نقشبندی، ص ۲۳۶.۲۸ - سراج المنیر - فی شرح الجامع الصغیر سیوطی - أحمد بن محمد عزیزی، ص ۴۰۹.۲۹ - سنن: أبی داوود سجستانی، ۴/۱۵۱.۳۰ - سنن المصطفی: ابن ماجه قزوینی، ۲/۵۱۹.۳۱ - شرح نهج البلاغه: ابن أبی الحدید، ۱/۲۸۱ چاپ ۲جلدی مصر. ۳۲ - صحیح مسلم: به نقل کتر العمال ۱۴/۲۶۴۳۳ - صواعق المحرقة: ابن حجر هیثمی، ص ۲۳۵.۳۴ - العرائس الواضحة: عبدالهادی ایباری، ۲۰۸.۳۵ - العرف الوردی فی اخبار المهدی: سیوطی، ضمن «الحوای للفتاوی»، ۲/۱۲۴ و ۱۴۴ و ۱۳۷ و ۱۴۶ و ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۶۵ از أبو نعیم و ابن عساکر و طبرانی، چاپ ۱۳۷۸ مصر. ۳۶ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص ۲۱ حدیث ۲۵-۲۱ بنقل از «سنن» ابن ماجه و «سنن» امام أبو عمر مقرئ و «صفة المهدی» حافظ أبو نعیم و «الملاحم» ابن منادی. ۳۷ - الفتاوی الحدیثه: ابن حجر هیثمی مکی، ص ۲۹.۳۸ - فتح الكبير: یوسف نبهانی لبنانی، ص ۲۵۹.۳۹ - الفتن و الملاحم: أبو نعیم بن حماد، ج ۱ ص ۳۷۳ چاپ مکتبه التوحید قاهره ۴۰ - الفتوحات الكبير: محی الدین ابن عربی چاپ بولاق ۴۱ - الفردوس: شیرویه بن شهردار دیلمی، شماره ۶۶۷۰ ج ۴ ص ۲۲۳.۴۲ - فصول المهمة: ابن صباغ مالکی، ص ۲۷۶.۴۳ - الفقه الأكبر: مولوی حسن الزمان، ۲/۶۷ و ۲/۷۰.۴۴ - كتر العمال: متقی هندی، ۶/۳۱۸ و ۷/۲۵۹، چاپ حیدرآباد و ۱۲/۱۰۵ بنقل از سنن ابی داود و صحیح مسلم از ام سلمه و ۱۴ / ۲۶۴ به نقل از ابن عساکر از امام حسین بن علی، چاپ حلب ۴۵ - كنوز الحقایق: مناوی، ص ۳ و ۱۶۴ ط بولاق مصر. ۴۶ - لوائح الأنوار البهیة: محمد سفارینی حنبری، قبل از عنوان فوائد. ۴۷ - مجمع الزوائد: نورالدین هیثمی، ۹/۱۶۶، کتاب المناقب، باب فضل اهل البيت. ۴۸ - مستدرک: حاکم نیشابوری، ۴/۵۵۷.۴۹ - مسند فاطمه: سیوطی، چاپ ۱۴۰۶ مطبعه عزیزیه حیدرآباد هند، بنقل از ابن عساکر. ۵۰ - مشارق الأنوار فی فوز اهل الإعتبار: حمراوی، ص ۱۵۲ بنقل از «صحیح» مسلم و «سنن» أبی داود و «سنن» نسائی و «مستدرک» حاکم و «سنن» ابن ماجه و «سنن» بیهقی و دیگران. ۵۱ - مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی، ۳/۲۴.۵۲ - مصابیح السنّة: بغوی، ۳/۱۳۴.۵۳ - مطالب السنول: محمد بن طلحه شافعی، ص ۸۹.۵۴ - معجم الصغیر: أبو القاسم طبرانی، ص ۵۲ حدیث ۹۴.۵۵ - مفتاح النجاء: بدخشی، ص ۱۰۰، مخطوط. ۵۶ - مقاتل الطالبیین: أبو الفرج اصفهانی، ص ۱۴۳.۵۷ - مقاصد الحسنه: شمس الدین سخاوی، ص ۴۳۵.۵۸ - الملاحم: ابن منادی - أبوالحسین احمد بن جعفر، ص ۴۱.۵۹ - المنار المنیف: ابن قیم جوزیه ص ۱۴۶ شماره ۳۳۴۶۰ - منتخب كتر العمال: چاپ حاشیه «مسند» أحمد حنبل، ۵/۹۶ و ۶/۳۰.۶۱ - منهاج السنّة: ابن تیمیه حرانی، ۲/۲۱۱.۶۲ - میزان الإعتدال: ذهبی، ۱/۳۵۵ و ۲/۲۴۰.۶۳ - نهاية البداية و النهاية: ابن کثیر دمشقی، ۳۷۱ و ۴۰.۶۴ - ینایع الموده: سلیمان قندوزی، ۳/۸۶ چ بیروت و ص ۵۱۹ چ نجف

از جمله پیشگوئی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با مشخصات نسبی و ویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر (علیه السلام) موضوع حسینی بودن او است که حضرتش با تعبیرات مختلف جدّ پدری آن امام بزرگوار را ابو عبدالله، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود. البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموماً به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود. ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی و کشف و برملا شدن دروغبافی و بی راهه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر، لازم دانستیم توجه خوانندگان را به این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد. واینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج: ۱- علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری (۲۷۶) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: «أنه من ولد الحسين عليه السلام، همانا که مهدی از فرزندان حسین باشد...» و ذکر حلیته فقال: رجل اجل الجین...» [شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۸۱ و ۱۹/۱۳۰] ۲- حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (متوفای ۳۸۵) - به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار- در «الجرح و التعديل» ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری (که بیانگر بیمار شدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد) آورده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینک: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد، سپس دست بر شانه حسین - که حاضر در مجلس بود زد و فرمود: «من هذا مهدی الامّة» از این (حسین) باشد مهدی (منتظر این) امت. نیز قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار صفحه ۵۹۰ این فراز از حدیث را آورده است. ۳- حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰هـ) در کتاب «اربعون حدیثاً فی المهدی» به عنوان حدیث ششم با ذکر سند نقل از حذیفه رض نموده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با ایراد خطبه و خبر دادن از رخدادهای جهان فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله عزوجل ذلك الیوم، حتی یبعث رجلاً - من ولدی اسمه اسمی. فقام سلمان رض فقال: یا رسول الله، من ای ولدک هو؟ قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام» [۱۰]. توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم ۴- اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی (۵۸۶) در مقتل الحسین اوائل فصل هفتم ص ۱۴۶.۵- شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی - صاحب «اربعون حدیثاً فی المهدی» - (۵۶۹ هـ) بشرح مندرج در «فرائد السمطین» و به نقل «مناقب کاشی - مخطوط و موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم» ۶- ابن ابی الحدید (۶۵۶) در شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۸۱ - ۲۸۲ وج ۱۹ ص ۱۳۰ با اشاره به نقل ابن قتیبه در «غریب الحدیث» از علی (علیه السلام) ۷- محمد بن یوسف گنجی شافعی (مقتول سنه ۶۵۸) در «البیان فی اخبار صاحب الزمان» ص ۹۰ چاپ نجف باب نهم به نقل از «الجرح و التعديل» دارقطنی، ۸- یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی (۶۸۵) در «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» چاپ ۱۳۹۹ مکتبه عالم الفکر مصر، باب اول ص ۲۴ بنقل از «صفه المهدی» ابونعیم از حذیفه آخر باب ۲ ص ۳۲ بنقل از مصدر فوقاب ۴ فصل ۲ ص ۸۹ بنقل از جابر بن یزید جعفی از ابوجعفر (امام باقر ع) و ص ۹۵ بنقل از امام امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ششم تحت عنوان: فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسین بنقل از دارقطنی صاحب «الجرح و التعديل» اواسط باب ۴ ص ۱۲۷ بنقل از فتن نعیم بن حماد از عبدالله بن عمرو باب نهم فصل سوم ص ۲۲۳ از «صفه المهدی» حافظ ابونعیم و حافظ ابو عبدالله نعیم بن حماد و «معجم» حافظ ابوالقاسم طبرانی از عبدالله بن

عمرو ۹- محب الدین طبری (۶۹۴) در «ذخائر العقبی» ص ۱۳۶-۱۳۷، ۱۰- شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله جوینی خراسانی (۷۳۰) در «فرائد السمطین - فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهما» ج ۲ ص ۳۲۵-۳۲۶ شماره ۵۷۵ با ذکر سند منتهی به حافظ ابوالعلا حسن عطار همدانی ۱۱- حافظ شمی الدین ذهبی (۷۴۸) در میزان الاعتدال ج ۲ ص ۳۸۲ ذیل نام عباس بن بکار ضبی ۱۲- سیدعلی شهاب همدانی (۷۸۶) در «موده القربی و اهل العباء» مندرج در «ینایع الموده قندوزی ص ۳۰۸ چاپ نجف» موده دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون ۱۳- محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا (۸۲۲) در «فصل الخطاب» مشروح حضرت مهدی را از فرزندان امام حسن عسکری دانسته و اعلام نموده [ینایع الموده باب ۶۵، ص ۴۶۴ چ نجف] ۱۴- ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در «لسان المیزان» ج ۳ ص ۳۰۰ طبق متن فرائد السمطین ۱۵- ابن صباغ مالکی (۸۵۵) در «فصول المهمه فی معرفه الأئمه» ص ۲۷۷ بنقل از ابونعیم عین آنچه را که از حدیثه آورده ۱۶- سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع الموده» و آخر باب ۵۴ ص ۱۹۷ چاپ نجف بنقل از موده القربی همدانی. اوایل باب ۷۷ ص ۵۳۴ بنقل از علی (ع) از پیامبر (ص) و از سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: «...انت ابو حجاج تسعه تاسعهم قائمهم المهدی» بنقل از حموی و خوارزمی، و بنقل از ابن عباس با تعبیر «و تسعه من ولد الحسین مطهرون» از حمونیا واسط باب ۹۴ ص ۵۸۸ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حدیثه در پاسخ سؤال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش - که مهدی از اولاد او باشد - و ص ۵۸۹ بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است. و نیز ص ۵۸۹ با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: «مهدی از فرزندان من باشد». و ص ۵۹۰ متن آنچه را از «الجرح و التعدیل» دارقطنی آوردیم. نیز ص ۵۹۰ بنقل از مناقب خوارزمی [۱۱] از سلمان فارسی. روایتی را که سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را بر روی زانو نشانده و او را می بوسید و خبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد ۱۷- شیخ عبدالهادی ایباری (۱۳۰۵) در «العرائس الواضحه» ص ۲۰۸۱۸- سید مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۳۰۸) در «نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» چاپ بولاق مصر.

معتبرین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی از نسل فاطمه زهرا و امام حسین بن علی در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می نمایم و آن اینکه: اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند - مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم - یک مسأله اتفافی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است. چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنن منکر، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه، و در منابع عقیدتی، حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده اند. ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبت... با شیعه هم عقیده اند. با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، شده ایم، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف، و آن را موکول به بعد نموده است، ما در این مقدمه به اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه همعقیده، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم. و برای تفصیل بیشتر، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب «الامام المهدی عند اهل السنه» [۱۲] و مقدمه آن ارجاع می دهیم. ۱- ابوبکر محمد بن هارون رویانی (در گذشته ۳۰۷) در «مسند» مخطوط موجود در کتابخانه ظاهره شام که بخش ویژه حضرت «مهدی» در جلد سوم «الامام المهدی عند اهل السنه» مندرج، تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردد. ۲- ابن ابی ثلج، ابوبکر، محمد بن احمد بن بغدادی (۲۳۸ - ۳۲۲) از بزرگان محدثان و مؤلف «تاریخ الأئمه» که به عنوان «موالید الأئمه» به پیوست «الفصول العشره فی الغیبه - شیخ مفید» و «نوادیر راوندی» به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به

چاپ رسیده و در این کتاب انتساب حضرت مهدی(ع) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است. ۳-
 ابوالعباس، احمد بن ابراهیم بن علی کنندی، شاگرد ابن جریر طبری، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی، مقیم مکه، و راوی کتاب «موالید الأئمة» ۴- ابوعلی، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، راوی کتاب «موالید الأئمة» ابن ابی ثلج به سال ۳۵۰ از کنندی سابق الذکر. ۵- ابومسعود، احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلی، نویسنده و قاری رساله «موالید الأئمة» بر ابومنصور شیرازی. ۶- ابومنصور، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذکور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است. ۷- ابومحمد، اسد بن احمد ثقفی که رساله «موالید الأئمة» را از ابومنصور گرفته است. ۸- ابوماجد، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است. ۹- ابوعبدالله، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است. ۱۰- محب الدین، ابوعبدالله، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی (۶۴۳) که شاگرد ابن جوزی، مدرس مدرسه «مستنصریه» بغداد، و مؤلف «ذیل تاریخ بغداد» شامل ۴۰ جلد ۷ بوده و محتوای رساله «موالید الأئمة» را از مشایخ سه گانه پیشین (ابومحمد ثقفی، ابوماجد، ابوعبدالله فاخر قرشی) شنیده و ضبط نموده است. ۱۱- نسب شناس مشهور، ابونصر، سهل بن عبدالله بخاری زیدی (بعد ۳۴۱) در «سُرُّ السلسة العلویة» پیرامون نام امام حسن عسکری (ع) چاپ نجف. ۱۲- مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی (۳۴۶) در «مروج الذهب» جلد ۸، چاپ لیدن به ضمیمه ترجمه فرانسوی ص ۴۰.۱۳- خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف کاتب (۳۸۷) در «مفاتیح العلوم»، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵، ص ۳۲- ۳۳.۱۴- حافظ ابوالفتح، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی (۳۸۸- ۴۱۲) در «اربعین» خود شماره ۴ به نقل «کشف الاستار» محدث نوری ص ۲۹ چاپ اول. ۱۵- جعفر بن محمد بن المعز مستغفری سمرقندی (۴۳۲) در «دلایل النبوة و المعجزات» (بنا به نقل شیخانی در «الصراف السوی»). ۱۶- ابوبکر، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی (۴۵۸) در «شعب الایمان» چاپ دائرة المعارف هند. ۱۷- مؤلف «مجمل التواریخ و القصص» فارسی، (تألیف سال ۵۲۰)، ص ۴۵۸ چاپ تهران. ۱۸- احمد بن ابی الحسن نامقی جامی (۵۳۶) به نقل «ینایع المودة» ضمن احوال امیر مؤمنان، باب ۸۷ ص ۵۶۶.۱۹- ابن خشاب، ابومحمد، عبدالله بن احمد بغدادی (۵۶۷) در «تاریخ موالید الأئمة...» [۱۳] به نقل «کشف الأستار» و «أعیان الشیعه». ۲۰- اخطاب خوارزم، موفق بن احمد حنفی (۴۸۴- ۵۶۸) در «مقتل امام حسین» (که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند) ج ۱ ص ۹۴، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل «ینایع المودة» ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنه ۱۳۰۱ و «کشف الاستار» علامه نوری. ۲۱- یحیی بن سلامت خصکفی شافعی (۵۶۸) به نقل مؤلفان «تذکره الخواص» ص ۳۶۰ چاپ نجف و «ینایع المودة» باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه. ۲۲- ابن ازرق، عبدالله بن محمد بن فارقی (۵۹۰) در «تاریخ میا فارقین» به نقل «وفیات الاعیان» (ج ۳ ص ۳۱۶، شماره مسلسل ۵۳۴). ۲۳- خلیفه عباسی، الناصرلین الله، احمد بن مستضییء (۶۲۲) روی درب مُنبت کاری صغه سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده. ۲۴- شهاب الدین، یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی (۶۲۶) در «معجم البلدان» (ج ۳ ص ۱۷۳) پیرامون کلمه «سامراء». ۲۵- شیخ فرید الدین عطار، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی (۶۲۷) در دیوانش به نام «مظهر الصفات» به نقل «ینایع المودة» باب ۸۷.۲۶- ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی (۵۵۵- ۶۳۰) در «الکامل» ذیل سنه ۲۶۰.۲۷- شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی (۶۳۸) به نقل شعرانی - در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵- از باب ۳۶۶ «فتوحات مکیه» او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده. نیز حمزوی در «مشارق الانوار» و صبان در «اسعاف الراغبین» این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند. ۲۸- شیخ سعد الدین، محمد بن مؤید حموی، معروف به سعد الدین حموی (۶۵۰) در رساله «مهدی منتظر» به نقل جامی در «مرآة الاسرار». ۲۹- شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی (۵۸۲- ۶۵۲) در «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول» باب ۱۲ و نیز در «الدر المنظم» که بخشی از آن در باب ۶۸ «ینایع المودة» (ص ۴۹۳- ۴۹۴) درج و به چاپ رسیده است [۱۴]. ۳۰- شمس الدین، یوسف بن قزاوغلی، سبط ابی الفرج بن جوزی (۶۵۴) در «تذکره

خواص الامه - فصل ویژه حضرت مهدی - که در تهران و نجف به چاپ رسیده است. ۳۱ - حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در «کفایه الطالب» - پیرو نام امام عسکری (ع) - و در «البیان فی اخبار صاحب الزمان» - باب ۲۵ - که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده است. ۳۲ - جلال الدین بلخی رومی (۶۷۲) در «مثنوی»، ضمن قصیده «ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند». [ینابیع الموده]، باب ۸۷ [۳۳] - صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه (۶۷۳) در قصیده «رائیه» خود به نقل «کشف الاستار» محدث نوری شماره مسلسل ۳۱.۳۴ - ابن خلکان (۶۸۱) در «وفیات الاعیان» ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ بولاق مصر، و در چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴.۳۵ - عزیزالدین، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی (۶۸۶) در رساله خود به نقل «ینابیع الموده» پایان باب ۸۷. و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف «عقاید النسفی» و در گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان «کشف الاستار» و «منتخب الاثر» با یکدیگر اشتباه نموده اند، و مؤلف «دانشمندان عامه و مهدی موعود» تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است. ۳۶ - حکیم ادیب، عامر بن بصری نزیل سواين روم (۶۹۶) در «تائیه» خود که - به نقل «معجم المؤلفین» ۵/۵۴ - بنام «ذات الانوار» با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده، و علامه نوری در صفحه ۵۵ «کشف الاستار» این بخش از اشعار او را ذکر نموده است. ۳۷ - مورخ نامی، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (۷۳۰) در «تاریخ گزیده فارسی» ص ۲۰۶ - ۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران. ۳۸ - شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموی شافعی (۶۴۴ - ۷۳۲) در «فرائد السمطین» ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بیروت. ۳۹ - مورخ شهیر، ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی، حاکم حماه از بلاد سوریه (۷۳۲) در «المختصر فی اخبار البشر» ذیل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵.۴۰ - کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی (۷۳۰ یا ۷۳۵) در «تحفه الایخوان فی خصایص الفتیان» به نقل سعید نفیسی در «سر چشمه تصوف در ایران» ص ۲۱۶.۴۱ - عارف شهیر علاءالدوله سمنانی، احمد بن محمد شافعی (۶۵۹ - ۷۳۶) به نقل خواجه پارسا در «فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب» که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است. ۴۲ - مورخ شهیر، شمس الدین محمد ذهبی (۶۷۳ - ۷۴۸) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده، در تاریخ «دول الاسلام» ج ۱ ص ۱۵۸ ذیل سنه ۲۶۰ نیز در «العبر فی خبر من غیر» ج ۲ ص ۲۰ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.۴۳ - ابنوردی، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (۶۹۱ - ۷۴۹) در «تتمه المختصر» معروف به تاریخ ابنوردی، چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذیل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی (ع). ۴۴ - شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی انصاری (۶۹۳ - ۷۴۷ یا ۷۴۸ یا ۷۵۰) در «معراج الوصول الی معرفه فضیله آل الرسول» که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است. ۴۵ - صلاح الدین صفدی خلیل بن ابیک (۷۶۴) مؤلف «الوافی بالوفیات» و «شرح لامیه العجم» و «شرح الدائرة» به نقل «ینابیع الموده» باب ۸۶.۴۶ - حافظ محدث، عبدالله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی (۷۶۵) در «الریاض الزاهره فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۹۳ و ۲۱۵ - ۲۱۶ چاپ قدیم. ۴۷ - مورخ شهیر، عبدالله بن علی یافعی یمنی شافعی (۷۰۰-۷۶۸) در «مرآة الجنان» ج ۲ ص ۱۷۲ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.۴۸ - سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند (۷۱۴ - ۷۸۶) در «موده القربی» و «اهل العباء» که نسخه عکسی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ «ینابیع الموده» ص ۲۸۸ - ۳۱۷ چاپ نجف مندرج است. ۴۹ - ابوولید، محب الدین، محمد بن شحنه حلبی حنفی (۷۴۹ - ۸۱۵) در «روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر» - که مختصر «تاریخ ابوالفداء» است و در حاشیه «مروج الذهب» به سال ۱۳۰۳ در مصر به چاپ رسیده است - ج ۱ ص ۲۹۴.۵۰ - عارف شهیر و مورخ نامی، محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی (۸۲۲) در «فصل الخطاب» که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپی آن نزد اینجانب موجود می باشد و گویا در هند به چاپ رسیده است و بخش ویژه ائمه اثنا عشر آن مندرج در باب ۶۵ «ینابیع الموده» می باشد. ۵۱ - مورخ شهیر، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی (۷۷۷ - ۸۴۵) در «مجمل فصیحی» چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱، ج ۱ ص ۲۳۱، ضمن رویدادهای ۲۵۵.۵۲ - شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی، معروف به ملک العلماء زاوی دولت آبادی

(۸۴۹) در «هدایة السعداء فی مناقب السادات» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری ص ۷۳ و «البرهان» علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق ۵۳ - خواجه افضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی اصفهانی (۸۵۰) در «تنقیح الادلة و العلل» ترجمه «مللو نجل» شهرستانی، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷.۵۴ - ابن صباغ، نورالدین، علی بن محمد مالکی (۸۵۵-۷۳۴) در «الفصول المهمة فی معرفة الائمة» ضمن فصل ویژه حضرت مهدی (ع)، ص ۲۷۴ چاپ غری. ۵۵ - شیخ عبدالرحمن بسطامی (۸۵۸) در «دره المعارف» به نقل «ینایع المودة» باب ۸۴.۵۶ - ابوالعالی، سراج الدین، محمد بن عبدالله حسینی رفاعی مخزومی بغدادی (۷۹۳ - ۸۸۵) در «صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمیة الاخیار» ص ۱۴۳، چاپ ۱۳۰۶ مصر. ۵۷ - نورالدین، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر (۸۹۸) صاحب «شرح کافیه» در «شواهد النبوة» که در لکهنو و بمبئی در ۴۴ صفحه بچاپ رسیده است و فتوکپی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است. ۵۸ - محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی (۹۰۱) به نقل قندوزی در «ینایع المودة» باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف. ۵۹ - مورخ نامی، میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۹۰۳) در «روضه الصفا» ج ۳ ص ۵۹ - ۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی (ع)، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد. ۶۰ - قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی (در گذشته بعد ۹۰۹) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده، در قصیده خود که شامل سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم از بخش سوم «ابطال الباطل» آنرا ذکر نموده، و نگارنده عین آن را در مقدمه «الامام المهدی عند اهل السنة» بخش مخطوطات آورده است. ۶۱ - ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی (۹۱۰) در «روضه الشهداء» فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره. ۶۲ - قاضی حسین بن معین الدین میبدی یزدی حکیم (۹۱۱) - از شاگردان ملا جلال الدین دوانی - در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی (ع) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران. ۶۳ - فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸) در «نور الهدایة فی اثبات الولاية» که بار اول ضمیمه «خصایص» ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری، و بعداً به سال ۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است. ۶۴ - ابوالحسن، علی بن محمد شاذلی (۸۵۷-۹۳۹) بنا به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» باب ۵۶.۶۵ - مورخ نامی، خواند میر (۹۴۲)، سبط میرخواند مؤلف «روضه الصفا» در تاریخ «حیب السیر» ج ۲ ص ۱۰۰ - ۱۱۳.۶۶ - شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳) در «الأئمة إثنی عشر» ص ۱۱۷ چاپ دارالصادر بیروت. ۶۷ - شیخ حسن عراقی (بعد ۹۵۸) مدفون بالای کوم الریش در مصر، به نقل شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۰ و در «لوائح الانوار» چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹، ملاقات و اجتماع او را با حضرت مهدی (ع) ذکر نموده است. ۶۸ - شیخ علی خواص، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب شعرانی (بعد ۹۵۸) به نقل شاگردش «لوائح الانوار» ج ۲ ص ۱۵۰ و «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵.۶۹ - تقی الدین ابن ابی منصور (تاریخ فوت او بدست نیامد) شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» آغاز باب ۶۵ از کتاب «عقیده» او نقل کرده است. ۷۰ - مورخ شهیر، قاضی حسین بن محمد دیار بکری (۹۶۶) در «تاریخ الخمیس» ج ۲ ص ۳۴۳ پیرامون حوادث ۲۶۰ و رویدادهای ایام معتمد عباسی. ۷۱ - عارف شهیر، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی (۸۹۸ - ۹۷۳) در «الیواقیت و الجواهر» مبحث ۶۵.۷۲ - شهاب الدین، شیخ الاسلام، احمد بن حجر هیثمی شافعی (۹۰۹ - ۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳ هجری مصر، ۷۳ - سید جمال الدین، عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله شیرازی نیشابوری (۱۰۰۰) در «روضه الاحباب» فارسی، چاپ ۱۲۹۷ لکهنو و ۱۳۱۰ هند، در فصل ویژه حضرت مهدی (ع). ۷۴ - محدث شهیر، ملا علی بن سلطان هروی قاری (۱۰۱۴) در «المرقاة فی شرح المشکاة» که بخش ویژه حضرت مهدی (ع) از آن در جلد دوم «الامام المهدی عند اهل السنة» به چاپ رسیده است. ۷۵ - مورخ شهیر و فاضل، ابی العباس، احمد بن یوسف بن احمد دمشقی قرمانی (۹۳۹ - ۱۰۱۹) در تاریخ «اخبار الدول و آثار الاول» ص ۱۱۷، ضمن باب ویژه خلفاء و ائمه. ۷۶ - امام ربانی، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی (۹۷۱ - ۱۰۳۱)، که از بزرگان صوفیه هند بوده، و از وی به مجلد هزاره دوم تعبیر کرده اند، در «مکتوبات» ج ۳ مکتوب آخر. ۷۷ - عارف شهیر، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی (بعد ۱۰۴۵) در «مرآة الاسرار»، فارسی، شامل شرح حال

مشایخ صوفیه (که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است، و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد) و شاه ولی الله دهلوی نیز در کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله و اساتید و ارثی رسول الله» از آن نقل کرده است. ۷۸- عارف شهیر، بدیع الزمان قطب مدار، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب «مرآة الاسرار» را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود و به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷، عبد الرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است. ۷۹- ابوالمجد، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی (۹۵۹ - ۱۰۵۲) در رساله ویژه مناقب ائمه و احوال آنها به نقل «کشف الاستار» تحت شماره ۱۲۸۰ - مورخ شهیر، عبدالحی بن احمد، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی (۱۰۳۲ - ۱۰۸۹) در «شذرات الذهب» ضمن حوادث ۲۶۰ هجری، ص ۱۴۲، چاپ ۱۳۵۰.۸۱ - شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری (بعد ۱۰۹۴) در «الصرط السوی فی مناقب آل النبی (ص)». ۸۲- عبدالملک بن حسین بن عبدالملک بن عصامی مکی (۱۰۴۹ - ۱۱۱۱) در کتاب «سمط النجوم العوالی» ج ۴ ص ۱۳۷ - پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری (ع) - و ص ۱۳۸.۸۳ - میرزا محمد خان بن رستم بدخشی (۱۱۲۲) در «مفتاح النجا فی مناقب آل العبا» ص ۱۸۱، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۵] ۸۴- سید عباس بن علی مکی (بعد ۱۱۴۸) در «نزہة الجلیس» ج ۲ ص ۱۲۸، چاپ قاهره. ۸۵- شیخ عبدالله بن محمد شبرای شافعی مصری (۱۱۷۲)، شیخ جامع ازهر، در «الاتحاف بحب الاشراف» ص ۶۸ - ۶۹، چاپ قاهره. ۸۶- احمد بن علی بن عمر، شهاب الدین، ابوالنجاح منینی حنفی دمشقی (۱۰۸۹ - ۱۱۷۳) در کتاب «فتح المنان» در شرح منظومه «الفوز و الامان» شیخ بهائی، ص ۳، چاپ قاهره. متن این کتاب در «الامام المهدی عند اهل السنة» عیناً به چاپ رسیده است. ۸۷- شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی (۱۱۱۰ - ۱۱۷۶) در «المسلسلات» معروف به «الفضل المبین» قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده، و با سکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است. نیز (به نقل «کشف الاستار» شماره ۲۶) در «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله» در این زمینه شرح مفصّلی از جامی آورده است. ۸۸- شیخ سراج الدین، عثمان دده عثمانی (۱۲۰۰) در «تاریخ الاسلام و الرجال» ص ۳۷۰، نسخه مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی. [ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۲] ۸۹- شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی (۱۲۰۶) در «اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بینه الطاهرین» [۱۵] ذکر نموده است. ۹۰- مولوی علی اکبر بن اسدالله مودودی (۱۲۱۰) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در «مکاشفات» - که حواشی بر «نفحات الانس» جامی است - (ج ۷، ص ۳۲۷) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود. ۹۱- مولوی محمد مبین هندی لکهنوی (۱۲۲۰) در «وسیلة النجاة» چاپ گلشن فیض، ص ۳۱۶.۹۲ - شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹)، مؤلف «تحفة اثنا عشریة» بنا به نقل «استقصاء الافهام» ص ۱۱۹ در «اللزہة» روایت ابن عقلمه، مربوط به ملاقات بلاذری را از «فضل المبین» پدر خود نقل کرده، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی (ع) می باشد. ۹۳- خالد بن احمد بن حسین، ابوالبهاء، ضیاء الدین نقشبندی شهرزوری (۱۱۹۰ - ۱۲۴۲) از بزرگان صوفیه، در «دیوان فارسی» خود به نقل «مجمع الفصحاء» رضا قلی هدایت، ج ۲، ص ۱۱، چاپ ۱۳۲۹.۹۴ - رشیدالدین دهلوی هندی (۱۲۴۳) در «ایضاح لطافة المقال» بنقل «الامام الثانی عشر» علامه عبقانی، ص ۴۷، چاپ نجف. ۹۵- نسب شناس شهیر، ابوالفوز، محمد امین سویدی بغدادی (۱۲۴۶) در «سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب» ص ۸۷ در خط عسکری ذکر نموده است. ۹۶- قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری حنفی (۱۱۸۸ - ۱۲۵۰)، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد، در «البراهین الساباطیه فیما یتستقیم به دعائم الملة المحمدیة» چاپ عراق، به نقل «کشف الاستار». ۹۷- شیخ عبدالکریم یمانی (قبل ۱۲۹۱) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت مهدی (ع) سروده و در «ینایع الموده» عیناً آنها را آورده است. ۹۸- محدث عالیقدر، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان (۱۲۲۰ - ۱۲۹۴) در «ینایع الموده» آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹، که بارها در ترکیه، هند، عراق، ایران، و در هفتمین بار به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسیده

است. ۹۹- شیخ حسن عدوی حمزوی شافعی مصری (۱۳۰۳) در «مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار» ص ۱۵۳، چاپ مصر. ۱۰۰- عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الابیاری (۱۳۰۵) در «جالیة الکدر» - شرح منظومه سبزواری - ص ۲۰۷ چاپ مصر. ۱۰۱- مؤلف «تشیید المبانی» (۱۳۰۶) به نقل علامه محقق میرحامد حسین نیشابوری هندی در «استقصاء الافهام» ص ۱۰۳، چاپ لکهنو. ۱۰۲- سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری (۱۲۵۲ - بعد ۱۳۰۸) در فصل ویژه حضرت مهدی (ع) در «نور الابصار» ص ۱۵۰، چاپ مصر. ۱۳۲۲- عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حضرمی (۱۳۲۰)، مفتی حضرم یمن، در «بغیة المسترشدين» ص ۲۹۶، چاپ مصر، به نقل از جلال الدین سیوطی. ۱۰۴- محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب «جوهرة الکلام» مطبوع، ص ۱۵۷، در فصلی که تحت عنوان «المجلس الثلاثون فی فضائل محمد المهدی رضی الله عنه» ویژه حضرت مهدی (ع) گشوده، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است. ۱۰۵- عماد الدین حنفی، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در «کشف الأستار» ص ۶۰، اعتراف به ولادت حضرت مهدی (ع) نموده، ولی علامه نوری از نص کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است. ۱۰۶- فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری (۱۳۵۰) در «محاكمة در تاریخ آل محمد[ص]» که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ رسیده، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است. ۱۰۷- شیخ عبیدالله امرتسری حنفی، معاصر، در کتاب «ارجح المطالب فی عد مناقب اسدالله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب[ع]» که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ رسیده است، ص ۳۷۷.۱۰۸- سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی، معاصر، در کتاب خود «سیره الامام العاشر علی الهادی[ع]» ص ۱۳۱.۱۰۹- محمد شفیق غربال (۱۳۱۱ - ۱۳۸۱)، مورخ شهیر و عضو مجمع لغوی در قاهره، در «دائرة المعارف» که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته، و به سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده، زیر عنوان «الأئمة الإثني عشرية» نوشته است که حضرت مهدی (ع) در سنه ۸۷۳ میلادی (که همزمان با ۲۶۰ هجری، آغاز غیبت صغری می باشد) غایب گردیده. ۱۱۰- خیرالدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۶) در «الأعلام» ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم، ضمن فصلی که به نام «محمد بن الحسن العسکری» باز نموده، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است. ۱۱۱- یونس احمد سامرائی در کتاب «سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری» که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده، در ص ۴۶ پیرامون واژه «عسکری» می گوید: «گروهی از شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری، و او مهدی منتظر است.» و در پاورقی همین صفحه تصریح به قبه و سرداب غیبت نموده و می گوید: «همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده.» آنگاه می نویسد: «این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند.» بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی (ع) نوشته اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است. ۱۱۲- مستشار عبدالحلیم جندی مصری، معاصر، در کتاب «الامام جعفر الصادق» ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شئون اسلامی مصر، ۱۳۹۷. آری، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی (ع) تصریح کرده اند و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی (ع) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد و کسانیکه قائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند.

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن

همچنانکه در بحث و بررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی منتظر خاطر نشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه (اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی (خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت) فراز «واسم ابیه اسم ابی» به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «المهدی اسمه» اضافه شد و

تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید، تا مهدی موعود «محمد بن عبدالله» تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام پیامبر است و پدرش همنام با پدر پیامبر، جا اندازی و قابل قبول گردد و مهدویت «محمد بن الحسن العسکری» از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود. این موضوع در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید، تا هم اکنون بین بعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که می گویند: «مهدی، محمد بن عبدالله است!» اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هریک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه ۲۵۵ هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شک و تردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) (امام یازدهم شیعه) معرفی و اعلام کرده اند. و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه «دفاع عن الکافی» تألیف آقای سید ثامر هاشم حبیب عمیدی، معرفی شده اند که مجموعاً ۱۲۶ نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن، و ساختگی بودن فراز «واسم ایبه اسم ابی» بر جای نمانده که متأسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و نقلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودن مهدی منتظر، یک سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری، مشت خیانت خود راباز کند و آبروی خود را به باد دهد. آری دکتر عبدالله غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان «پروتوکالات آیات قم» - ص ۱۱ چاپ ۱۴۱۱ هجری، ۱۹۹۱ م، - وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری در گذشت و فرزندش بر جای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!

تعداد صد و پنجاه و دو اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما و دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت مهدی

۱- «إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، فی أحادیث الواردة فی المهدی» یا «المرشد المبدي لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی». أحمد بن محمد بن صدیق شافعی مغربی (در گذشته ۱۳۴۸). چاپ دمشق و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۲۲۳.۲ - «إبراز الوهم من کلام ابن حزم». أحمد بن صدیق بخاری حصرمی (۱۳۸۰). چاپ ۱۳۴۷ مطبوعه ترقی دمشق، در ردّ بر ابن حزم اندلسی (متوفای ۴۵۶) که در کتاب «الفصل بین الاهواء و التحل» از موضوع مهدویت تخطئه و انتقاد نموده و احادیث مهدی منتظر را تضعیف و بی اعتبار وانمود کرده است. ۳- «اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشرط الساعة» شیخ محمود بن عبدالله تویجری. ج اول چاپ اول ۱۳۹۴ چاپخانه الرياض عربستان سعودی. ۴- «اتحاف الجماعة...». ج ۲ چاپ ۱۳۹۶ ریاض عربستان سعودی. [دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳] ۵- «أحادیث أشرط الساعة الصغری». صالح محمد دخیل الله (معاصر). چاپ ۱۴۱۱ دانشگاه اسلامی مدینه در ۶۳۷ صفحه و زیری که بعنوان تز دکترای مؤلف زیر نظر استاد ربیع بن هادی بن عمیر مدخلی تنظیم نموده. [دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۳] ۶- «أحادیث القاضیه بخروج المهدی». محمد بن اسماعیل امیریمانی. [الاذاعة ابن صدیق قنوجی بخاری ص ۱۱۴] ۷- «أحادیث المهدی من مسند أحمد بن حنبل (۲۴۱)». استخراج و تنظیم سید محمد جواد حسینی جلالی (معاصر). شامل مقدمه طولانی و ۱۳۶ حدیث از «مسند أحمد حنبل» به ترتیب موضوعی. و چاپ پنجم آن بسال ۱۴۰۹ هـ وسیله مؤسسه نشر اسلامی قم (جامعه مدرسین) در ۷۸ صفحه و زیری به ضمیمه کتاب «البیان» گنجی شافعی در ۱۷۰ صفحه انجام شده. ۸- «الأحادیث الواردة بشأن الدجال فی مسند أحمد والصحیحین و السنن الأربع جمعاً و تخریجاً و دراسة لما لم یبین فی الصحیح». أحمد بن عیسی بن هادی عسر. این کتاب رساله فوق لیسانس مؤلف باشد که بسال ۱۴۰۱ زیر نظر استادش سید محمد حکیم در دانشکده الدراسات العلیاء دانشگاه مدینه منوره در ۳۱۷ ورقه تنظیم گردیده. [دلیل مؤلفات الحدیث الشریف ۱/۴۸۴] توضیحاً کتاب بعنوان دجال تألیف شده ولی چون موضوع آن مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و کشته شدنش بدست عمال آن حضرت است در اینجا بذکر آن پرداختیم. ۹- «الأحادیث الواردة فی المهدی، فی المیزان الجرح و

التعدیل». عبدالعلیم بن عبدالعظیم هندی (معاصر). بنوشته شیخ عبدالمحسن عباد، این کتاب بعنوان تز دکترا در سال ۱۳۹۸ زیر نظر استادش، دکتر محمد ابوشهبه، درباره حضرت مهدی تألیف، و نسخه خطی آن در بیش از ۶۰۰ صفحه در کتابخانه دانشکده شریعت در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه موجود می‌باشد. نیز گوید: این کتاب بهترین و گسترده ترین کتاب مرجع پیرامون احادیث حضرت مهدی (علیه السلام) است، که مؤلف بیش از چهار سال در تنظیم آن عمر سپری کرده و احادیث مربوطه را بررسی و صحت و اعتبار و تواتر آنها را اثبات نموده. [مجله جامعه اسلامیة سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۲۳ و مقاله او عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج ۲ ص ۴۶۵ می‌باشد. ۱۰] - «أحادیث و کلمات حول الامام المنتظر». سید عبدالله (معاصر). چاپ ۱۴۰۹ هـ انتشارات الهدایة الاسلامیة دبی در ۱۶۸ صفحه رقی. [کتابنامه حضرت مهدی، شماره ۹۳] ۱۱ - «الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر». شیخ حمود بن عبدالله حمود تویجری (معاصر). چاپ اول ۱۴۰۳ در عربستان سعودی و چاپ دوم در ۴۲۴ صفحه وزیری وسیله کتابخانه دارالعلیان الحدیثه، برید ریاض. این کتاب در ردّ بر «لا مهدی منتظر بعد الرسول سید البشر» تألیف رئیس دادگاه قطر، شیخ عبدالله بن زید بن محمود که در انکار مهدویت خلاصه، و چاپ شده می باشد. ۱۲ - «أحوال صاحب الزمان» (فارسی). محمد بن مؤید جوینی مشهور به سعدالدین حموی (۶۵۰) - پدر مؤلف «فرائد السمطين فی...» سوی خراسانی و نخست مقیم قاسیون دمشق بود و از آن پس به خراسان بازگشت و در خراسان بدرود حیات گفت. این کتاب بیانگر ۶۰ حدیث پیرامون سیره، غیبت و ظهور حضرت بقیة الله (عج) می‌باشد، و در «مرآة الاسرار» جامی بعنوان «رسالة فی المهدی المنتظر» ذکر شده. [الانسان الکامل عزیزالدین نسفی، شاگرد مؤلف، چاپ تهران ۳۲۰-۳۲۱؛ کتابنامه حضرت مهدی شماره ۶۶] ۱۳ - «أحوال مهدی آخر الزمان» (فارسی). علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵). شامل ۶۰ حدیث پیرامون ظهور و علائم ظهور همراه با ترجمه فارسی. نسخه خطی آن در چهار فصل تنظیم و در نعت و نسب و کرامات و نشانه های ظهور و اوضاع جهان در عصر ظهور خلاصه شده. دو نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم ضمن مجموعه های شماره ۵۲۴ و ۹۲۱۵ موجود است و نسخه ای هم در کتابخانه گنج بخش پاکستان ضمن مجموعه ۸۱۲.۱۴ - «أخبار الدولة فی ظهور المهدی». أحمد بن ابراهیم بن جزار قیروانی (۴۰۰). وی طیب آفریقائی بود که دهها اثر تألیفی بجای گذاشته و بسال ۴۰۰ در اندلس کشته شد. [هدیة العارفین ۱/۷۰] ۱۵ - «أخبار المهدی» یا «أخبار المهدی المنتظر». عباد بن یعقوب رواجنی أسدی. از شیوخ بخاری و دیگر محدثین همردیف او (أمثال ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزار ابن خزیمه) بوده و ارباب رجال و حدیث شناسان همه وثاقت و صداقت او را مورد تأکید قرار داده اند، اما بخاطر شدت محبتش به خاندان رسالت همواره هدف هجوم دشمنان اهل بیت قرار می گرفت. ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم نیشابوری و ابوحاتم، نقل از ابن خزیمه نموده که گفت از رواجنی شنیدم که می گفت: هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد (صلی الله علیه وآله) بیزاری نجوید با آنها محشور خواهد شد. [میزان الاعتدال ۲/۳۷۹؛ سیر أعلام النبلاء ۱۱/۵۳۷] سمعانی پس از تصریح باینکه رواجنی از مشایخ بخاری بوده از او انتقاد می کند که چرا از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: «إذا رأیتم معاویة علی منبری فاقتلوه» یعنی وقتی معاویه را بر فراز منبر من دیدید او را بکشید. و چرا از ابوبکر روایت نموده که به خالد بن ولید دستور داده بود امیرمؤمنان را بکشد سپس پشیمان شد و گفت: «لا تفعل ما أمرتک» یعنی آنچه را به تو دستور دادم انجام نده. (انساب سمعانی ۶/۱۷۰) بدین ترتیب با سنی بودن رواجنی - همچنانکه بسیاری از بزرگان رجالیون، امثال شیخ طوسی (فهرست ص ۱۴۹) سروی (معالم العلماء ص ۸۸) ابن داود (رجال ص ۲۹۲) بدان تصریح کرده اند - وی نخستین عالم اهل تسنن بوده که درباره حضرت مهدی کتاب نوشته است. جالب توجه آنکه رواجنی در سنه ۲۵۰ هجری در گذشته و قبل از ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) - در سنه ۲۵۵ هـ - کتاب «أخبار المهدی» را تنظیم و تألیف نموده. جالب تر آنکه بنوشته ذهبی (میزان الاعتدال ۲/۳۷۹) رواجنی شمشیری بالای سرش آویخته بود و چون از او سؤال شد: این شمشیر برای چیست؟ در پاسخ گفت: آنرا آماده کرده ام که با آن همراه حضرت مهدی (با دشمنان) مقاتله و کشتار نمایم. توضیحاً شیخ طوسی از کتاب او «أخبار المهدی» تعبیر نموده ولی زرکلی (الأعلام

۳/۲۵۸) «أخبار المهدي المنتظر» نوشته است. ۱۶ - «أخبار المهدي». بدرالدین، حسن بن محمد صالح نابلسی حنبلی (۷۲۲). ابن حجر در «الدرر و الکامنه» (۲/۱۲۱) نویسد نسخه این کتاب را بخط مؤلف مشاهده نموده و مؤلف در تألیف آن تلاش فراوان ارائه داده. [هدیه العارفين ۱/۷۷۳؛ اعلام زرکلی ۵/۱۷؛ مجله تراثنا شماره ۱ سال اول مقاله علامه سید عبد العزیز طباطبائی] ۱۷ - «أخبار المهديه». أبو بکر صنهاجی پاریسی (۱۹۲۸). چاپ استان در ۵۲۸ صفحه. [در جستجوی قائم ص ۲۶] ۱۸ - «الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة». سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷). چاپ مؤسسه سعودیه مصر ۱۳۷۹، و عیناً مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ص ۶۷ - ۱۰۸.۱۹ - «الأربعون حديثاً في المهدي». حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰). مندرج در «عرف الوردی فی أخبار المهدي» سیوطی و در «كشف الغمة» اربلی ج ۳ و «بحار الأنوار» علامه مجلسی ۵۱/۷۸ - ۸۵.۲۰ - «الأربعون حديثاً في المهدي». حافظ ابوالعلاء همدانی، محمد بن عطار (۵۶۹). [ذخایر العقبی طبرانی ص ۱۳۶] ۲۱ - «الأربعون حديثاً في المهدي». سراج الدین محدث بغدادی از اعلام قرن ششم هـ [اهل البيت فی المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۴۶ ص ۳۲ بنقل از «جامع الاسرار عاملی از اعلام قرن ۸»] ۲۲ - «إرتقاء الغرف». شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲). [المقاصد الحسنه مؤلف ص ۵۰۹، ذیل «المهدي» شماره حدیث ۷ و ۱۲؛ كشف الخفاء عجلونی ۲/۲۸۸؛ مقاله شیخ عبدالمحسن عباد در رد قاضی قطر، مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۴۶۳ به نقل از دو کتاب فوق] ۲۳ - «ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی». مرعی بن یوسف کرمی مقدسی (۱۰۳۳). نسخه خطی آن در پتته هند موجود میباشد. [کتابنامه حضرت مهدی آقای مهدی پور ص ۷۸-۷۷] ۲۴ - «الاشاعة لأشراط الساعة». تألیف محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳). چاپ ۱۳۷۰ قاهره، مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲۵ - «اشراط الساعة». أبو محمد، عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعلی حنفی (۶۰۰). متولد جماعیل از توابع نابلس. [النجوم الزاهرة ۶/۱۸۵] ۲۶ - «اشراط الساعة». شیخ أحمد بن فقیه شافعی. [ایضاح المکنون ۱/۸۶] ۲۷ - «اشراط الساعة». شیخ یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل. چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ از انتشارات ابن جوزی دمام عربستان در ۴۸۴ صفحه وزیری. ۲۸ - «اشراط الساعة الصغرى و الكبرى». شیخ امین حاج محمد احمد معاصر و استاد دانشگاه ام القرى در مکه معظمه. چاپ اول ۱۴۱۲ دار المطبوعات الحدیثه جده عربستان در ۱۴۸ صفحه وزیری. ۲۹ - «اشراط الساعة و أسرارها». شیخ محمد سلامه جبر از علمای اهل سنت و مقیم کویت است. چاپ اول بسال ۱۴۰۱ از طرف شرکت الشعاع کویت و برای دومین بار بسال ۱۴۱۳ دارالسلام، بیروت، در ۱۴۳ صفحه وزیری. این کتاب پیرامون علائم ظهور، خروج دجال، نزول حضرت عیسی، خروج یاجوج و ماجوج، طلوع شمس از مغرب و دیگر نشانه های ظهور حضرت مهدی خلاصه شده. ۳۰ - «اشراط الساعة و خروج المهدي». علی بن محمد میلی جمالی تونسسی مالکی (۱۲۴۸). نسخه خطی آن در دارالکتب المصریه موجود است و مؤلف هم مقیم مصر بوده. [هدیه العارفين ص ۷۷۳؛ اعلام زرکلی ۵/۱۷] ۳۱ - «الاعلان بما اخبر به النبي من احوال هذا الزمان». محمد ترمزی بن محمد بن صدیق غماریچاپ ۱۳۵۰ مطبعه مهديه تالوان ترکیه ۳۳ صفحه [دلیل ۱/۴۸۵ کتابنامه حضرت مهدی (علیه السلام) ص ۸۹ شماره ۱۶۸] ۳۲ - «إقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان». أبو الفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی غماری (۱۳۸۰). چاپ عالم الکتب بیروت. ۳۳ - «إقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان» (اردو). ترجمه کتاب غماری فوق، که مؤلف خود در صفحه اول مقدمه کتاب «المهدي المنتظر» بدان تصریح نموده، اما بدون ذکر نام مترجم. ۳۴ - «إقامة البرهان فی الرد علی من أنکر خروج المهدي و الدجال و نزول المسيح فی آخر الزمان». حمود بن عبدالله تویجری (معاصر). ج ۱۴۰۵ مکتبه المعارف ریاض، ۳۵ - «امارات الساعة». شاه رفیع الدین، فرزند شاه ولی الله دهلوی. این مقاله ضمن مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۴۱ ببعده بسال ۱۴۱۲ در لاهور انتشار یافته. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۹۵] ۳۶ - «امام منتظر» - ترجمه عقیده اهل السنة والاثار شیخ عبدالمحسن عبادبقلم مولانا شیخ مسرور حسن [کتابنامه حضرت مهدی (علیه السلام) ص ۱۰۵ شماره ۲۱۳] ۳۷ - «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان». جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). [هدیه العارفين ج ۱ ص ۵۳۶ سطر ۲۰] ۳۸ - «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان». علاءالدین علی بن حسام الدین

مشهوره متقی هندی جنپوری (۹۷۵) چاپ ۱۳۹۸ هجری با تحقیق آقای علی اکبر غفاری، نشر شرکت رضوان تهران و چاپ دوم سال ۱۴۰۸ هجری، ذات السلاسل کویت در دو جلد با تحقیق جاسم بن مهلهل یاسین [دلیل ۱/۴۸۶] ۳۹ - «بقیه الله خیر بعد الفناء فی السیر». عبدالغنی بن اسماعیل حنفی نقشبندی نابلسی دمشقی (۱۱۴۳). [ایضاح المکنون ۱/۱۹۱] ۴۰ - «البیانات» (اردو). ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). این کتاب در پنج جلد پاسخگوی پرسشهای اقطار مناطق اسلامی است و بخشی از آن ویژه پرسش از شئون حضرت مهدی میباشد و مجموعاً چاپ و در پاکستان انتشار یافته، و پیرامون صحت احادیث مهدی تأکید نموده. ۴۱ - «البیانات» (ترجمه ترکی) ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). بخش حضرت مهدی آن در ایام در گذشت مودودی بقلم آقای علی اکبر مهدی پور بزبان ترکی استانبولی ترجمه، چاپ و منتشر گردیده. ۴۲ - «البیانات» (ترجمه عربی) ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). نیز بخش ویژه حضرت مهدی این کتاب وسیله محمد حداد عاصم به عربی ترجمه و بنام «علامات المهدی» در مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۴۸-۳۶ در لاهور چاپ و منتشر شده. [کتابنامه حضرت مهدی، آقای مهدی پور ص ۱۸۹-۱۹۰ و ص ۵۲۷] ۴۳ - «البیان فی أخبار صاحب الزمان». ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸). چاپ نجف ضمیمه «کفایه الطالب» مؤلف و چاپ تبریز ضمیمه «غیت شیخ طوسی» و نیز در بیروت، اصفهان و قم چاپ شده. ۴۴ - «بین یدی الساعة». دکتر عبدالباقی احمد محمد سلامه. چاپ مکتبه المعارف ریاض در ۱۸۲ صفحه وزیری. ۴۵ - «تحذیق النظر فی أخبار الامام المنتظر». محمد بن عبدالعزیز بن مانع نجدی حجازی (۱۳۵۸). نسخه آن در دارالکتب مصر و نیز در دارالکتاب نجف موجود میباشد. [فهرست کتابهای جمع آوری شده در دار الکتب از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۵ م ۱/۱۲۷ و مقاله شیخ عبدالمحسن بن عباد در مجله دانشگاه مدینه، عدد اول سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۱۰ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنه» ۲/۴۵۲] ۴۶ - «تحذیر الاخوان من ادعاء المهديه آخر الزمان» (عربی). شیخ عثمان بن فودی (۱۸۱۷ م). نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه «بایرو» در نیجریه موجود است. [اخبار التراث العربی شماره ۲۳ ص ۵؛ کتابنامه آقای مهدی پور ص ۲۱۷] ۴۷ - «تحقیق ظهور المهدی». احمد بن عبداللطیف بریر دمیاطی (۱۲۲۸)، نسخه مخطوط آن در هفت ورقه بخط محمد بن علی بن محمد محموده صفدی مورخه ۱۲۳۲ در آخر مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهره دمشق موجود است. [فهرست مجموعه های کتابخانه ظاهره ۲/۵۲] ۴۸ - «تعليق علی محاضرة «عقیده اهل السنه و الاثر... شیخ عبدالمحسن عباد». شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز که مفتی اعظم دربار عربستان سعودی بود. این مقاله بدنبال «عقیده اهل السنه» مؤکداً اعتراف به صحت و تواتر احادیث مهدی منتظر نموده و متن آن در آخر «الامام المهدی عند أهل السنه» مندرج است. ۴۹ - «تلخیص البیان فی أخبار مهدی آخر الزمان». علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵). چاپ ۱۴۰۱ هـ دار التبلیغ اسلامی قم، ۲۲ صفحه وزیری با تحقیق دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور. جهت آگاهی بر وجود بیش از بیست نسخه خطی آن در کتابخانه های جهان رجوع شود به مقاله «اهل البيت فی المکتبه العربیه» علامه سید عبدالعزیز طباطبائی در مجله «تراثنا» شماره سوم سال اول ۱۴۰۶. [ایضاح المکنون ۱/۳۱۸؛ هدیة العارفين ۱/۷۴۶] ۵۰ - «تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان». شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا حنفی، شیخ الاسلام و مفتی قسطنطنیه (۹۴۰). (هدیه العارفين ۱/۱۴۱) ۵۱ - «تنبيه الوسنان إلى أخبار مهدی آخر الزمان». أحمد نوبی (۱۰۳۷). [معجم المؤلفين كحاله ۲/۱۹۷] به نقل از نسخه آلمانی تاریخ الأدب العربی بروکلن ۲/۳۸۵ و ۵۲ [۵۲۰] - «تنوير الرجال فی ظهور المهدی و الدجال». رشید الراشد تاذفی حلبی (معاصر). چاپ شده. [المهدی المنتظر محمد حسن آل یس ۳۳] ۵۳ - «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسيح». محمد بن علی شوکانی صنعانی (۱۲۵۰). [بدر الطالع مؤلف - ذیل شرح حال خودش ۲/۲۲۲] - الاذاعه... ص ۱۱۳؛ غایة المأمول ۵/۳۲۷؛ فهرس الفهارس ص ۴۰۹؛ عقیده اهل السنه و الاثر شیخ عبدالمحسن عباد] این کتاب بیانگر چگونگی تواتر و قطع الصدور بودن احادیث پیرامون حضرت مهدی (علیه السلام) است و استاد ناصر الدین در مقاله «حول المهدی» بنقل از کتاب فوق مینویسد احادیثی که در پیرامون حضرت مهدی بدست ما رسیده و می توان بر آن اعتماد و استناد نمود پنجاه حدیث می باشد که برخی صحیح، برخی حسن، و برخی دیگر ضعیف ترمیم

شده می‌باشد و آنها بدون شک و تردید به حد تواتر رسیده است، و عنوان تواتر بر طبق همه ضوابطی که در کتابهای پایه نوشته شده بر کمتر از آن صدق می‌کند...» [مجله التمدن الاسلام، شماره ۲۷ - ۲۸ سال ۲۲ ص ۶۴۶] و گویا این کتاب چاپ شده باشد ولی اطلاعی از مشخصات آن بدست نیامد. ۵۴ - «ثلاثة ينتظرهم العالم: عيسى، الدجال و المهدي المنتظر». شیخ عبداللطیف عاشور (معاصر). چاپ ۱۴۰۶، انتشارات ساعی ریاض و انتشارات قران قاهره، ۱۴۴ صفحه وزیری. ۵۵ - «جزء فی ذکر المهدي». ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴). [نهاییه مؤلف ص ۱۳۰] ۵۶ - «جزء فی المهدي». أبو حنین، أحمد بن جعفر بن محمد عبدالله بغدادی معروف به ابن منادی (۳۳۶). این کتاب بدست ابن حجر عسقلانی رسیده و او بخشی از آنرا در کتاب «فتح الباری (شرح صحیح بخاری)» آورده، و از جمله در ج ۱۳ ص ۲۱۳، و ابن منادی را کتاب دیگری باشد بنام «الملاحم». ۵۷ - «جزء فی ما ورد فی المهدي». ابن حجر. [فهرس الفهارس و الاثبات ص ۳۳۹] ۵۸ - «جمع الأحادیث الواردة فی المهدي». حافظ أبو بکر بن خثیمه، أحمد بن زهیر بن حرب نسائی (۲۷۹). وی شاگرد أحمد حنبل، و مؤلف کتاب «تاریخ الکبیر» بوده است که خطیب بغدادی و دارقطنی درباره آن گفته اند: هرگز کتابی پرفائده تر از کتاب تاریخ ابن خثیمه سراغ نداریم. [تاریخ بغداد ۴/۱۶۳، الأعلام زرکلی ۱/۱۲۸] ۵۹ - «جمع طرق أحادیث المهدي». ابن عراقی ولی الدین ابوزرعه، احمد بن عبدالرحیم بن حسین کردی رازیانی مصری شافعی (۸۲۶). [ذیل تذکره الحفاظ ذهبی - از ابن فهد مکی - ص ۲۸۸، الضوء اللامع سخاوی ۳۳۶ - ۳۳۴، مقاله «الرد علی من کذب بالأحادیث المهدي» شیخ عبدالمحسن عباد] بنوشته «النجوم الزاهرة» ۵/۱۱۸، او در سنه ۸۲۴ به سمت قاضی القضاة مصر منصوب گردید و در سنه ۸۲۶ در گذشت. ۶۰ - «الجواب المقنع المحرر، فی أخبار عيسى و المهدي المنتظر». محمد حبیب الله شنقیطی (۱۳۶۳ هـ). این کتاب بنوشته خود مؤلف - در کتاب دیگرش «زاد المسلم» ۲/۴۱ - در ردّ بر ابن خلدون تألیف، و در چهار بخش زیر خلاصه شده است: ۱ - مقدمه بیانگر تواتر احادیث حضرت مهدی. ۲ - فصل اول در بیان احادیث و ویژگیها و اوصاف آن حضرت. ۳ - فصل دوم پیرامون نزول حضرت عیسی و اجتماع او با حضرت مهدی. ۴ - خاتمه در بیان خروج دجال و پیدایش مهدی های ادعائی و دروغین. مؤلف در مراکش، مدینه، مکه و قاهره بسر میرده و در دانشگاه الازهر مصر تدریس نموده و در قاهره در گذشته. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۷۶-۲۷۷] ۶۱ - «چاغین بکلد (یغی انسان مهدی)» (ترکی استانبولی). عادل گوک بورون (معاصر). چاپ دوم انتشارات تک یول، استانبول، ۷۷ صفحه رقی. این کتاب که با مقدمه ای از آقای مصطفی گنج انتشار یافته از غیبت، ظهور، علائم ظهور، نسب و محل ظهور حضرت، و خروج دجال سخن رفته است. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۸۱] ۶۲ - «حاشیة علی «القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر» - ابن حجر مکی (۹۷۳)». بقلم رضی الدین بن عبد الرحمان بن أحمد بن حجر (نوه مؤلف) (۱۰۴۱). [ایضاح المکنون ۲/۴۲، هدیة العارفين ۱/۳۶۹] ۶۳ - «حقیقه الخبر عن المهدي المنتظر من الكتاب و السنه». صلاح الدین عبد الحمید هادی (معاصر). چاپ اول ۱۹۸۰ م، کتابخانه تاج، طنطا، مصر، ۹۶ صفحه. ۶۴ - «ختم النبوة و ظهور المهدي». ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). چاپ ۱۳۹۹ هـ لاهور پاکستان. [کتابنامه آقای علی اکبر مهدی پور ص ۳۱۶] ۶۵ - «الدر المنصود فی ذکر المهدي الموعود». سید صدیق حسن بن اولاد حسن بن اولاد علی قنوجی. نسخه خطی آن بخط مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو هند بشماره ۳۱۱ طبق نقل فهرست آن بشماره ۹۷ موجود است [اهل البيت فی المكتبة العربیة، علامه طباطبائی شماره ۳۰۵] ۶۶ - «ذکر المهدي الذي یكون فی آخر الزمان». ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۷۴). این موضوع در کتاب «النهاية، أو الفتن و الملاحم» مؤلف ص ۲۴ تا ۳۲ درج و چاپ شده، نیز عیناً در ج ۲ «الامام المهدي عند أهل السنه» هم مندرج گردیده. ۶۷ - «ذکر المهدي و نعوته و حقیقه مخرجه و ثبوت». حافظ أبو نعیم أحمد بن عبدالله اصفهانی (۴۳۰). این کتاب مشتمل بر ۱۵۶ حدیث در شئون مختلف امام مهدی منتظر (علیه السلام) است که سید بن طاووس فهرست ابواب آنرا و تعداد روایات هر بابی را در «طرائف» (ص ۱۸۳) ایراد نموده و در دیگر کتابهای خود هم از آن نقل حدیث فرموده. نیز علامه تهرانی در «الذریعه» (ج ۱۰ ص ۳۸) آن را بدینگونه ذکر کرده و در «هدیة العارفين» (۵/۷۵) بعنوان «کتاب المهدي» مطرح شده. ۶۸ - «الردّ

علی من حکم و قضی أن المهدی الموعود جاء و مضی». علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی جونپوری (۹۷۵) این کتاب در رد محمد بن یوسف جونپوری (متولد ۸۴۷، متوفای ۹۱۰) مدعی دروغین مهدویت است در سنه ۹۰۱ و ۹۰۳ نسخه خطی آن مؤرخه ۹۹۰ ضمن مجموعه شماره ۱۵۱۴ مکتبه رضا رامپور در هند است و نسخه دیگرش بتاريخ قرن یازدهم شماره ۱۹۷۵ بشرح مندرج در فهرستش ۲/۴۶۰. [اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی، بشماره ۳۲۹] ۶۹- «الرد علی من حکم و قضی أن المهدی الموعود جاء و مضی». نورالدین علی بن محمد هروی حنفی، معروف به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ناصریه لکهنو است و نسخه دیگرش در مکتبه الامام امیرالمؤمنین نجف. [مجله تراثنا شماره ۱۰ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی] ۷۰- «الرد علی من کذب بالأحادیث المهدی». مقاله مفصلی است از شیخ عبدالمحسن بن عباد، عضو هیئت تدریسی دانشگاه مدینه که در رد رساله «لا مهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر» از شیخ ابن محمود رئیس محاکم شرعی قطر نگاشته، و در مجله دانشگاه مدینه بشماره های ۴۵-۴۶ بچاپ رسیده و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/۴۳۷ مندرج شده و به ضمیمه مقاله دیگرش - عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر - بسال ۱۴۰۲ در چاپخانه الرشید مدینه در ۲۲۴ صفحه چاپ و منتشر گردیده. جهت شرح حالش مراجعه شود به «کتابنامه حضرت مهدی» آقای مهدی پور ص ۳۹۰.۷۱- «رساله فی الأحادیث القاضیه بخروج المهدی و انه...». محمد بن اسماعیل امیریمانی صنعانی (۷۵۱). [الاذاعه ص ۱۱۴] ۷۲- «رساله فی تحقیق ظهور المهدی». أحمد بن عبداللطیف بربر دمیاطی شافعی (۱۲۲۹/۱۲۲۸/۱۲۲۶). نسخه خطی آن در ضمن مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهره شام موجود است و دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی به شماره های ۱۹۳۰ و ۲۳۳۰ موجود میباشد. [کتابنامه آقای مهدی پور شماره ۹۴۸ و ۱۰۵۵] ۷۳- «رساله فی حق المهدی». نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نسخه مخطوط آن در کتابخانه بلدیة اسکندریه مصر موجود است. و سه کتاب دیگر هم درباره حضرت مهدی از اوست بنامهای «الرد علی من حکم و قضی أن المهدی جاء و مضی»، «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» و «مهدی آل الرسول»، مراجعه شود. ۷۴- «رساله فی ردّ من انکر أن عیسی علیه السلام اذا نزل بصلی خلف المهدی صلاة الصبح». جلال الدین سیوطی (۹۱۱). این رساله بعنوان تنبیه در پایان رساله «الاعلام بحکم عیسی علیه السلام» که مندرج در الحاوی للفتاوی (ج ۲ ص ۲۹۷ چاپ ۱۳۷۸ مصر و ص ۱۶۶ چاپ مصر بعد از آن) درج شده و نسخه خطی آن بشماره ۵۹ در کتابخانه مسجد الحرام موجود است. ۷۵- «رساله فی المهدی المنتظر». از سعدالدین محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعدالدین حموی (۶۵۰). (مرآة الأسرار جامی) ۷۶- «رساله مهدیه» (فارسی). شاه نعمت الله ولی (۸۳۴) قطب و بنیانگذار فرقه های صوفیه نعمت اللهی ایران، هند و پاکستان. این رساله ضمن جلد چهارم رساله های او ص ۸۹-۹۵ وسیله خانقاه نعمت اللهی تهران بسال ۱۳۴۳ چاپ و منتشر گردیده. و از مهدی منتظر بعنوان «مهدی، محمد بن عبدالله» نامبرده که به همین دلیل شکی در سنّی بودنش نیست. ۷۷- «روض وردی فی أخبار المهدی». جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی مدنی، مفتی فرقه شافعیه مدینه منوره در گذشته ۱۱۷۹ یا ۱۱۸۴ یا ۱۱۸۷. نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است. [سلک الدرر ۲/۹، هدیة العارفین ۱/۲۵۶، معجم المؤلفین ۳/۱۳۷، اعلام زرکلی ۲/۱۲۳، بروکلن ۲/۳۸۴ اصل المانی، مجله تراثنا شماره ۱۰، مقاله «أهل البيت في المكتبة العربية» علامه سید عبدالعزیز طباطبائی] ۷۸- «سید البشر يتحدث عن المهدی المنتظر». شیخ حامد محمود محمد لیمود (معاصر). چاپ مطبه مدنی قاهره، با مقدمه شیخ حسنی مخلوف، مفتی سابق مصر و عضو جمعیت علمای بزرگ الأزهر. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۱۶] ۷۹- «شرح کتاب المهدی سنن ابی داود». ابن قیم جوزیه (۷۵۱). این کتاب ضمن «تهذیب السنن» ابی داود تشریح شده و در ذیل «عون المعبود» ج ۱۱ ص ۳۶۱-۳۸۴ چاپ شده. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۶۱] ۸۰- «صاحب الزّمان». ابوالعباس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی، قاضی صیمره (۲۷۵). بنوشته «اعلام» زرکلی (۶/۲۹) وی ادیبی ظریف و عالم به نحو و شاعری زبردست و از ندمای متوکل عباسی و معتمدین بنی العباس بود. و بنوشته ابن ندیم وی را کتابی است بنام «صاحب الزّمان» که بنظر آقای خراسان نخستین تألیف و مقدم بر

همه تألیفات سنی و شیعه درباره صاحب الزمان مهدی منتظر بوده، ولی رواجی مؤلف «أخبار المهدی» و متوفای ۲۵۰ مقدم بر او بوده؛ هرچند متأسفانه امروز سرنخی از وجود آن در دست نیست. [فهرست ابن ندیم ص ۲۲۳] ۸۱- «صحيح اشراط الساعة». شیخ مصطفی ابونصر شلبی. چاپ ۱۴۱۳ هـ انتشارات سوادى، جده، ۴۳۲ صفحه وزیرى. ۸۲- «الصحيح المسند من أحاديث الفتن والملاحم و اشراط الساعة». مصطفی عدوى (معاصر). چاپ ۱۴۱۲ دارالهجره ریاض، ۵۸۷ صفحه وزیرى. ۸۳- «صفه المهدی». حافظ ابونعیم اصفهان (۴۳۰). یوسف بن یحیی مقدسى (۶۸۵) در کتاب «عقد الدرر» - که در مصر، بیروت و ایران مکرر چاپ شده - تعداد ۲۹ حدیث از این کتاب نقل کرده است. ۸۴- «ظهور المهدی». جلال الدین سیوطی (۹۱۱). دو نسخه از این کتاب به دو عنوان زیر در استانبول موجود است: ۱- «رسالة فی ظهور المهدی» کتابخانه سلیمانیه، بخش رشید افندی، ضمن مجموعه شماره ۸۸۳۸۳.۲ - «رسالة ظهورات المهدی» همان محل، بخش قصیده چی زاده، ضمن مجموعه شماره ۶۸۱۸۰. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۲۴۳] ۸۵- «العرف الوردی فی أخبار المهدی». مشتمل بر «أربعین» حافظ ابونعیم اصفهانی درباره مهدی منتظر و چند برابر آن احادیث اضافی پیرامون شئون آنحضرت از جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱) چاپ مصر؛ ضمن «الحاوی للفتاوی» وی زج ۲ ص ۱۲۳-۱۶۶ و ج ۲ ص ۵۷-۷۶ چاپ دارالکتب العلمیه بیروت ۱۳۹۵ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۲.۸۶ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (ترجمه ترکی کتاب قبل). مترجم مشرف گوزجو (معاصر). چاپ ۱۹۸۶م انتشارات شفق مانیسا، ترکیه. ۸۷- «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (نیز ترجمه ترکی کتاب سیوطی). مترجم محمود چلبی. نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش قلیج علی پاشا، ضمن مجموعه ۶۸۹۹۷ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی شماره ۱۲۵۶] ۸۸- «العرف الوردی فی دلائل المهدی». ابوالفضل، عبدالرحمن بن مصطفی یمنی حصرمی شافعی اشعری نقشبندی مقیم مصر (۱۱۹۲). نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی برلن بشماره ۲۷۳۳ موجود است. [هدیه العارفین ۱/۵۴۴] مجله تراثنا شماره ۱۶ مقاله آقای سید عبدالعزیز طباطبائی [۸۹- «العطر الوردی، شرح قصیده «القطر الشهدی، فی اوصاف المهدی - شماره ۵۲ -». شیخ محمد بلیسی شافعی (۱۳۱۲هـ). چاپ ۱۳۰۸ بولاق مصر ضمن مجموعه ناظم قصیده و دیگر چاپها و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۲.۹۰ - «عقد الجواهر و الدرر فی علامات ظهور المهدی المنتظر». تألیف ابن حجر. به نقل دکتر عبدالله جبوری در تعلیقات خود بر «غریب الحدیث» ابن قتیبه ۱/۱۱۷ (در رابطه با نقل ابن قتیبه حدیث علی (علیه السلام) را پیرامون بودن مهدی منتظر از فرزندان حسین) اما بدون تصریح باینکه ابن حجر عسقلانی است یا هیثمی و اینکه نسخه خطی آن در کجاست. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۱-۲۲] ۹۱- «عقد الدرر فی أخبار الامام المنتظر». جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسى شافعی دمشقی (۶۸۵). چاپ ۱۳۹۹ مکتبه خانجی مصر با تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد حلوی، و از آن پس بسال ۱۴۰۰ در تهران افست گردیده و بسال ۱۴۰۳ هم در بیروت تجدید چاپ شده و در مرحله چهارم نیز بسال ۱۴۰۳ در دانشگاه ابن سعود در ریاض و برای پنجمین بار سنه ۱۴۰۵ وسیله مکتبه المنار زرقاء اردن و بعداً در سنه ۱۴۱۶ وسیله مسجد جمکران قم تجدید چاپ شد. ۹۲- «عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر». أحمد بن زینی دحلان (۱۳۰۴). نسخه مخطوط این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود در حجاز موجود است و تاریخ کتابت آن ۱۳۰۴ هـ میباشد. ۹۳- «عقود الدرر فی شأن المهدی المنتظر». نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکی در مکه مکرمه بشماره ۳۰، بخش دهلوی ۴/۱۹۸، فهرست مخطوط کتابخانه ص ۱۴۱؛ اما از نام مؤلف اطلاعی بدست نیامد. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۷۸] ۹۴- «عقیده المسیح الدجال». سعید ایوب (معاصر). حدود یک سوم آخر این کتاب ویژه بحث درباره حضرت مهدی و دفاع از عقیده بدان حضرت است. نخست بسال ۱۴۰۹ در قاهره چاپ شده سپس بسال ۱۴۱۱ در بیروت و بعداً در قم. ۹۵- «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر». مقاله (متن محاضره علمی) شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه است در سنه ۱۳۸۸ که ضمن مجله دانشگاه بشماره ۳ سال اول درج و انتشار یافته، و نیز مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» آخر ج ۲ میباشد؛ جهت دیگر خصوصیات رجوع شود به «کتابنامه حضرت مهدی» ص ۵۱۷.۹۶ - «علائم ظهور» (فارسی). علی بن حسام الدین متقی

هندی (۹۷۵). رساله مختصری است در علائم ظهور که احادیث مربوطه توسط متقی هندی بفارسی ترجمه شده. نسخه ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم ضمن مجموعه شماره ۶۳۶ با تاریخ کتابت آن در سنه ۹۷۹ موجود است. ۹۷ - «علامات الساعة الصغرى و الكبرى». لیلی مبروک. دار المختار الاسلامی قاهره در ۲۰۴ صفحه. ۹۸ - «علامات المهدی» یا «البرهان فی علامه مهدی آخر الزمان». جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکه بشماره ۳۴ بخش دهلوی موجود است. [مقدمه علامه خراسان بر ینابیع الموده ص ۱۴، مجله تراثنا شماره ۲ و شماره ۱۶/۲۹] ۹۹ - «علامات المهدی المنتظر». أحمد بن حجر هیشمی مکی شافعی (۹۷۴). چاپ نشریات مکتبه القرآن للطبع و النشر مصر. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۹] ۱۰۰ - «علامات مهدی منتظر»، ترکی، ترجمه «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر (۹۷۴). بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان. چاپ اول ۱۹۸۵ م، انتشارات شفق، مانیسار ترکیه، ۹۲ صفحه رقی. ۱۰۱ - «علامات مهدی آخر الزمان»، ترجمه ترکی استانبولی «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندیبی بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان. چاپ ۱۹۸۶ م، انتشارات گونجه، استانبول، ۹۵ صفحه جیبی. مترجم آن را «آخر زمان مهدی سی نین علامتلی» نامگذاری نموده ۱۰۲ - «عناء مغرب فی معرفه ختم الأولیاء و شمس المغرب». محی الدین ابن عربی (۶۳۸). چاپ مصر (أعلام زرکلی ۶/۲۸۱)، و نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم بشماره ۴۱۰۵ موجود می‌باشد. ۱۰۳ - «عون المعبود» شرح سنن ابی داود - بخش کتاب المهدی. ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹ هـ) چاپ مکتبه سلفیه مدینه منوره ج ۱۱ ص ۳۶۱ - ۳۸۴، مندرج در کتاب «الامام المهدی عند اهل السنه». ۱۰۴ - «الفتح الربانی فی الرد علی المهدی المغربی الوزانی». از حاج صالح بن مهنا الأزهری. چاپ مطبعه تقدم مصر ۱۳۲۷ در ۸۰ صفحه. [معجم المطبوعات ص ۱۱۸۳] ۱۰۵ - «فتح المنان - شرح قصیده الفوز و الأمان» شیخ بهائی. شهاب الدین أحمد بن عدوی دمشقی مشهور به منینی (۱۱۷۳). چاپ حدود ۱۲۲۰ قاهره، نیز ضمیمه «تلخیص کشکول شیخ بهائی» بطور مکرر از جمله بسال ۱۲۸۸ در قاهره تجدید چاپ شده. ۱۰۶ - «الفتوی فی مسأله المهدی المنتظر» (مقاله پیرامون پاسخ به سئوال). بقلم شیخ محمد منتصر کتانی در مجله رابطه العالم الاسلامی مکه، در پاسخ به پرسش یک مسلمان کنیائی از تاریخ و محل ظهور و قیام حضرت مهدی نوشته، و مندرج در مقدمه علامه خراسان بر «البيان فی أخبار صاحب الزمان» گنجی چاپ ۱۳۹۹ بیروت ص ۷۶-۷۹ می‌باشد. نیز ترجمه فارسی آن مندرج در «مهدی انقلابی بزرگ» آقای مکارم شیرازی ص ۱۴۶-۱۵۵. و ترجمه لاتینش هم از مرکز اسلامی استانبول انتشار یافته. [در جستجوی قائم، کتاب شماره ۲۵۸] ۱۰۷ - «فتاوی علماء العرب من اهل مکة المشرفه»، فی شأن المهدی الموعود فی آخر الزمان. این رساله بیانگر متون فتوائی چهارنفر از علمای سنی در اثبات مهدویت حضرت مهدی منتظر و رد منکرین او تا سر حد تکفیر و اعدام آنها می باشد که باب سیزدهم کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی (متوفای ۹۷۵) بذکر آن اختصاص یافته و در سنه ۱۳۹۹ در قم و دیگر محل ها چاپ شده است. ۱۰۸ - «فرائد فوائد الفکر فی إمام المهدی المنتظر». شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳). [أعلام زرکلی ۷/۲۰۳] ایضاح المکنون ۲/۱۸۳؛ هدیة العارفین ۲/۴۲۷؛ مجله تراثنا شماره ۱۷ ص ۱۰۸-۱۰۹ تعداد چهار نسخه خطی آن بقلم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی معرفی شده [۱۰۹] - «الفواصم عن الفتن القواصم» (در شرح حال مهدی منتظر). علی بن ابراهیم حلبی (۱۰۴۴). [سیره الحلبیه مؤلف ۱/۲۲۷] ۱۱۰ - «قصیده فی المهدی». محی الدین محمد بن علی طائی اندلسی معروف به ابن عربی (۶۳۸). در ۸۳ بیت است که با بیت: خلیلی إنی للشریعه حافظ و لکن لها سر علی عینه غطا آغاز و با بیت: و صاحب آیات عظیم جلاله تتوجّ بالجوزاء و انتعل الشّهابایان میابد، و بدنبال آن فصلی باشد درباره زادگاه آن حضرت و نسب و محل سکونتش و آنچه مربوط به امر اوست. نسخه آن در دارالکتب ظاهریه دمشق بشماره ۶۸۲۴ ورقه ۷۲-۷۵ می‌باشد. [مجله تراثنا شماره ۱۸ مقاله «اهل البيت فی المکتبه العربیه» ص ۹۳] ۱۱۱ - «القطر الشهدی فی اوصاف المهدی» (منظومه لامیه). شهاب الدین أحمد حلوانی شافعی (۱۳۰۸). این منظومه با شرحش بنام «العطر الوردی فی...» سنه ۱۳۰۸ در بولاق مصر بچاپ رسیده و بار دیگر بسال ۱۳۴۵

ضمیمه کتاب «فتح رب الأرباب» در مطبوعه معاهد مصر چاپ آن تجدید شد. و عیناً با شرحش در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۲ ص ۱۰۹-۱۵۳ مندرج و بسال ۱۴۰۲ چاپ شد. نیز مراجعه شود به «ایضاح المکنون» ۲/۲۳۴، هدیة العارفین ۱/۱۹۲، معجم المطبوعات ۷۹۲ و ۱۶۴۲، و مجله تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۴ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی. ۱۱۲ - «القناعه فی ما تحصن الاحاطه به من اشراف الساعه»، حافظ ابوالخیر محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲) چاپ ۱۴۰۶ مکتبه القران قاهره و مکتبه الساعی ریاض، ۹۶ صفحه وزیر [الضوء اللامع مؤلف ۸/۱۸/۱۱۳] - «القول الفصل فی المهدی المنتظر». شیخ عبدالله حجاج. چاپ دارالعلوم للطباعه مصر. ۱۱۴ - «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر». شهاب الدین أحمد بن حجر هیثمی مکی (۹۷۴). [فتاوی الحدیثه مؤلف ص ۳۱، فهرس الفهارس ۱/۲۵۱، الاشاعه برزنجی ص ۹۰، و دیگر مصادر مربوطه فراوان]. توضیحاً علامه سید عبدالعزیز طباطبائی در مقاله «اهل البيت فی المکتبه العربیة» نشر مجله تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۸-۱۰۰ تعداد سی نسخه خطی آنرا با آدرس محل هریک معرفی نموده، نیز نوشته است در اسلامبول نسخه مکتبه بایزید از طریق تصویر با ترجمه آن به لغت ترکی و حروف لاتین چاپ شده. نیز بنوشته آقای مهدی پور وسیله مکتبه القران در قاهره در ۸۸ صفحه وزیری بدون تاریخ چاپ شده، مقدمه این کتاب بیانگر صریح تواتر احادیث حضرت مهدی و فصل اولش شامل ۶۳ حدیث از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و فصل دومش ۳۹ حدیث از صحابه و فصل سومش ۵۶ حدیث از تابعین میباشند. در پایان مباحث گوناگونی را در این زمینه مطرح و بررسی نموده که با تحقیقات مصطفی عاشور بر اساس دو نسخه دارالکتب قاهره چاپ و انتشار یافته است. بار دیگر توسط استاد محمد زینهم محمد تحقیق و در ۱۰۹ صفحه در تاریخ ۱۴۰۷ از طرف دارالصحوة قاهره چاپ و منتشر گردیده. جهت آگاهی بر مشخصات پنج نسخه خطی اضافه بر نسخ معرفی شده از جانب آقای طباطبائی مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی ص ۵۷۹. جهت آگاهی بر تلخیص و حاشیه بر آن وسیله نوادگان مؤلف به «حاشیه» و «مختصر القول» مراجعه شود. ۱۱۵ - «کتاب الغیبه». حافظ أحمد بن محمد بن سعید همدانی معروف به ابن عقده (۳۳۳). مؤلف زیدی و مورد اعتماد اهل تسنن و مطرح شده در مصادر رجالی و حدیثی آنها، أمثال «تاریخ بغداد» خطیب ۱۴/۲۳-۵، «تذکره الحفاظ» ذهبی ۳/۸۳۹ شماره ۸۲۰ است، همچنانکه نعمانی شیعی در مقدمه «کتاب الغیبه» خود از آن نام برده و بطور فراوان هم از آن نقل روایت میکند. ۱۱۶ - «کتاب فی الامام المهدی». ابوالعلاء، ادریس بن محمد بن ادریس فاسی عراقی (۱۱۸۳). [نظم المتناصر کتانی ص ۲۲۶ شماره ۲۸۹/۱۱۷] - «کتاب المهدی». یکی از کتابها و بخش های جلد دوم «سنن المصطفی» ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۵۷) است که ویژه احادیث مهدی منتظر و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنة» ج ۱ ص ۳۷ درج گردیده. ۱۱۸ - «مختصر الأخبار المشاعه فی الفتن و اشراف الساعه و أخبار المهدی». شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل (معاصر). چاپ ۱۴۰۵ مطابع الرياض عربستان سعودی در ۴۴۹ صفحه. ۱۱۹ - «مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» - ابن حجر هیثمی - رضی الدین بن عبدالرحمن، نواده مؤلف و در گذشته (۱۰۷۱). [هدیة العارفین ۱/۳۶۹] ۱۲۰ - «مرآة الفکر فی المهدی المنتظر». شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳). [ایضاح المکنون ۲/۴۶۲، هدیة العارفین ۲/۴۲۷] ۱۲۱ - «مسأله فی الغیبه». قاضی عبدالجبار بن أحمد همدانی معتزلی (۴۱۵). وی بفرمان صاحب بن عباد در محرم ۳۶۷ به سمت قاضی القضاتی شهرهای ری، قزوین، ابهر، زنجان، قم، دماوند و سهرورد منصوب شد. نسخه خطی این رساله در کتابخانه واتیکان به شماره ۱۲۰۸ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی، ص ۱۶۴۱/۱۲۲] - «مسئله مهدویت» (ترکی). اسماعیل حقی از میری حنفی (۱۳۳۰ هـ). این رساله بیانگر یک بحث کلامی پیرامون عقیده به مهدویت می باشد که در آن به بیست حدیث استناد شده و برخی از آنها مورد انتقاد قرار گرفته است. در مجله هفتگی «سبیل الرشاد» شماره ۲۸۵ سال ۱۳ بتاریخ ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۲ هـ در عهد خلافت عثمانی در استانبول منتشر گردیده. مؤلف از اهالی مناستر، مقیم استانبول، واعظ مسجد ایاصوفیا و عضو مجلس سنا بود که در ذیحجه ۱۳۳۰ هـ در گذشت. [معجم المؤلفین ۲/۲۶۶، کتابنامه حضرت مهدی، ص ۶۴۲/۱۲۳] - «مشاهده الآیات فی اشراف الساعه و ظهور الآیات». محمد بن مؤید حموی (۶۰۵) وی پدر مؤلف «فرائد السمطین» ابراهیم بن محمد بوده که در کتاب نامبرده (ج ۲ ص

۳۰۸) آنرا دوباره از پدرش نقل کرده. ۱۲۴- «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» یا «المورد الوردی فی حقیقه المهدی». نورالدین علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملاعلی قاری (۱۰۱۴)، صاحب «مراقه فی شرح المشکوه». این کتاب در ردّ بر فرقه مهدیه هند - پیروان سید محمد جونپوری هندی - است و بیانگر شرح حال و علامات مفصل مهدی موعود اسلام از روی احادیث صحیحه (همانند کتاب شماره ۵۹). چاپ سنگی قدیم در اسلامبول و نیز چاپ مطبوعه محمد شاهین در سنه ۱۲۷۸ هـ در قاهره. [تحفه اثنی عشریه دهلوی ص ۴۵؛ الاذاعه ص ۱۶۳؛ معجم المطبوعات ۱۷۹۴؛ مجله تراثا شماره ۲۰ بیانگر آدرس های پانزده نسخه خطی آن و مشخصات هریک می باشد.] ۱۲۵- «مشرق الا-کوان». سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴). نسخه مخطوط آن در کتابخانه پرفسور عبدالباقی گلپنارلی در قونیه موجود می باشد. [الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۱۴۷، کتابنامه حضرت مهدی ص ۶۴۸ بنقل از چند مورد از مندرجات ینابیع الموده او درباره حضرت مهدی] ۱۲۶- «مناقب المهدی». حافظ أبونعیم اصفهانی (۴۳۰). از نسخه آن اطلاعی بدست نیامد، اما حافظ گنجی شافعی در «البيان فی أخبار صاحب الزمان» تعداد پانزده حدیث، و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در «عقد الدرر» تعداد سیزده حدیث از آن نقل کرده اند. نیز کتابهای دیگر از مؤلف بنام «أربعون حدیثاً»، «صفه المهدی»، «کتاب المهدی» و «نعت المهدی»، در این مقال آورده ایم. ۱۲۷- «المهدی» یا «رساله فی المهدی». محمد بن اسحاق، صدرالدین قونوی صوفی شافعی (۶۷۳). موجود در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۴۸۴۹. [فهرست تحلیلی کتب عربی منتشر شده در مصر از قنواتی بشماره ۲۵۴ و الذریعه ۲۳/۲۹۰ بنقل از ارگین بشماره ۱۹۸] ۱۲۸- «المهدی». تألیف شمس الدین ابن قیم جوزیه (۷۵۱). [مقدمه ینابیع الموده بقلم علامه سید مهدی خرسان ص ۱۸] ۱۲۹- «مهدی آل الرسول». نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نخستین چاپ آن در ۴۰ صفحه جیبی بی تاریخ است. جهت آگاهی بر تعداد هشت نسخه خطی آن در کتابخانه های ترکیه مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی، ص ۷۰۰. ۱۳۰- «المهدی إلی ما ورد فی المهدی». شمس الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون دمشقی صالحی حنفی (۹۵۳). [الأئمه الاثنی عشر مؤلف، مندرج در الامام المهدی عند اهل سنه ۱۳۱/۲/۴۰۳- «المهدی» (رساله فی...)] ملا احمد بن حیدر ماورانی ازقراء شقلاوه عراق شمالی (۱۰۷۰). نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه صلاح الدین در بخش شمال عراق بشماره ۴۱۹/۳ مذکور در فهرست چاپ شده آن در ۱۴۰۸، ص ۲۸۸ [اهل البيت فی المكتبة العربیة علامه طباطبائی شماره ۷۸ ص ۶۲۹] ۱۳۲- «المهدی» (رساله فی...) ادريس بن محمد حمدون عراقی فاسی (۱۱۸۳) [فهرس الفهارس و الاثبات ۲/۱۹۹، اليواقیت الثمینه ۱/۹۶، سلوه الانفاس ص ۱۴۱] ۱۳۳- «المهدی» (رساله فی...) جعفر بن حسن بن عبدالکریم بن محمد بن عبدالرسول برزنجی مدنی (۱۱۸۷) [اهل البيت فی المكتبة العربیة علامه طباطبائی شماره ۷۸۳] ۱۳۴- «المهدی حقیقه لاخرافه». محمد بن أحمد بن اسماعیل (معاصر). چاپ چهارم کتابخانه تربیت اسلامی هلند در ۱۴۱۱ هـ در ۲۴۰ صفحه. این کتاب مشتمل بر احادیث مهدویت و بیانگر تواتر آنها، و صفات حضرت مهدی، راویان، ناقلان و مؤلفان درباره احادیث مهدی منتظر، اعتراف دانشمندان و رد بر مهدیهای ادعائی دروغین، علائم ظهور و اشراف ساعت است که مؤلف از منابع دست اول و مورد اعتماد اهل تسنن آنرا نگاشته، و خود هم از علمای سنی است. و این کتاب را بسال ۱۴۰۰ در مصر تألیف نموده و بعنوان چهارمین دفعه نیز در مصر تجدید چاپ شده. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۰۴-۷۰۵] ۱۳۵- «المهدی المنتظر». ابراهیم مشوخیصادر شده از مطبوعات مکتبه المنار در اردن [اهل البيت فی المكتبة العربیة، شماره ۷۸۹ ص ۶۳۱] ۱۳۶- «المهدی المنتظر» (رساله فی...) «شیخ عبدالحق بن سیف الدین بن سعدالله دهلوی حنفی بخاری (۱۰۵۲). [فهرس الفهارس و الاثبات، عبدالحق کتانی ۲/۱۲۵، کشف الأستار حاجی نوری ص ۳۰] ۱۳۷- «المهدی المنتظر». سید ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادیسی غماری (۱۳۸۰) برادر مؤلف «ابراز الوهم المکنون فی ردّ ابن خلدون». مشتمل بر یکصد و دو حدیث بواسطه سی و سه نفر از صحابه و پنج نفر تابعین، در ردّ منکرین احادیث مهدی و اثبات تواتر آن. چاپ عالم الکتب بیروت ۱۴۰۵ هـ ۱۹۸۴ م. ۱۳۸- «المهدی المنتظر بین الحقیقه و الخرافه». عبدالقادر احمد عطا. چاپ ۱۴۰۰ هـ دار العلوم للطباعه قاهره ۱۳۹- «المهدی المنتظر فی المیزان». عبدالمعطی

بن عبد المقصود. چ دار النشر للثقافة، اسکندریه مصر ۱۴۰ - «المهدی و اشراف الساعة». شیخ محمد علی صابونی. بار اول بسال ۱۴۰۱ هـ وسیله مکتبه الغزالی دمشق و بار دوم بسال ۱۴۱۰ هـ وسیله شركة الشهاب الجزائر به چاپ رسید. ۱۴۱ - «المهدی و المهدویة فی الاسلام». عبدالرزاق بن رشید الحصان (۱۳۸۴). [الأعلام زرکلی ۳/۳۵۲ بنقل از معجم المؤلفین العراقيين ۲/۲۵۹] ۱۴۲ - «المیمیه فی ظهور صاحب الزمان». محمد بن علی بن محمد طائی مشهور به محی الدین ابن عربی (۶۳۸). برخی از اشعارش را قندوزی در «ینابیع الموده» آورده است، و شرحش بنام «بیان الحق» از مؤلفین شیعه میباشد. ۱۴۳ - «نبذة من علامات المهدی». جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). چند نسخه خطی ازین کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است. [در جستجوی قائم ص ۷۲ و ۴۰۶] ۱۴۴ - «النجم الثاقب فی بیان أن المهدی من اولاد علی بن ابی طالب». شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی (۱۰۰۱). نسخه مخطوط آن - ۷۸ صفحه - در کتابخانه لاله لی سلیمانیه اسلامبول بشماره ۶۷۹ موجود است. و در تاریخ ۱۲۱۷ از طرف سلطان سلیم به کتابخانه یادشده اهداء گردیده است. و نسخه دیگرش در کتابخانه بیازید استانبول به شماره ۲۹۸۶ موجود میباشد و در ۱۷ ذیقعه ۹۹۷ در عهد مؤلف استنساخ گردید [کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۴۵ - ۷۴۶] ۱۴۵ - «الترهه». ولی الله دهلوی، پدر عبدالعزیز مؤلف «تحفه الاثنی عشریه» (۱۱۷۲). [کشف الأستار حاجی نوری ص ۱۴۶] ۱۴۶ - «نظره فی أحادیث المهدی» (در قالب مقاله). شیخ محمد خضر حسین، استاد دانشکده اصول الدین مصر (۱۳۷۷). ضمن «مجله الهدایة الاسلامیه» بسال ۱۳۶۹ و بعداً در «مجله التمدن الاسلامی» سوریه در محرم ۱۳۷۰ ضمن شماره های ۳۵ و ۳۶ چاپ و منتشر گردیده، نیز مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنه» ۲/۲۱۰ میباشد. ۱۴۷ - «نظریه الامامة». دکتر احمد محمود صبحی. شامل بحث امامت کلی و از آن پس امامت حضرت مهدی و چگونگی بهره برداری از وجود آن حضرت. [در جستجوی قائم ص ۷۳] ۱۴۸ - «النوافح القریبه الكاشفه عن خصائص الذات المهدیه». قطب الدین مصطفی بن کمال الدین بکری دمشقی صوفی حنفی (۱۱۶۲). [هدیه العارفين ۲/۴۵۰]؛ ایضاً المکنون ۲/۶۸۲] ۱۴۹ - «الوعاء المختوم فی السیر المکتوم، فی أخبار المهدی». محی الدین محمد بن علی عربی اندلسی (۶۳۸). [هدیه العارفين ۲/۱۲۱] ۱۵۰ - «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون». ابوالعباس بن عبدالؤمن مغربی. چاپ شده. [متن فتوائی شیخ محمد منتصر کتانی، مفتی فقه اسلامی مکه، مندرج در آخر رساله «أحادیث المهدی من مسند أحمد حنبل» ص ۱۶۳] ۱۵۱ - «الهدیه المهدویة» (بزبان اردو). ابوالرجاء محمد هندی حیدرآبادی (۱۲۹۰). در ردّ بر جونپوری مدعی مهدویت، و اثبات مشخصات حضرت مهدی منتظر است از گاه ولادت تا پایان عمر از دیدگاه حدیث. [الاداعه ص ۹۱] ۱۵۲ - «الهدیه الندیة للامة المحمّدیة، فیما جاء فی فضل الذات المهدیه» مؤلف کتاب النوافح القریبه شماره ۱۳۷ [ایضاً المکنون ۲/۷۲۸]؛ هدیه العارفين ۲/۴۵۰] [الأعلام زرکلی ۳/۳۵۲ بنقل از معجم المؤلفین العراقيين ۲/۲۵۹]

مدعیان دروغین مهدویت و کسانی که بدروغ نسبت مهدویت بدانها داده شده

همانطوریکه کمابیش بنظر خوانندگان رسیده و مصادر تاریخی و غیرتاریخی بیانگر شرح تفصیلی آنست که از آغاز بنیانگذاری اسلام تاکنون پیوسته افرادی با فریب و آلت دست قراردادن گروههایی از عوام، از روی دشمنی به رویارویی اسلام برخاسته و با قتل و غارت و هرج و مرج و اسارت و زندانی نمودن مسلمانان، و ضدیت با احکام اسلام و تکیه زدن بر کرسی ریاست، چند صباحی خودنمائی نموده و بالاخره به زباله دان تاریخ گسیل شده و می شوند و نمونه آنها - که خود آلت دست استعمارگران خارجی یهودی و مسیحی و عامل اجرائی اهداف شوم آنها بودند - رضا شاه پهلوی در ایران و کمال اتاترک در ترکیه و جمال عبدالناصر در مصر و صدام تکریتی در عراق و دیگران در دیگر مناطق مسلمان نشین بوده و می باشند. افرادی هم به هوای ریاست از طریق سوءاستفاده از احادیث مربوط به مهدی موعود و تحریف آنها و فریب دادن افراد ساده لوح زودباور را به دعوی مهدویت و مقام امامت برخاستند و بدون آنکه قیام آنها نشانگر سرنخی از مقام امامت یا مقرون به کوچکترین علامت از علائم ظهور مهدی

موعود باشد، یا کمترین درجه از برقراری قسط و عدل جهانی (مورد وعده پیامبر بدست حضرت مهدی) را ارائه دهند - بلکه مردم را دچار تفرقه و جدائی از اسلام کردند - چند روزی خود را به عنوان مهدی موعود منتظر جا اندازی و قلمداد نمودند، اما بالاخره مشیت خیانت آنها هم باز شد و ادعای دروغین و بی محتوایشان کشف و آنها هم پس از چندی به زباله دان تاریخ رهسپار شدند. همچنانکه عده ای هم با زمینه سازی مرحله به مرحله مقام امامت و عنوان مهدی منتظر نخست دعوی بابت از ناحیه مهدی حقیقی می کردند و همینکه افراد و گروهائی فریب خورده بدانها می گرویدند، دعوای مهدویت را مطرح و گسترش می دادند. افراد و گروهائی هم بر اثر برخورد به اخباریکه از ناحیه خبر گذاران صادق امین درباره مهدی موعود و اسلام بدانها رسیده بود و از نظر فراوانی بدان درجه برای آنان یقینی شده و دماغشان آماده برای پرورش اینگونه افکار گردیده بود، که بسا نسبت مهدویت را به کسی که او خود چنین دعوائی نداشت و از این دعوی بیزاری می جست می دادند. اکنون برای روشن شدن مطلب نام بعضی از مدعیان دروغین مهدویت یا غیر مدعیان مورد نسبت را بطور فهرست بنظر خوانندگان میرسانیم و علاقمندان به آگاهی بر مشخصات تفصیلی هریک را به مصادر مربوطه ارجاع میدهیم: ۱- امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرقه سبائیه، پیروان عبدالله بن سبا (که بموجب اثر تألیفی علامه محقق عسکری اصل وجودش ساختگی و بدور از حقیقت و واقعیت بوده) حضرتش را مهدی خواندند و پنداشتند کشته نشده و تا آخر الزمان باقی است و خروج میکند [۱۶]. ۲- محمد بن حنفیه، که فرقه کیسانیه پنداشتند وی بعد از حسین بن علی امام و همان مهدی موعود است و در کوه رضوی بسر میرد و از آنجا ظهور و قیام نماید [۱۷]، بدون آنکه او چنین ادعائی کرده باشد. ۳- محمد بن عبدالله محض بن حسن بن حسن بن علی، معروف به نفس زکیه که پاره ای از جارودیّه وی را مهدی دانسته و در سنه ۱۴۵ هـ از مدینه به مهدویت برخاست و بدسیسه منصور دوانیقی کشته شد [۱۸]. ۴- ابو جعفر محمد بن عبدالله فرزند منصور دوانیقی که خود منصور هم از روی رقابت با نفس زکیه مردم را دعوت به مهدویت او می کرد [۱۹]. ۵- عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی که سعید بن مسیب قائل به مهدویت او شد [۲۰]. ۶- ابو مسلم خراسانی که پاره ای از فرقه «خرّمیه» پیروان اتابک خرّمی پنداشتند او همان کسی باشد که باید زمین را پر از عدل و داد کند و کشته شدنش را بدست منصور دوانیقی تکذیب نمودند و بانتظار ظهورش بسر می بردند [۲۱]. ۷- امام جعفر بن محمد الصادق (امام ششم شیعیان) که ناووسیه معتقد به مهدویت آن حضرت شدند [۲۲]، اما اصل مقام امامت حضرتش را بدست فراموشی سپردند. ۸- محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین که جارودیّه زیدیه به مهدویت او گرایش جستند و در ایام معتصم در طالقان قیام نمود و کشته شد و آنها پنداشتند کشته نشده و بعد از این ظهور خواهد کرد [۲۳]. ۹- امام موسی بن جعفر (امام هفتم شیعیان) که فرقه واقفیه قائل به مهدویت آن حضرت شدند [۲۴]. ۱۰- محمد بن علی عسکری، برادر امام حسن عسکری، که طایفه محمدیه بعد از وفات آن حضرت قائل به امامت و مهدویت وی گردیدند [۲۵]. ۱۱- امام حسن عسکری (امام یازدهم شیعیان) که گروهی اعتقاد به مهدویت حضرتش پیدا کردند [۲۶]. ۱۲- جعفر بن علی برادر دیگر امام حسن عسکری که عده ای قائل به امامت و مهدویت او گردیدند و خود نیز مدعی مهدویت بود [۲۷]. ۱۳- عبدالله بن معاویه بن عبدالله جعفر بن ابی طالب که عده ای از مردم وی را مهدی دانسته و گفتند وی زنده است و در کوههای اصفهان بسر می برد و البته ظاهر خواهد شد، و او همان کسی بود که در ایام حکومت مروان بن محمد در فارس قیام کرد و ابو مسلم پس از مدتی که او را زندانی کرده بود بکشت [۲۸]. ۱۴- یحیی بن عمر از اعقاب زید بن علی که در ایام مستعین بالله خلیفه عباسی سنه ۲۵۹ در کوفه قیام کرد، پس او را کشتند و سرش را از تن جدا نمودند و بعض جارودیّه قائل به مهدی منتظر بودن او بودند [۲۹]. ۱۵- موسی بن طلحه بن عبدالله که در زمان مختار بن ابی عیینه در بصره قیام کرد و عده ای بعنوان مهدویت بدو گرویدند [۳۰]. ۱۶- عبدالله مهدی بود که بنوشته قرمانی: خود را فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا - یعنی فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان - معرفی کرد. و بنوشته فخری بعنوان ابو محمد عیدالله بن احمد بن اسماعیل از اعقاب امام جعفر معرفی نمود. و بنوشته دیگران رشته نسبش غیر از دو رشته مذکور است و بطور خلاصه در اصل

ارتباطش با سادات و بر فرض ثبوتش در چگونگی آن اختلاف شدید است. وی در سنه ۲۹۷ هـ بعنوان مهدویت از افریقا بپا خواست و دولت فاطمین را تشکیل داد که پس از گذشتن ۲۷۰ سال منقرض گردید. هم او بود که شهر مهدیه را در یکی از سواحل تونس برقرار کرد و هم اکنون پرچم فرانسه بر فراز آن در اهتزاز است [۳۱]. ۱۷- محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی معروف به مهدی هرغی از قبیله مصامده که در جبال اطلس مراکش سکونت داشتند، در سال ۴۹۷ هـ به مهدویت برخاست و تشکیل سلسله «الموحدین» را داد و بر اسپانیا استیلا و تسلط یافت [۳۲]. ۱۸- الناصر لدین الله که از جمله خلفای عباسی و متولد حدود سنه ۵۵۰ هـ بود، سبط ابن تعاونی وی را بعنوان مهدی منتظر بودن بدین دوشعر ستوده: انت الامام المهدی لیس لنا امام حق سواک ینتظر تبدو لابصارنا خلاقاً لان یزعم ان الامام منتظر [۳۳]. ۱۹- مردی به نام عباس فاطمی در پایان قرن هفتم بین ۶۹۰ و ۷۰۰ در میان غمازه خروج کرد و مدعی شد فاطمی منتظر است و جمعیت انبوهی از غمازه براو گرد آمدند و در پایان امر کشته شد [۳۴]. ۲۰- شخصی که معروف به تویزری منسوب به تویزر از نحله صوفیه بود از رباط ماسه خروج کرد و مدعی مهدی فاطمی بودن شد و بسیاری از اهل سوس و غیره بدو گرویدند و کارش آنچنان بالا گرفت که سران مصامده ترسیدند و او را کشتند. این قضیه در آغاز قرن هشتم - در عصر سلطان یوسف بن یعقوب - بوقوع پیوست [۳۵]. ۲۱- اسحاق سبتی زوی بود که در دوران سلطنت سلطان محمد چهارم از سلاطین عثمانی بسال ۹۸۶ هـ به امر مهدویت قیام کرد و اصولاً- ترک و از اهالی از میر بود [۳۶]. ۲۲- شخصی بود که در سنه ۱۲۱۹ هـ در مصر قیام به مهدویت نمود و اصولاً زاده طرابلس بود و طولی نکشید با لشکری که از فرانسه آمده بود بجنگید و با عده ای از هواخواهان خود کشته شد [۳۷]. ۲۳- محمد احمد بود که در سال ۱۲۶۰ هـ در سودان قیام نمود و از قبیله دنقله در جزیره «نبت» مقابل «دنقلا» و بگفته بعضی در «حنک» متولد شده بود [۳۸]. ۲۴- مردی بود که در رباط عبادیه دور او گرد آمدند و بعنوان فاطمی منتظر بودن دیگران را به مهدویت خود دعوت کرد و اصولاً- از نسل و نژاد پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود [۳۹]. ۲۵- احمد بن احمد کیال بود که نخست مردم را بمقام امامت خود دعوت کرد، سپس بعنوان مهدویت قیام نمود و طائفه کیالیه را تشکیل داد [۴۰]. ۲۶- محمد مهدی سنوسی فرزند شیخ محمد سنوسی بود که در اواسط قرن نوزده مسیحی از مغرب زمین برخاست و قبل از مرگ با اشاره باینکه خود او مهدی منتظر نیست بلکه او از این پس خواهد آمد نفی مهدویت خویش نمود و شاید مقصودش از خیر آمدن بعد از این، قیام پسرش بود [۴۱]. ۲۷- میرزا غلام احمد قادیانی بود که در اوائل قرن نوزده میلادی سنه ۱۸۲۶ از پنجاب هندوستان قیام کرد و با سیکهای آن سرزمین بر مبنای ادعای نبوت بجنگید و فرقه قادیانی را که هم اکنون دارای پیروانی در هند است تشکیل داد [۴۲]. ۲۸- سید احمد پسر محمدباریلی بود که او را مهدی وهابی نیز گویند، تولدش بسال ۱۲۲۴ در یکی از شهرهای هندوستان به نام «بریلی» اتفاق افتاد، پس در خلال نیمه اول از سده سیزده از بین فرقه وهابی در هند قیام به نشر آن مذهب سخیف نمود و به عنوان یکی از اولاد امام حسن بن علی (امام دوم شیعیان) خود را شهرت داد سپس بر علیه هندوها و سیک های پنجاب هند اعلام جنگ نمود و با برافروخته شدن آتش جنگ مغلوب و کشته شد و بالاخره با تبلیغاتی که داشت و انتشار می داد زمینه برای قیام احمد قادیانی نامبرده مستعد و موجبات نفوذ برای وی بیشتر فراهم شد [۴۳]. ۲۹- علی محمد شیرازی معروف به باب پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و متولد همان شهر بسال ۱۲۳۵ از زنی به نام خدیجه بود، وی از کمالات علمی و ادبی جز زبان فارسی که در شیراز نزد معلمی به نام شیخنا آموخته بود و مقدار کمی هم صرف و نحو خوانده بود بهره دیگری نداشت و بیشتر اهتمام در رشته ریاضت و انجام امور شاقه به منظور تسخیر جن و روحانیات داشت و بالاخره پس از مدتی بسر بردن در بندر بوشهر رفته رفته دچار خشکی دماغ و خستگی مغز گردید، پس از بوشهر به کربلا رفت و از تابعین شیخ احمد احسائی شد و با سید کاظم رشتی که از شاگردان و مروجین احسائی بود و در بافندگی و جاهم اندازی اباطیل و خرافات مهارتی بسزا داشت مصاحبت نمود [۴۴]، پس از فوت احسائی و سید کاظم رشتی به شاگرد دیگر احسائی حاج کریم خان (مؤسس فرقه ضاله شیخیه که عنوان رکن رابع بودن را مطرح نمود) پیوست، و نخست به عنوان باب او و خلیفه الخلیفه سر برافراشت و چون آوازه اش بلند شد و قدری بر سر

زبانها افتاد خود را به باب مهدی منتظر معرفی نمود. سپس دم از استقلال و مهدویت زد و چون متوجه شد به قول عوام «خر فراوان است» و مریدانی از خود جاهل تر و احمق تر به دورش گرد آمدند دعوی نبوت را مطرح نمود و بافته هایی را - به عنوان وحی الهی و آیات آسمانی که خالی از معنا و عاری از قانون ادب و محاوره و برخلاف منطق و در حقیقت بهترین سند حماقت و فساد عقلی او و پیروانش بود - انتشار داد و در پایان جنون او شدت یافت و هوس خدائی و الوهیت پیدا کرد که کتاب «البیان» وی بهترین شاهد و بیانگر کفریات اوست. توضیحا چون سیاست اجانب پشتیبانی از وی را مقتضی دید با نفوذی که در داخله مملکت ایران داشت موجبات تقویت و گسترش فساد او را با هزینه تبلیغاتی و جلوگیری از تعرض دیگران بر عهده گرفت تا آنجا که با تحلیل هرگونه حرامی و آزادی در ارتکاب هرگونه بدعت و عمل نامشروع عده ای از عوام الناس و افراد سفله و بی بند و بار فریب او را خوردند و بدو پیوستند. در آغاز امر علما و روحانیون آن عصر بخاطر راه و رسم جنون آمیزی که از وی به نمایش درآمد از حکم به قتل او خودداری و استتکاف نمودند و چون هر روز شراره های فتنه او گسترش مییافت، بمنظور جلوگیری از شَرش و مصونیت مردم از آتش فتنه و بیراهه بری وی لازم دانستند حکم قتلش را صادر نمایند همچنانکه فتوی به کفر و نجس بودن بهائی ها و ممنوعیت ازدواج با آنها را صادر نمودند. از طرفی هم چون فتنه او مقام سلطنت را تهدید می کرد حکم قتلش عملاً تأیید و با به دار آویختن و اعدامش معلوم شد او هم یکی از مهدی های دروغین بود که نخست بدست عوامل روس رشد و پرورش یافت و بعد از موجودیت او که کانون فساد از آب درآمد انگلیسی ها از وی بهره برداری نمودند و بالاخره ملیونها نفر مسلمان ضعیف و خوش باور را از اسلام و تشیع جدا کرده گرایش به کفر دادند [۴۵]. آری متأسفانه - با اینکه بر اثر سقوط شاه طرفدار آنها و برقراری جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط سلطنت که یک بُعدش سوء استفاده هرچه بیشتر بهائی گری از قدرت آن بود بساط آزادی و رسمیت بهائی گری در ایران برچیده شد - هنوز این رشته باطل کم و بیش سر دراز دارد و از طریق عوام فریبی در گوشه و کنار بدین روش باطل کفر آمیز ادامه می دهند. و اما کسانی که در عصر ائمه اطهار علیهم السلام به دروغ مدعی بابت و نیابت و سفارت از طرف حضرت بقیه الله محمد بن الحسن العسکری عج شدند، پس محدث عالیقدر شیعه شیخ طوسی تعداد هشت نفر را معرفی نموده که ما بخاطر اختصار به ذکر نام آنها بسنده کرده و خواستاران شرح حال تفصیلی آنها را به کتاب «الغیبه» محدث نامبرده ارجاع می دهیم: ۱- ابومحمد حسن معروف به شریعی از اصحاب امام هادی و امام عسکری بود که به دعوی بابت از ناحیه حضرت مهدی برخواست و از آن ناحیه تویق در لعن وی صادر گردید. ۲- محمد بن نصیر نمیری. ۳- احمد بن هلال کرخی. ۴- ابوطاهر محمد بن علی بن بلال. ۵- حسین بن منصور حلاج صوفی که ابوالقاسم بن روح یکی از وکلای امام زمان در عهد غیبت صغری به امر امام دستور مهدور الدم بودنش را صادر نمود، نیز بحکم علما تکفیر شد، اما در نظر صوفیه دست کمی از مقام نبوت نداشته و ندارد بلکه دعوی خدائی هم از وی سرزد و بالاخره محکوم به اعدام شد. [خیراتیه ج ۱ ص ۱۵۹ - ۱۶۱] ۶- ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر. ۷- ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری (نایب دوم از نواب اربعه حضرت مهدی). ۸- ابودلف - رفیق ابوبکر بغدادی - [۴۶]. در پایان این مقال توجه خوانندگان را بدین نکته جلب و یادآور می شویم که از بررسی احوال نامبردگان و کسانی که پیروی از آنها می کردند یا مهدویت را به کسی که خود مدعی نبود نسبت می دادند معلوم و محقق میشود که اصل موضوع مهدویت در اسلام و عقیده به ظهور و قیام مهدی موعود و برقرار شدن انقلاب اسلامی جهانی و عدل و داد سراسری بدست او پدیده یک سلسله آیات شریفه قران و فرموده های پیامبر اکرم و بعضی از صحابه الهام گیرنده از ان حضرت است که مورد اتفاق سنی و شیعه می باشد، و بر اساس همین آیات و احادیث و پیشگوییها و هشدارها بود که مردم از باستان زمان آماده برای ظهور مهدی موعود منتظر و چشم براه او بوده اند و مهدی های دروغین و نواب های قلابی و ادعایی هم از این رهگذر سوء استفاده نموده و بعنوان مهدی و نایب مهدی قیام نموده و هردسته و گروهی فریب یکی از اینها را خورده و به پیروی و ترویجش می شتافتند پس اگر عنوان مهدویت اصالت اسلامی نداشت نه مدعیان دروغین می توانستند آن را

مطرح و وسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند، و نه عوام و پیروان مهدی های ادعایی سرنخی در دست داشتند که بدانها معتقد و علاقمند شوند و از آنان پیروی نمایند. بطور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود که فریب دهندگان آن را سرنخ دعوی مهدویت قرار دادند و فریب خوران هم آن را سرنخ گرایش به مهدی های ادعایی و دروغین قلمداد نمودند و کار هر دو دسته به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد.

کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب کند و دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده

از جمله فرموده های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در رابطه با مهدی منتظر و خروج آن حضرت این دو حدیث است که هریک بیانگر کفر کسی باشد که ظهور و خروج او را انکار یا حضرتش را تکذیب نماید: ۱- عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله (ص): «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد...» ۲- «... و من کذب المهدی فقد کفر» و اما مصادر نقل آنها پس بدین قرار است: ۱- «فوائد الاخبار» ابوبکر احمد بن محمد اسکافی یا اسکاف (۲۶۰) به نقل مصادر مورد اشاره ذیل ۲- «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» حافظ ابوبکر بن خیثمه - احمد بن زهیر بن حرب نسائی (۲۷۹) به نقل سید محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعه...» ص ۱۳۷۳- «معانی الاخبار» ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی بخاری (۳۸۰) نیز بنقل مصادر ذیل ۴- «روض الانف و شرح السیره» ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی (۵۸۱) ج ۲ ص ۴۳۱ از مالک بن انس از محمد بن منکدر از جابر ۵- «عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر» یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (۶۸۵) ص ۱۵۷ به نقل از «فوائد الاخبار» از اسکافی و «شرح السیره» ابوالقاسم سهیلی. ۶- «فراند السمطین» شیخ ابراهیم بن محمد حموی (۷۳۰) ج ۲ ص ۳۳۴ شماره ۵۸۵ به نقل از ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی - مؤلف «معانی الاخبار» ۷- «لسان المیزان» ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) ج ۵ ص ۱۴۷ چاپ مصر و ص ۱۳۰ چاپ حیدرآباد به نقل از «معانی الاخبار» کلاباذی ۸- «العرف الوردی فی اخبار المهدی» جلال الدین سیوطی (۹۱۱) ص ۱۶۱ بنقل از «فوائد الاخبار» اسکافی، ۹- «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر شافعی مکی (۹۷۴) ص ۵۶ عکس نسخه خطی مکتبه ظاهریه شام در کتابخانه آیت الله مرعشی قم بنقل از فوائد الاخبار اسکافی و شرح السیره ابوالقاسم سهیلی ۱۰ - نیز در «الفتاوی الحدیثیه» ابن حجر مکی ص ۳۷ و برحسب چاپ مندرج در الامام المهدی ص ۳۳۲۱۱- «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی (۹۷۵) پایان باب سیزدهم کتاب، بنقل از یحیی بن محمد حنفی ضمن فتوای او (در ردّ مهدی دروغین جونپوری) صادر در سنه ۹۵۲ هـ. ۱۲- «لوائح الانوار الالهیه...» شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) ج ۲ بخش ویژه حضرت مهدی تحت عنوان «فائده الخامسه» بنقل از حافظ اسکافی (مؤلف فوائد الاخبار) از جابر بن عبدالله با تعبیر به مرضی و پسندیده بودن سند آن. ۱۳- «ینایع الموده» سلیمان بن ابراهیم قندوزی (۱۲۹۴)، آغاز باب ۷۸ بنقل از جابر بن عبدالله انصاری ۱۴- «الاذاعه لما کان و مایکون بین یدی الساعه» سید محمد صدیق قنوجی بخاری (۱۳۰۷) ص ۱۳۷ بنقل از «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» ابن خیثمه و «فوائد الاخبار» اسکافی ۱۵- «المهدی المنتظر» ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق مغربی ادیسی (۱۳۰۸) ص ۹۴، به نقل از «فوائد الاخبار ابوبکر اسکافی» فهرست ۶۷ متن حدیثی، تاریخی و کلامی پیرامون حضرت مهدی منتظر (عج) مندرج در کتاب «الامام المهدی عند اهل السنه» الجزء الأول: ۱- المصنف... لعبدالرزاق بن همام (المتوفی ۲۱۱) ۲- مصنف... للحافظ عبدالله بن محمد بن ابی الجاشیة الکوفی (۲۳۵) ۳- السنن... لابن ماجه القزینی (۲۷۳) ۴- السنن... لأبى داود السجستانی (۲۷۵) ۵- السنن... للترمذی (۲۹۷) ۶- البدء و التاريخ... للمقدسی (بعد ۳۵۵) ۷- المعجم الكبير... للطبرانی (۳۸۸) ۸- معالم السنن... لأبى سلیمان الخطابی (۳۸۸) ۹- مستدرک الصحیحین... للحاکم النشابوری (۴۰۵) ۱۰- فردوس الاخبار... لشیرویه بن شهردار الدیلمی (۵۰۹) ۱۱- مصابیح السنه... للبعغوی (۵۱۶ - ۵۱۰) ۱۲- جامع الاصول... لابن اثیر الجزری (۶۰۶) ۱۳- الفتوحات المکیة... لمحی الدین بن

عربی (۶۳۸) ۱۴ - مطالب السئول ... لابن طلحة الشافعی (۶۵۲) ۱۵ - تذکره خواص الأئمة ... لسبط ابن جوزی (۶۵۴) ۱۶ - شرح نهج البلاغه ... لابن أبي الحديد (۶۵۵) ۱۷ - مختصر سنن أبي داود ... للمندری (۶۵۶) الشافعی (۶۵۸) الشافعی (بعد ۶۵۸) ۲۰ - تذکره القرطبی ... لمحمد بن أبي بكر القرطبی (۶۷۱) ۲۱ - وفيات الأعيان ... لابن خلكان الإربلی (۶۸۹) ۲۲ - ذخائر العقبی ... لمحي الدين الطبري (۶۹۴) ۲۳ - فرائد السمطين ... للحموي الخراساني (۷۳۲) ۲۴ - مشكاة المصابيح ... للخطيب التبريزي (۷۳۷) ۲۵ - تلخيص «المستدرک حاکم ...» حافظ ذهبي (۷۴۸) ۲۶ - خريدة العجائب ... لسراج الدين ابن الوردی (۷۴۹) ۲۷ - المنار المنيف ... لابن قيم الجوزية الحنبلي (۷۵۱) ۲۸ - الفتن و الملا-حم ... لابن كثير الدمشقي (۷۷۴) ۲۹ - مودة القربى ... للسيد علي الهمداني (۸۷۶) ۳۰ - شرح المقاصد ... لسعد الدين التفتازاني (۷۹۳) ۳۱ - مجمع الزوائد ... لنورالدين الهيثمي الشافعی (۸۰۷) ۳۲ - موارد الظمان ... لنورالدين الهيثمي الشافعی (۸۰۷) ۳۳ - الفصول المهمة ... لابن الصبغ المالکی (۸۵۵) ۳۴ - العرف الوردی ... للسيوطی الشافعی (۹۱۱) ۳۵ - الأئمة الإثني عشر ... لابن طولون الدمشقي (۹۵۳) ۳۶ - اليواقيت و الجواهر ... لعبد الوهاب الشعراني (۹۷۳) ۳۷ - الصواعق المحرقة ... لأحمد بن حجر الهيثمي (۹۷۴) ۳۸ - الفتاوى الحديثية ... لأحمد بن حجر الهيثمي (۹۷۴) ۳۹ - القول المختصر في مهدي المنتظر ... لابن حجر المكي الهيثمي (۹۷۴) ۴۰ - كنز العمال ... لعلاء الدين المتقي الهندي (۹۷۵) ۴۱ - البرهان في اخبار صاحب الزمان ... لحسام الدين المتقي الهندي (۹۷۵) ۴۲ - مرقاة المفاتيح شرح المصابيح ... لعلي القاري الحنفي (۱۰۱۴) ۴۳ - أخبار الدول و آثار الأول ... لأحمد الدمشقي القرمانی (۱۰۱۹) ۴۴ - الإشاعة من أشراف الساعة ... لمحمد بن عبدالرسول البرزنجي (۱۱۰۳) ۴۵ - فتح المنان شرح الفوز و الامان ... لأحمد بن علي الميني (۱۱۷۳) الجزء الثاني: ۴۶ - لوائح الأنوار الإلهية ... لشمس الدين السفاريني (۱۱۸۸) ۴۷ - اسعاف الراغبين ... لمحمد الصبان الشافعی (۱۲۰۶) ۴۸ - ينابيع الموده ... لسليمان القندوزي (۱۲۷۰) ۴۹ - نور الابصار ... للسيد مؤمن الشبلنجي (بعد ۱۲۹۰) ۵۰ - مشارق الانوار ... للشيخ حسن الخمرای المصري (۱۳۰۳) ۵۱ - الاذاعة لما كان و ما يكون للسيد محمد صديق القنوجي (۱۳۰۷) ۵۲ - القطر الشهدي في أوصاف المهدي ... لشهاب الدين الحلواني (۱۳۰۸) ۵۳ - العطر الوردی في شرح القطر لمحمد البليسي الشافعی (۱۳۰۸) ۵۴ - غالية المواعظ ... لخيرالدين الالوسي الحنفي (۱۳۱۷) ۵۵ - فيض القدير شرح الجامع الصغير ... لعبد الرؤف المناوي (۱۰۳۱) العظيم آبادي (المتولد ۱۲۳۷) ۵۷ - نظم المتناثر ... لمحمد بن جعفر الكتاني (۱۳۴۵) ۵۸ - تحفة الأ-حوذی ... لمحمد بن عبدالرحمن المباركفوري (۱۳۵۴) ۵۹ - نظرة في أحاديث المهدي ... لشيخ الأزهر محمد الخضر حسين (۱۳۷۷) ۶۰ - التاج الجامع للاصول ... للشيخ منصور علي ناصف (۱۳۷۱) ۶۱ - إبراز الوهم المكنون ... لأحمد بن صديق المغربي (۱۳۸۰) ۶۲ - المهدي المنتظر ... لابن صديق البخاري الغماری (۱۳۸۰) ۶۳ - حول المهدي ... للشيخ ناصرالدين الآباني (المعاصر) ۶۴ - عقيدة أهل السّنة للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر) ۶۵ - ذيل «عقيدة أهل السّنة ...» للشيخ عبدالعزيز بن باز (المعاصر) ۶۶ - الرد على من كذب بالأحاديث المهدي ... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر) ۶۷ - عقيدة المسيح الدجال ... لسعيد ايوب (المعاصر)

فتاوی چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنی درباره منکرین مهدی منتظر

نظر به اینکه در اوائل سده دهم هجری شخصی بنام محمد جونپوری با فریب دادن مردم عوام سنی به عنوان مهدی منتظر در سرزمین هند قیام کرد و گروههایی از عوام فریب خور بدو گرویدند و بالاخره کم کم موضوع مهدویت او مسئله آفرین شد، اهل تسنن از چهارنفر از علمای سنی درباره شخصیت مهدی و مهدویت جونپوری استفتاء و نظرخواهی شرعی نمودند. آنها هم با تکیه و استناد به احادیثی که بیانگر علائم ظهور مهدی موعود منتظر است و شخص مدعی مهدویت هم فاقد شرایط امامت بود و هم ظهورش غیر مقرون به علائم ظهور حضرت مهدی، او را تخطئه و رد نموده و حتی خود و پیروانش را - بر اساس بیراهه روی و تکفیر مسلمانان مخالف با وی - تکفیر و محکوم به ارتداد و اعدام کردند. اکنون ما بخاطر رعایت اختصار از ذکر متون آن فتاوی معذرت خواسته

ولی در رابطه با موضوع بحث که در رد و رهنمون منکران حضرت مهدی و تخطئه کنندگان احادیث پیرامون آنحضرت خلاصه می شود خواستاران آنرا به کتاب «البرهان» متقی هندی (باب سیزدهم) که در رد محمد جونپوری و مشتمل بر فتاوی مذکور است ارجاع می دهیم تا خود با ملاحظه آن فتاوی پی به واقع امر و مخالفت جدی علمای سنی با منکرین آنحضرت برند و در شناخت مهدی راستین اسلام از مهدی های دروغین هر عصر و زمانی دچار اشتباه نشوند. مهدی فقیه ایمانیرمضان المبارک ۱۴۱۷

پاورقی

[۱] «مهدی منتظر را بشناسید» تالیف نگارنده این مقاله - مهدی فقیه ایمانی - چاپ ۱۳۸۴ هـ - اصفهان، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عج است. ۲- «کتابنامه امام المهدی» نشریه یکی از مساجد تهران (صندوق پستی ۲۲۲۳، تهران) شامل معرفی ۳۵۵ جلد کتاب می باشد که به طور اختصاصی یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعضی شئون آن حضرت است. ۳- «در جستجوی قائم» بیانگر اسامی ۱۸۵۰ جلد کتاب می باشد که تعداد ۴۲۹ جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی های کلامی، حدیثی، تاریخی و غیره درباره حضرت بقیه الله مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال ۱۳۷۰ هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است. ۴- و از همه پرمایه تر «کتابنامه حضرت مهدی عج» از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور است ۲ جلد شامل معرفی ۲۰۶۶ جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و زبانی و موضوعی هر یک ذکر شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده، و راهگشای محققین و مؤلفین می باشد.

[۲] توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت، و پس از تنظیم این ردیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» (Ehl - i Beyt mesajI) شماره ۱۵، چاپ ترکیه چاپ و منتشر گردید. بدین وسیله از مسؤلان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق بیش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

[۳] نظره فی احادیث المهدی، مندرج در مجله التمدن الاسلامی، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدی عند اهل السنه.

[۴] مقال حول المهدی مندرج در دو مصدر فوق.

[۵] توضیحا کتاب «شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی» چ ۱۴۱۲ هـ در ۵۴۶ صفحه وزیری، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق است از دیدگاه اهل تسنن.

[۶] بحار الانوار ۲۳/۷۶ - ۹۵ چاپ دوم، ودرچ امین الضرب قدیم ۷/۱۶ - ۲۰.

[۷] توضیحابخشی از این کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم در سال ۱۴۰۳ بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی و وسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده، ولی موقع تنظیم این رساله دردسترس نگارنده نبود تابدان مراجعه وبلاواسطه از آن نقل شود.

[۸] به نقل سید بن طاووس در «طرائف» ص ۲۱۰ ضمن شماره ۳۰۵، و «ندیم الفرید» بعنوان «ندیم الأحباب و جلیس الأصحاب» نسخه خطی آن در کتابخانه مغنيسا از بلاد ترکیه بشماره (۱۲۱۰) موجود است. (اعلام زرکلی ۱/۲۱۲).

[۹] تذکره قرطبی ص ۷۰۱ - تهذیب الکمال حافظ مزی ۲۵/۱۴۶ ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی. - منار المنیف ابن قیم جوزیه حنبلی ص ۱۴۲ - تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ۹/۱۲۵ ذیل شرح حال محمد بن خالد و احتجاج بکلام ابری در رد بر او. - فتح المغیث سخاوی (بنقل نظم المتناثر کتانی ص ۱۴۴). - مصباح الزجاجة سیوطی (بنقل عطر الوردی بلیسی ص ۴۵) و عرف الوردی ص ۱۶۵. - صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷. - البرهان متقی هندی باب دوازدهم. - فرائد الفکر فی الإمام

المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی (بنقل لوائح الأنوار سفارینی ص ۲۳). - الإشاعه برزنجی ص ۸۷. - شرح المواهب اللدنیه زرقانی (بنقل المتناثر کتانی ص ۱۱۴). - لوائح الأنوار البهیة سفارینی - مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنّة ۲/۲۳ - اسعاف الراغبین صبان ص ۱۴۰. - نور الأبصار شبلنجی ص ۱۷۱. - نظم المتناثر کتانی ص ۲۲۸. - عقیده اهل السنّة و الاثر عبدالمحسن عباد - مندرج در الإمام المهدی عند اهل السنّة ۲/۴۰۲ - الإحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر تویجری ص ۲۸ و ۱۴۳ و ۳۰۱. - المهدی المنتظر ابن صدیق غماری ص ۷.

[۱۰] توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده، ولی سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی و تنظیم و به «العرف الوردی فی اخبار المهدی» نامگذاری و به ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه «الحاوی للفتاوی» را ارائه داده که بسال ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م در مصر چاپ و منتشر گردیده، و از علمای شیعه اربلی در «کشف الغمه»، بحرانی در «غایة المرام» و علامه مجلسی دوم در «بحارالانوار» (ج ۱ ص ۷۸ - ۸۵) و عاملی در «اعیان الشیعه» (جزء ۴ بخش ۳) و بلاغی در «حجت بالغه» و مؤلفین «نامه دانشوران» در ج ۲ این کتاب آن را درج نموده اند.

[۱۱] این روایت را در مناقب نیافتیم ولی در مقتل ج ۱ ص ۱۴۶ ذکر شده.

[۱۲] این کتاب تألیف این ضعیف، شامل ۵۶ متن حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی (عج)، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

[۱۳] جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به «الذریعه» ۲۳/۲۳۳، و «معجم المؤلفین» ۶/۲۰.

[۱۴].

[۱۵] این کتاب کراراً در حاشیه «نورالابصار» شبلنجی، ویکبارهم در حاشیه «مشارق الانوار» حمزوی در مصر به چاپ رسیده است.

[۱۶] ملل و نحل شهرستانی ۲/۱۱، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، المهدیه فی الاسلام ص ۹۳.

[۱۷] غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، مقدمه ابن خلدون ص ۲۱۹، ملل و نحل شهرستانی ۱/۲۰۰، المهدیه فی الاسلام ص ۱۰۳.

[۱۸] مقدمه ابن خلدون ص ۲۲۲، تاریخ فخری ص ۱۴۸، مجله الهلال مصر جلد ۱۷ سال ۴ صفحه ۶۴۳.

[۱۹] المهدیه فی الاسلام ض ۱۱۷.

[۲۰] طبقات ابن سعد ۵/۲۴۵، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴.

[۲۱] المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴.

[۲۲] ملل و نحل شهرستانی ۲/۳، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲.

[۲۳] المهدیه فی الاسلام ص ۱۲۵.

[۲۴] ملل و نحل شهرستانی ۲/۴، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸.

[۲۵] غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸.

[۲۶] ملل و نحل شهرستانی ۲/۷، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۲۲۰.

[۲۷] غیبت شیخ طوسی ص ۲۲۲ و ۲۲۵ - ۲۲۷ و ۲۸۷.

[۲۸] المهدیه فی الاسلام ص ۴۸.

[۲۹] المهدیه فی الاسلام ص ۱۳۵.

[۳۰] طبقات ابن سعد ۵/۲۴۵، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۲.

[۳۱] تاریخ فخری ص ۲۳۷، مقدمه ابن خلدون ص ۳۷۴، اخبار الدول واثار الاول قرمانی ص ۱۸۹.

[۳۲] تاریخ ابی الفداء ۲/۲۳۲، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۶.

- [۳۳] المهدیه فی الاسلام ص ۴۸.
- [۳۴] مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳.
- [۳۵] مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.
- [۳۶] ترجمه رساله دار مستتر، از محسن جهانسوز.
- [۳۷] ترجمه رساله دار مستتر.
- [۳۸] مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷، ص ۶۴۴ و سال ۷ شماره ۶.
- [۳۹] مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.
- [۴۰] ملل و نحل شهرستانی ۲/۱۷.
- [۴۱] الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۴.
- [۴۲] الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، ظاهره الغیبه و دعوی السفاره ص ۳۰۰ - ۳۷۰، المهدیه فی الاسلام ص ۲۷۰، مفتاح باب الابواب ص ۷۷.
- [۴۳] دائرة المعارف الاسلامیه ج ۱ ص ۴۹۶، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹.
- [۴۴] جهت آگاهی بر هویت سید کاظم رشتی و نقش او در گسترش فرقه بهائی گری رجوع شود به کتاب ظاهره الغیبه و دعوی السفاره، میرزا محسن آل عصفور بحرینی ص ۲۴۷ - ۳۰۰ چاپ قم.
- [۴۵] دائرة المعارف اسلامیه ۱/۴۹۶، المهدیه فی الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹، نصایح الهدی بلاغی، اسرار العقاید میرزا ابوطالب شیرازی چاپ ۱۳۲۴ در نوبت دوم و دهها کتاب دیگر در ردّ بهائی گری که اکثراً چاپ و منتشر گردیده، جهت آگاهی بر فهرست اسامی ۸۷ جلد کتاب در رد آنها مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی (عج) تألیف آقای علی اکبر مهدی پور ص ۸۱۷ - ۸۲۰.
- [۴۶] کتاب الغیبه شیخ طوسی ص ۳۹۷ - ۴۱۵ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۸/۱۲۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

